

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

کارگاه جمع بندی و حل تست

حقوق مدنی

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر سید محمد باقر حسینی

اول) کلیات، اموال و مالکیت

۱- درباره «حق دینی» کدام مورد صحیح است؟

- ۱) موضوع حق می تواند یک شیء مادی باشد.
- ۲) اسباب ایجاد حق، محدود به موارد خاص است.
- ۳) متضمن حق تقدم برای دارنده آن است.
- ۴) در برابر همه قابل استناد است.

۲- کدام مورد مصداق غیرمنقول تبعی است؟

- ۱) اجرت المسمی مال غیرمنقول
- ۲) دعوی مطالبه اجرت المثل کشتی
- ۳) دعوی خلع ید امانی از زمین
- ۴) سهام بی نام شرکت

۳- حسین به ادعای اینکه سابقاً زمینی را خریده است مدعی مالکیت آن شده و استرداد آن را از متصرف (جواد) درخواست می کند. کدام مورد صحیح است؟

- ۱) پس از اقرار جواد به مالکیت سابق حسین، جواد در مقام منکر و حسین در مقام مدعی قرار می گیرد.
- ۲) با ارائه سند عادی خرید، بیع به عنوان سبب مملک، ثابت و به نفع دارنده سند، حکم می شود.
- ۳) اثبات مالکیت سابق حسین به موجب اقرار جواد، مانع استناد جواد به اماره تصرف است.
- ۴) اثبات مالکیت سابق حسین با هر یک از ادله اثبات دعوی، مانع استناد به اماره تصرف نیست.

۴- حسین متصرف اتومبیلی است. در کدام مورد، تصرف وی به عنوان دلیل حقانیت او محسوب نمی شود؟

- ۱) تعارض تصرف وی در مقابل ادعای مالکیت عمومی و یا تعارض تصرف وی در برابر ادعای وقفیت سابق
- ۲) تعارض تصرف وی در برابر شهادت شهود بر مالکیت فعلی و یا تعارض تصرف وی در برابر اقرار او به مالکیت سابق مدعی مالکیت فعلی
- ۳) تعارض تصرف وی در مقابل اماره قضایی بر مالکیت فعلی
- ۴) در گزینه های «ب» و «ج» تصرف حسین دلیل حقانیت ایشان نمی باشد.

۵- سعید، غاصب نهال متعلق به مسعود است و آن را در زمین رضا بدون رضایت وی می کارد. در این صورت:

- ۱) درخت و میوه آن متعلق به مسعود است.
- ۲) سعید ضامن اجرت المثل زمین رضا نیست.
- ۳) رضا ضامن درخت و میوه آن در برابر مسعود است.
- ۴) رضا و سعید، ضامن درخت و میوه آن در برابر مسعود هستند.

۶- در خصوص اختلاف زوجین در اثاث خانه:

- ۱) اصولاً آنچه را از اثاثیه خانه که عرفاً و عادتاً اختصاص به زن تعلق دارد متعلق به او محسوب می شود.
- ۲) برای تشخیص مالک اثاث، باید به عرف و عادت رجوع کرد.
- ۳) هر یک مالک نصف اثاث خانه هستند.
- ۴) قول زوج مقدم است مگر اینکه زوجه مالکیت خود بر اثاث خانه را اثبات کند.

۶۹- محمود، رضا را اکراه می کند که قرارداد بیمه با شرکت بیمه خاص نسبت به خطر آتش سوزی در مورد خانه ای که خریده است منعقد کند. رضا بعد از انعقاد قرارداد بیمه متوجه می شود که خانه مذکور سابقاً بیمه شده و بیمه اش تا کنون باقی است. در این صورت قرارداد بیمه با شرکت مذکور:

- (۱) باطل است. (۲) غیر نافذ است. (۳) قابل فسخ است. (۴) غیر قابل استناد است.

۷۰- ضمانت اجرای اشتباه در کدام مورد بطلان یا حق فسخ نیست؟

- (۱) اشتباه در وصف اساسی مورد معامله نزد یکی از طرفین که در قلمرو قصد مشترک وارد نشده باشد.
(۲) اشتباه ناشی از تدلیس در وصف فرعی مورد معامله
(۳) اشتباه ناشی از جهل به قانون که منجر به اشتباه در خود موضوع معامله شود.
(۴) اشتباه در صورت عرفیه ی موضوع معامله

۷۱- مورد معامله عین معین است. جهل یا اشتباه، در کدام صورت خدشه ای به صحت معامله وارد نمی کند؟

- (۱) جهل، نسبت به ماهیت مورد معامله
(۲) اشتباه، نسبت به ماهیت مورد معامله
(۳) جهل، نسبت به وصف مهم مورد معامله
(۴) اشتباه، نسبت به یک وصف مهم مورد معامله

۷۲- سارا همسرش را تهدید می کند که اگر یکی از آپارتمان هایش را با ۳۰ درصد تخفیف به پدرش نفروشد، مهریه اش را به اجرا می گذارد و دارایی او را توقیف می کند. شوهر از ترس این قضیه، آپارتمان خود را با ۳۰ درصد زیر قیمت روز، به پدر سارا می فروشد. بیع مزبور، قانوناً چه وضعیتی دارد؟

- (۱) غیر نافذ به دلیل اکراه (۲) صحیح و لازم
(۳) باطل به دلیل فقدان قصد (۴) صحیح و قابل فسخ به دلیل خیار غبن

اثر معاملات

۷۳- علی یک دستگاه خودرو را به احمد تملیک می کند. پس از آن اختلاف می شود که عقد مقصود طرفین هبه بوده است یا صلح غیرمعمول. وضعیت قرارداد چگونه است؟

- (۱) باطل
(۲) هبه و جایز
(۳) صلح و لازم
(۴) لازم، بدون اینکه ماهیت عقد و خصوص صلح بودن آن ثابت شود.

۷۴- کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) در صورت تعارض عرف با قوانین تکمیلی حکم عرف مقدم است.
(۲) در صورت تعارض عرف با قوانین امری، قانون امری مقدم است.
(۳) در صورت تعارض شرط ضمن عقد با قانون تکمیلی، شرط مقدم است.
(۴) در صورت تعارض عرف خاص با شرط ضمن عقد، عرف خاص مقدم است.

معاملات فضولی

۱۲۵- در صورتی که مبیع فضولی به تصرف مشتری داده شود:

- ۱) و مالک معامله را رد کند مشتری تنها نسبت به عین مال مالک و منافع مستوفات آن در برابر مالک، ضامن است.
- ۲) و مالک معامله را اجازه کند وی نمی تواند برای اخذ ثمن به بایع فضولی مراجعه نماید.
- ۳) و مالک معامله را رد کند مشتری تنها نسبت به عین مال مالک و منافع غیر مستوفات آن در برابر مالک، ضامن است.
- ۴) و مالک معامله را اجازه کند اما قبض عوض را اجازه نکند مشتری حق مراجعه به بایع فضولی برای ثمن پرداختی به او را خواهد داشت.

۱۲۶- اگر پس از انعقاد معامله فضولی و قبل از تنفیذ، مالک یا اصیل فوت کند وضعیت معامله چگونه است؟

- ۱) مرگ مالک، سبب انحلال است و مرگ اصیل، سبب انحلال نیست.
- ۲) مرگ اصیل، سبب انحلال است و مرگ مالک، سبب انحلال نیست.
- ۳) در صورت مرگ هر یک از طرفین، عقد فضولی منحل می شود.
- ۴) مرگ هیچ یک از آنها، سبب انحلال عقد نیست و وراثت، جایگزین آنها خواهند شد.

۱۲۷- هرگاه مالک مالی که مورد معامله فضولی قرار گرفته است، بدون اطلاع از معامله فضولی آن را به دیگری رهن دهد، در این خصوص کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- ۱) در هر حال معامله فضولی باطل است
- ۲) معامله فضولی با تنفیذ مالک صحیح نمی شود
- ۳) معامله فضولی با تنفیذ مالک صحیح می شود
- ۴) حق تنفیذ یا رد در هر حال به مرتهن منتقل می شود.

۱۲۸- پس از انعقاد معامله فضولی، رضای مالک نسبت به آن چگونه ابراز شده و واجد چه اثری است؟

- ۱) به لفظ یا فعلی که دلالت بر امضاء عقد نماید خواه مسبوق به رد باشد یا نه و این اجازه کاشفیت حکمی دارد.
- ۲) به لفظ یا فعل دال بر امضاء عقد یا به صرف تملک ارادی مورد معامله پس از عقد فضولی و این اجازه کاشفیت حقیقی از صحت عقد دارد.
- ۳) به لفظ یا فعل دال بر امضاء عقد یا علم بعد از عقد بر اینکه آنچه فضولتاً فروخته متعلق به خودش بوده و این اجازه کاشفیت حکمی دارد.
- ۴) به لفظ یا فعل دال بر امضاء عقد و این اجازه نسبت به منافع عوضین از لحظه عقد مؤثر است.

۱۲۹- هرگاه مالک پس از اطلاع از وجود معامله فضولی آن را با اصیل اقاله نماید. این اقدام به منزله‌ی کدام یک از گزینه‌های زیر است؟

- ۱) به منزله تنفیذ صریح معامله فضولی است.
- ۲) به منزله رد معامله فضولی است.
- ۳) تأثیری در معامله فضولی ندارد و بعداً می تواند آن را تنفیذ یا رد کند.
- ۴) به منزله تنفیذ ضمنی معامله فضولی است.

۱۳۰- فرض کنید علی اتومبیل متعلق به محسن را به یاسر بفروشد و موبایل یاسر را به عنوان ثمن معامله دریافت دارد و سپس موبایل را به امیرحسین بفروشد و لپ تاپ امیرحسین را به عنوان ثمن دریافت دارد و سپس لپ تاپ را به اشکان بفروشد و تبلت اشکان را به عنوان ثمن دریافت دارد. در این صورت اگر محسن از راه رسیده و خواهان مالکیت بر تبلت شود، این اقدام به منزله کدام یک از گزینه‌های زیر است؟

- ۱) تنفیذ ضمنی تمامی معاملات پیش از آن.
- ۲) تنفیذ صریح تمامی معاملات پیش از آن.
- ۳) رد معاملات قبلی و تنفیذ معاملات بعدی.
- ۴) رد همه معاملات

سوم) الزامات خارج از قرارداد

۱۹۷- در مواردی که شخصی به عنوان سبب و دیگری به عنوان مباشر در وقوع خسارت بدنی نقش دارند کدام مورد صحیح است ؟

- ۱) مباشر مسئول است نه مسبب .
- ۲) مباشر مسئول است نه سبب ، مگر در موارد استثنایی.
- ۳) عاملی که خسارت مستند به او است مسئول است .
- ۴) صرف نظر از درجه تأثیر ، به نسبت مساوی مسئول هستند .

۱۹۸- هر گاه مال مغضوب ، مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود :

- ۱) غاصب باید قیمت حین الأداء را بدهد.
- ۲) غاصب باید آخرین قیمت را بدهد.
- ۳) غاصب قیمت روز تلف مال را بدهد.
- ۴) غاصب باید قیمت روز غصب مال را بدهد.

۱۹۹- در اجتماع سبب و مباشر، ضمان و مسئولیت مدنی بر کدام است؟

- ۱) در صورتی که دو یا چند عامل برخی به مباشرت و برخی به تسبیب در وقوع جرمی دخالت داشته باشند عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است.
- ۲) هرگاه عمل مستند به تمام عوامل سبب و مباشر باشد هر دو به طور مساوی ضامن هستند بجز آنجا که تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد.
- ۳) اگر مباشر در جنایت بی اختیار و جاهل باشد تنها سبب ضامن است.
- ۴) همه گزینه های فوق صحیح هستند.

۲۰۰- کدامیک از گزینه های زیر در حقوق ایران قابل مطالبه نیست؟

- ۱) عدم النفع احتمالی.
- ۲) خسارات آینده
- ۳) فرصت از دست رفته.
- ۴) ضرر معنوی.

۲۰۱- کدام گزینه در مورد دیه صحیح است؟

- ۱) نوعی ارش تعیین شده شرعی است که جانی یا بیت المال یا عاقله عهده دار پرداخت آن است.
- ۲) نوعی کیفر مالی در جرایم شبه عمد و خطای محض است که آثار کیفری و مدنی دارد.
- ۳) حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم است که آثار مسئولیت مدنی دارد.
- ۴) مالی است که به صورت یکی از اقلام شش گانه به مجنی علیه یا ولی دم او داده می شود.

۲۰۲- شخصی برای خاموش کردن اتومبیل که آتش گرفته است از پتو و لباس خودش استفاده می کند و پتو و لباس تلف می شود. در صورتی که شرایط اداره مال غیر وجود نداشته باشد کسی که ضرر از او دفع شده چه مسئولیتی در برابر زیان دیده دارد؟

- ۱) هیچ مسئولیتی
- ۲) اگر از فعل زیان بار عامل استفاده کرده باشد باید خسارت عامل را تا حدی که استفاده کرده جبران کند.
- ۳) اگر از فعل زیانبار عامل استفاده کرده باشد باید تمام خسارت وارد بر عامل را جبران کند.
- ۴) باید تمام ضرر و زیان وارد بر عامل را جبران کند.

۲۰۳- در فرض وجود وجود اضطرار، چنانچه برای دفع ضرر باشد، عامل زیان از مسئولیت مدنی معاف است.

- ۱) اضرار به غیر- از خود
- ۲) اضرار به غیر- از او
- ۳) اضرار به غیر- از ثالث
- ۴) اضرار به خود- از دیگری

چهارم) عقود معینه مختلفه

عقد بیع

۲۶۷- در صورتی که مبیع، کلی فی الذمه و برای تسلیم آن موعدی تعیین نشده باشد، کدام یک از موارد زیر صحیح است؟

- ۱) تا زمانی که خریدار مبیع را قبض نکرده است، فروش مجدد آن صحیح نمی باشد.
- ۲) چنانچه به مقدار خریداری شده در انبار فروشنده موجود باشد، خریدار نمی تواند بدون اذن فروشنده در آن تصرف کند.
- ۳) هرگاه قبل از عقد بیع، فروشنده همان مقدار کالا یا بیشتر با همان اوصاف را در انبار خریدار امانت گذاشته باشد، قبض خریدار به میزان خریداری شده نیاز به اذن فروشنده ندارد.
- ۴) در صورتی که خریدار قبلاً از آن نوع کالا با همان اوصاف و مقدار به فروشنده بدهکار بوده است، هرچند موعد تأدیه دین نیز فرا رسیده باشد، تهاتر قهری واقع نمی شود.

۲۶۸- در صورتی که خریدار در قبض مبیع مکره باشد، حکم قضیه به لحاظ ایفای تعهد فروشنده، کدام است؟

- ۱) در هر حال، تعهد فروشنده ایفاء شده است.
- ۲) در هر حال، تسلیم معتبر نبوده و تعهد فروشنده ایفاء نشده است.
- ۳) در صورتی که مورد معامله کلی در ذمه بوده، تعهد بایع ایفاء شده اما در صورتی که مورد معامله عین معین باشد، تسلیم معتبر نبوده و تعهد ایفاء نشده است.
- ۴) در صورتی که مورد معامله عین معین بوده، تعهد باید ایفاء شده اما در صورتی که مورد معامله کلی در ذمه باشد، تسلیم معتبر نبوده و تعهد ایفاء نشده است.

۲۶۹- متعاقب بیع یک تن عدس با اوصاف مورد توافق طرفین، فرونده در موعد مقرر آن را تسلیم خریدار می کند. در صورتی که خریدار هنگام قبض کیسه های مورد معامله را اشتبهاً به تصور اینکه آنچه خریده و اکنون فروشنده به وی تحویل می دهد، یک تن لوبیاست، آن را تحویل بگیرد، حکم مسئله از جهت صحت قبض و ایفای تعهد فروشنده یا عدم آن، کدام است؟

- ۱) چنانچه مورد معامله عین معین بوده، قبض، صحیح و موجب ایفای تعهد فروشنده است. ولی اگر مورد معامله کلی در ذمه باشد، قبض باطل و موجب ایفای تعهد نیست.
- ۲) چنانچه مورد معامله عین معین باشد، قبض باطل است، ولی اگر مورد معامله کلی در ذمه بوده، قبض صحیح و موجب ایفای تعهد فروشنده است.
- ۳) در هر حال، قبض مزبور صحیح و موجب ایفای تعهد فروشنده است.
- ۴) در هر حال، قبض مزبور به دلیل اشتباه اساسی خریدار باطل است.

۲۷۰- ضمان معاوضی مبیع قبل از تسلیم بر عهده بایع و ضمان معاوضی مبیع بعد از تسلیم

- ۱) در فرض اتلاف مبیع به وسیله ثالث محقق نمی شود- در زمان خیار مجلس یا حیوان یا شرط که مختص مشتری باشد بر عهده بایع است.
- ۲) است در حالی که ضمان معاوضی ثمن پیش از تأدیه آن، بر عهده مشتری نیست- اصولاً بر عهده مشتری است.
- ۳) نمی آید اگر مبیع در دوران تقصیر و انکار بایع و به دلایل خارجی تلف شود- در زمان خیار مختص مشتری نسبت به تلف یا نقص بر عهده بایع است نه نسبت به عیب.
- ۴) است و همچنین است تلف نمآت و منافع مبیع- در زمان خیار مختص مشتری نسبت به مبیع کلی بر عهده بایع است.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

کارگاه جمع بندی و حل تست

آیین دادرسی مدنی

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر مجتبی نعمت الهی

کلیات

۱- مقررات مربوط به سازمان قضاوتی قانون لاحق در این مقررات عطف به ماسبق و قانون لاحق در مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی عطف به ماسبق

(۱) تکمیلی است- می شود- نمی شود.

(۲) تکمیلی است- می شود- می شود.

(۳) آمره است- می شود- می شود مگر اینکه قانونگذار خلاف آن را وضع کند.

(۴) آمره است- نمی شود- می شود مگر اینکه قانونگذار خلاف آن را وضع کند.

۲- در صورتی که پرونده ای در مرحله ی نخستین رسیدگی شده اما در مورد آن پرونده فقط قرار صادر شده باشد:

(۱) در مرحله ی بالاتر امکان رسیدگی به ماهیت این پرونده وجود ندارد.

(۲) در مرحله ی بالاتر امکان رسیدگی به ماهیت این پرونده تحت شرایطی ممکن است.

(۳) در صورت عدم اعتراض خوانده می توان در مرحله بالاتر به ماهیت این پرونده رسیدگی نمود.

(۴) باید در مرحله بالاتر به ماهیت این پرونده رسیدگی شود.

۳- رسیدگی به امور حسبی تابع و امور مطروحه در دیوان عدالت تابع و دعاوی حقوقی مربوط به ثروت های ناشی از اصل ۴۹ قانون اساسی تابع می باشد.

(۱) قانون امور حسبی و قانون آ.د.م / قانون دیوان عدالت اداری / قانون آئین دادرسی کیفری

(۲) قانون امور حسبی است مگر موارد سکوت / قانون دیوان عدالت اداری است مگر ابلاغ رای / قانون آ.د.م

(۳) قانون امور حسبی است مگر اینکه در موردی این قانون ساکت باشد یا به آ.د.م ارجاع شده باشد / قانون دیوان عدالت اداری است مگر در خصوص وکالت، ابلاغ رای و موارد سکوت که در این صورت تابع آ.د.م است / قانون آ.د.م

(۴) قانون امور حسبی است مگر در خصوص وکالت و ابلاغ رای و موارد سکوت که در اینصورت تابع آ.د.م است / قانون دیوان عدالت اداری مگر مواردی که به ق.آ.د.م ارجاع شده باشد / قانون آ.د.ک

۴- در خصوص قانون حاکم بر دلایل به ترتیب در مورد: صلح، ضمان عقدی، اتلاف و طلاق کدام گزینه صحیح می باشد؟

(۱) زمان انعقاد صلح / زمان انعقاد ضمان عقدی / زمان انعقاد قرارداد اتلاف / زمان وقوع طلاق

(۲) زمان طرح دعوی صلح / زمان انعقاد ضمان عقدی / زمان طرح دعوی اتلاف / زمان وقوع طلاق

(۳) زمان انعقاد صلح / زمان انعقاد ضمان عقدی / زمان طرح دعوی اتلاف / زمان وقوع طلاق

(۴) زمان طرح دعوی صلح / زمان طرح دعوی ضمان عقدی / زمان طرح دعوی اتلاف / زمان وقوع طلاق

۵- با توجه به کلیات قواعد آیین دادرسی مدنی کدام یک از گزینه های زیر صحیح است؟

(۱) مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم جز در موارد خاص با رعایت تشریفات قانون آئین دادرسی مدنی است.

(۲) در صورتی که بین قانون آئین دادرسی مدنی و قانون امور حسبی تعارض وجود داشته باشد قانون امور حسبی به عنوان آخرین اراده قانون گذار محل اجرا خواهد بود.

(۳) صرفاً رسیدگی به دعاوی بازرگانی در دادگاه های تجاری و برابر مقررات آئین دادرسی مدنی صورت می پذیرد.

(۴) همه موارد.

باب دوم: وکالت در دعاوی

۱۹- خواهان « الف » و « ب » را به عنوان وکیل به دادگاه معرفی می نماید و حق اقدام به طور انفرادی را از آنها سلب می نماید « الف » در روز رسیدگی به علت فوت همسرش در دادگاه حاضر نمی شود « ب » در دادگاه به همراه لایحه ای که « الف » که در توضیح علت عدم حضورش ارسال داشته حاضر می شود دادگاه

- ۱) با استماع دفاع وکیل حاضر دادرسی را ادامه می دهد و تجدید جلسه دادرسی به این علت امکانپذیر نمی باشد.
- ۲) بدون استماع دفاع وکیل حاضر دادرسی را ادامه می دهد و تجدید جلسه دادرسی به این علت امکانپذیر نمی باشد.
- ۳) ادامه جلسه دادرسی امکانپذیر نیست و وقت رسیدگی دیگری را باید تعیین کند و به طرفین ابلاغ نماید در این صورت جلسه بعدی به علت عدم حضور تجدید نخواهد شد.
- ۴) در صورت ضرورت ممکن است جلسه دادرسی را تجدید کند و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی را باید به موکل اطلاع دهد در این صورت جلسه بعدی به علت عدم حضور تجدید نخواهد شد.

۲۰- چنانچه وکیل هم زمان در دو یا چند دادگاه دعوت شود و جمع بین آنها ممکن نباشد؛

- ۱) وکیل باید حضور در وقت رسیدگی پرونده کیفری را مقدم دارد ولی جلسه دادگاه دیگر تجدید نخواهد شد.
- ۲) وکیل باید حضور در وقت رسیدگی پرونده حقوقی را مقدم دارد ولی جلسه دادگاه دیگر تجدید خواهد شد.
- ۳) وکیل باید حضور در وقت رسیدگی پرونده کیفری را مقدم دارد ولی جلسه دادگاه دیگر تجدید خواهد شد.
- ۴) وکیل باید حضور در وقت رسیدگی پرونده حقوقی را مقدم دارد ولی جلسه دادگاه دیگر تجدید نخواهد شد.

۲۱- در کدام حالت وکیل دادگستری مکلف نیست ذیل وکالتنامه ی خود تأیید کند که وکالت نامه را موکل شخصاً در حضور او امضا کرده مهر یا انگشت زده است؟

- ۱) اگر وکالت نامه به موجب سند رسمی باشد.
- ۲) اگر وکالت نامه به موجب سند رسمی یا عادی باشد.
- ۳) اگر وکالت نامه به موجب سند عادی باشد.
- ۴) در هیچ صورتی مکلف نیست.

۲۲- در کدام مورد امکان معرفی نماینده به جای وکیل دادگستری وجود دارد؟

- ۱) درخواست های امور حسبی، دعاوی مطروحه از سوی اتحادیه مرکزی صنوف
- ۲) دعاوی مطروحه از سوی اتحادیه مرکز صنوف و سازمان تامین اجتماعی
- ۳) درخواست های امور حسبی، دعاوی مطروحه از طرف سازمان هلال احمر
- ۴) دعاوی مطروحه از سوی اشخاص حقوقی

۲۳- کدام گزینه در خصوص وکالت صحیح است؟

- ۱) تنظیم قرارداد وکالتی توسط وکیل با دولت ولو به صورت موردی ممنوع است.
- ۲) وکیل می تواند در استخدام دولت باشد ولی نمی تواند با دولت قرارداد مشاوره حقوقی داشته باشد.
- ۳) وکیل نمی تواند حتی به عنوان مشاوره حقوقی از دولت حقوق دریافت کند اما می تواند قرارداد وکالت موردی با دولت تنظیم کند.
- ۴) وکیل نمی تواند ضمن اشتغال به وکالت، در استخدام دولت نیز باشد.

فصل چهارم: جلسه دادرسی

۵۰- حقوق اصحاب دعوا تا پایان اولین جلسه دادرسی کدام است؟

- ۱) طرح دعوای اضافی، تغییر خواسته یا تغییر نحوه دعوا، افزایش خواسته، جلب ثالث، دعوای متقابل، دعوای تامین واهی، دعوای تامین اتباع بیگانه، طرح ایرادات
- ۲) زیاد کردن خواسته، تغییر خواسته یا تغییر نحوه دعوا، طرح دعوای اضافی، دعوای متقابل، تعرض به اصالت اسناد، ایرادات، دعوای تامین اتباع بیگانه
- ۳) اعتراض به بهای خواسته، استرداد دادخواست، تعرض به اصالت اسناد
- ۴) اعتراض به بهای خواسته، استرداد دعوا، استرداد دادخواست، تعرض به اصالت اسناد

۵۱- کدام گزینه در باب جلسه دادرسی به موجب قانون صحیح نیست؟

- ۱) حضور نیافتن اصحاب دعوا یا وکلای آنها و نفرستادن لایحه و عدم اقدام آنها در جلسه دادرسی اصولاً مانع رسیدگی نیست.
- ۲) ضمانت اجرای تکلیف به حضور در مواردی که دادگاه حضور هر یک از اصحاب دعوا را به موجب اخطاریه ضروری بداند جلب نمی باشد.
- ۳) در صورت عدم حضور اصحاب دعوا و وکلای آنها و عدم تقدیم لایحه توسط آنها، اگر ابلاغ وقت به صورت قانونی انجام شده باشد اولین جلسه محقق شده اما دادگاه باید جلسه را تجدید کند.
- ۴) در صورتی که با دعوت قبلی هیچ یک از اصحاب دعوا حاضر نشوند و دادگاه نتواند در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح رأی صادر کند دادخواست ابطال خواهد شد.

۵۲- در مواردی که عدم تشکیل جلسه دادرسی منتسب به اصحاب دعوا نیست جلسه دادرسی بعدی و هرگاه در وقت تعیین شده دادگاه تشکیل نگردد جلسه دادرسی بعدی هرگاه مانعی برای رسیدگی وجود داشته باشد جلسه ی بعدی تشکیل می شود.

- ۱) در نزدیکترین وقت / در نزدیک ترین وقت / حداکثر ظرف ۲ ماه
- ۲) در نزدیک ترین وقت / حداکثر ظرف ۲ ماه / حداکثر ظرف ۲ ماه
- ۳) حداکثر ظرف ۲ ماه / حداکثر ظرف ۲ ماه / در نزدیک ترین وقت
- ۴) حداکثر ظرف ۲ ماه / در نزدیک ترین وقت / در نزدیکترین وقت

۵۳- کدام گزینه در خصوص تغییر خواسته صحیح است؟

- ۱) در صورتی که خواهان در اولین جلسه دادرسی خواسته خود را از دو میلیون ریال به سه میلیون ریال افزایش دهد دادگاه به آن توجه نموده و حکم قابل تجدیدنظر نیست.
- ۲) در صورت افزایش خواسته و عدم حضور خواننده دادگاه در راستای اصل تناظر باید جلسه را تجدید کند.
- ۳) در صورتی که خواسته مبلغی بعنوان اجرت المثل ملکی باشد مطالبه مبلغی بعنوان خسارت وارده به همان ملک بصورت افزایش خواسته بدون تقدیم دادخواست در هیچ صورت مسموع نیست.
- ۴) همه موارد

۱۰۴- سند رسمی منتسب به خواننده علیه وی استفاده می شود در این صورت خواننده می تواند:

- (۱) اظهار انکار یا تردید نماید.
- (۲) ادعای جعل مادی یا اظهار انکار نماید.
- (۳) فقط ادعای جعل مادی یا مفادی کند.
- (۴) فقط ادعای جعل مادی نماید.

فصل یازدهم

مبحث اول: صدور و انشاء رأی

۱۰۵- رأی قاطع رأیی است که با صدور آن و قرار قاطع دعوا

- (۱) پرونده از مرجع صادر کننده آن خارج می شود حتی اگر اختلاف را فصل ننموده باشد- مشمول قاعده فراغ دادرسی نمی شود.
- (۲) پرونده از مرجع صادر کننده آن خارج می شود مگر اینکه اختلاف را فصل ننموده باشد- مشمول قاعده فراغ دادرسی نمی شود.
- (۳) پرونده از مرجع صادر کننده آن خارج می شود حتی اگر اختلاف را فصل ننموده باشد- مشمول قاعده فراغ دادرسی می شود.
- (۴) پرونده از مرجع صادر کننده آن خارج می شود مگر اینکه اختلاف را فصل ننموده باشد- دارای اعتبار امر قضاوت شده است.

۱۰۶- پس از اعلام ختم دادرسی دادگاه انشاء رأی نموده و رأی مذکور ظرف مدت از تاریخ پانویس شده

و به امضا دادرسی یا دادرسان صادر کننده رأی برسد.

- (۱) حداکثر ظرف پنج روز- ده روز- صدور- ظرف یک هفته
- (۲) حداکثر ظرف یک هفته- پنج روز- اعلام- بلافاصله
- (۳) در همان جلسه و یا حداکثر ظرف یک هفته- یک هفته- اعلام- بلافاصله
- (۴) در همان جلسه و در غیر اینصورت حداکثر ظرف یک هفته- پنج روز- صدور- بلافاصله

۱۰۷- مطابق قانون در صدور رأی انشاء لفظی و چنانچه رأی دادگاه راجع به و باشد حکم و

..... قرار نامیده می شود.

- (۱) لازم است- ماهیت دعوا- قاطع آن به طور کلی- آنچه که دارای اعتبار امر قضاوت شده باشد.
- (۲) لازم است- ماهیت دعوا- قاطع آن به طور کلی یا جزئی- در غیر این صورت
- (۳) لازم نیست- ماهیت دعوا- قاطع آن به طور کلی- در غیر این صورت
- (۴) لازم نیست- ماهیت دعوا- قاطع آن به طور کلی یا جزئی- در غیر این صورت آنچه دارای اعتبار امر قضاوت شده باشد.

مبحث دوم: ابلاغ رأی

۱۰۸- مدیر دفتر موظف است پس از امضای دادنامه رونوشت آن را به تعداد تهیه کند و در صورتی که شخصاً یا

وکیل یا نماینده قانونی آنها حضور دارند به آنان ابلاغ نماید والا به تسلیم و توسط وی به اصحاب دعوا ابلاغ می گردد.

- (۱) ظرف دو روز- اصحاب دعوا- به مأمور ابلاغ
- (۲) فوری- اصحاب دعوا بعلاوه یک نسخه- به مأمور ابلاغ
- (۳) ظرف دو روز- اصحاب دعوا بعلاوه یک نسخه- نزدیکان اصحاب دعوا
- (۴) فوری- اصحاب دعوا- به مأمور ابلاغ

۱۶۵- در کدام یک از گزینه ها تمام موارد حتی با تراضی هم نمی توان بعنوان داور انتخاب کرد؟

- ۱) کسانی که سن آن ها کمتر از ۲۵ سال است- قضات- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا نسبت برادری دارد.
- ۲) کسانی که همسرشان وارث یکی از اصحاب دعواست- کارمندان دولت- قضات- وکیل یکی از طرفین
- ۳) قیم یکی از اصحاب دعوا- شخص صغیر غیرمميز- شخص محروم از داوری- کارمند دولت
- ۴) اشخاص فاقد اهلیت قانونی- کارمندان اداری محاکم قضایی- قضات- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه از داوری محرومند.

۱۶۶- چنانچه طرفین قراردادی به ارجاع به داوری متعهد شده باشند ولی اقامه دعوا نمایند دادگاه ---- صادر می نماید و اگر تعداد داوران و مدت داوری معلوم نباشد ----

- ۱-قرار عدم استماع - سه نفر و سه ماه محسوب می گردد.
- ۲-قرار رد دعوا - دو نفر و دو ماه محسوب می گردد.
- ۳-قرار عدم استماع - یک نفر و بیست روز محسوب می گردد.
- ۴-قرار رد دعوا - سه نفر و سه ماه محسوب می گردد.

باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار

۱۶۷- در صورتی که دعاوی متعدد ضمن یک دادخواست به طرفیت اشخاص مختلف مطرح گردد و ضمن دادخواست تقاضای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی نیز شده باشد کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) صدور حکم اعسار نسبت به یکی از دعاوی در هر حال نسبت به تمام دعاوی موثر است.
- ۲) صدور حکم اعسار نسبت به یکی از دعاوی نسبت به بقیه دعاوی مؤثر نخواهد بود.
- ۳) صدور حکم اعسار نسبت به یکی از دعاوی نسبت به بقیه دعاوی و در دیگر مراحل دادرسی همان دعوی نیز مؤثر نخواهد بود.
- ۴) صدور حکم اعسار نسبت به یکی از دعاوی نسبت به بقیه دعاوی و در دیگر مراحل دادرسی همان دعوی نیز مؤثر خواهد بود.

۱۶۸- چنانچه محکوم علیه تا روز از تاریخ ابلاغ ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود دعاوی اعسار از را مطرح نماید حبس نمی شود مگر دعاوی اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

- ۱) سی روز / حکم / محکوم به یا هزینه دادرسی
- ۲) بیست روز / حکم / محکوم به یا هزینه دادرسی
- ۳) سی روز / اجرائیه / محکوم به
- ۴) بیست روز / اجرائیه / محکوم به

۱۶۹- به موجب قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی؛

- ۱) اصل بر ملائت مدیون است مگر در مواردی که مال تلف حقیقی شده باشد یا مدیون در عوض دین مالی دریافت نموده باشد که در این صورت با شهادت ۲ شاهد و بدون سوگند ادعای اعسار ثابت می گردد.
- ۲) در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین مالی دریافت کرده باشد اصل بر ملائت وی و بار اثبات اعسار برعهده ی اوست.
- ۳) در مواردی که مدیون ثابت کند مال تلف حقیقی یا حکمی شده یا در عوض دین مالی دریافت نکرده اصل بر اعسار او است و با سوگند وی پذیرفته می شود.
- ۴) گزینه ی ۲ و ۳ صحیح است.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

کارگاه جمع بندی و حل تست اصول فقه

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر صدیقه گلستان رو

تعارض ادله

۱- تفاوت باب تعارض و تراحم، در کدام مورد است؟

- ۱) در تعارض، دلالت دلیل، مجمل است، ولی در باب تراحم، دو حکم که ضرورتاً یکی اهم و دیگری مهم است، با هم تراحم می نمایند.
- ۲) در تعارض، ناسازگاری در ناحیه دلالت دو یا چند دلیل است؛ ولی در تراحم، مشکل در ناحیه اجرا و امتثال حکم است.
- ۳) در باب تعارض، دو دلیل مطلقاً حتی در صورت ترجیح یکی بر دیگری، از اعتبار ساقط می شوند؛ ولی در تراحم، همواره تکلیف اهم مقدم می شود.
- ۴) در باب تراحم، معیار شناسایی حکم اهم از مهم، عقلی و بدیهی است؛ ولی در باب تعارض، معیارهای ترجیح، مبهم و اختلافی است.

۲- در فرض تراحم دو یا چند حکم، معیار ترجیح کدام است؟

- ۱) تقدم زمان صدور حکم
- ۲) تخییر به طور مطلق
- ۳) اهمیت حکم
- ۴) نزدیک بودن حکم به واقعیت

۳- در کدام مورد، تعارض حتی از نوع غیر مستقر آن نیز وجود ندارد؟

- ۱) یکی از دو دلیل، قطعی و یقینی و دیگری ظنی باشد.
- ۲) بین دو دلیل، نسبت عام و خاص برقرار باشد.
- ۳) بین دو دلیل، نسبت مطلق و مقید برقرار باشد.
- ۴) یکی از دو دلیل، حاکم یا وارد بر دلیل دیگر باشد.

۴- دو نسخه متعارض از یک قرارداد، درباره تعهد معینی وجود دارد. یکی از قراردادهای دلالت روشنی بر موضوع تعهد دارد، اما شائبه اکرایی بودن آن هم در میان است. قرارداد دیگر، فاقد شائبه اکرایی بودن است، اما دلالت آن بر موضوع تعهد، مبهم می باشد. کدام مورد زیر در خصوص این دو قرارداد، صحیح است؟

- ۱) هر دو قرارداد، مرجع جهت صدور را دارند، ولی یکی از آنها دارای مرجع دلالتی نیز هست.
- ۲) هر دو قرارداد، دارای مرجع مضمونی و جهت صدور یکسان هستند.
- ۳) یکی از قراردادها، دارای مرجع مضمونی و دیگری، دارای مرجع سندی است.
- ۴) یکی از قراردادها، دارای مرجع جهت صدور و دیگری، دارای مرجع دلالتی است.

۵- در صورت تراحم دو حکم، ترک اهم و انجام مهم چه حکمی دارد؟

- ۱) مهم در برابر اهم، مشروعیت و مطلوبیت خود را از دست خواهد داد.
- ۲) طبق اصله التخییر، حق انتخاب مساوی دارد.
- ۳) مهم، بر طبق قاعده ترتب باز هم مطلوبیت قانونی خود را حفظ می کند.
- ۴) در وارد مختلف باید قائل به تفصیل شد و مرجحات اهم گاهی قوی است که باید مهم را خالی از مطلوبیت دانست.

۶- در خصوص جمع تبرعی و جمع عرفی، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) جمع تبرعی، مربوط به ادله ناظر به بیان غیر الزامی است؛ اما جمع عرفی مربوط به ادله ناظر به بیان احکام الزامی است.
- ۲) جمع تبرعی، مربوط به تعارض دو دلیلی است که دلالت آنها در حد ظهور است؛ اما جمع عرفی مربوط به تعارض دو نص است.
- ۳) جمع تبرعی، جمعی دلخواهی است که شاهدهی از لفظ آن بر گواهی نمی دهد؛ اما جمع عرفی جمعی است که میان دو یا چند دلیل متعارض با تکیه بر شواهد لفظی موجود در ادله صورت می گیرد.
- ۴) جمع تبرعی، صرفاً با لحاظ مناسب حکم و موضوع صورت می گیرد؛ اما در جمع عرفی تأکید بر معیارهای عرفی خارج از حدود دلالتی لفظی است.

۹۵- به موجب یک اصل مسلم حقوقی «عموم اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی، به طور کلی موظف به پرداخت هزینه دادرسی هستند». از سوی دیگر به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۷ شورای انقلاب: «بنیاد مستضعفان از پرداخت هزینه دادرسی در تمام مراجع قضایی معاف است». اگر تردید شود که ماده واحده مصوب ۱۳۵۸، در برگیرنده بنیاد مستضعفان یا شرکتهای وابسته به بنیاد مستضعفان است می توان گفت:

- ۱) اجمال مخصّص به عام سرایت نکرده و شرکتهای وابسته به بنیاد مستضعفان به استناد مخصّص، معاف از پرداخت هزینه دادرسی هستند.
- ۲) اجمال مخصّص به عام سرایت کرده و شرکتهای وابسته به بنیاد مستضعفان به استناد عام، موظف به پرداخت هزینه دادرسی هستند.
- ۳) اجمال مخصّص به عام سرایت نکرده و شرکتهای وابسته به بنیاد مستضعفان به استناد عام، موظف به پرداخت هزینه دادرسی هستند.
- ۴) اجمال مخصّص به عام سرایت کرده و با استناد به اصول عملیه پاسخ می دهیم که شرکت های وابسته به بنیاد مستضعفان هزینه دادرسی بپردازند یا نه.

۹۶- در خصوص تفاوت بین نسخ با تخصیص ، کدام یک صحیح است؟

- ۱) دلیل نسخ همیشه از جهت زمان صدور ، مؤخر از منسوخ است اما مخصّص ، ممکن است مقدم بر عام یا همزمان یا مؤخر از آن باشد.
- ۲) نسخ نسبت به گذشته و آینده اثر دارد بر خلاف تخصیص که فقط نسبت به آینده اثر دارد .
- ۳) قانون نسخ ، مبین قانون منسوخ است بر خلاف قانون خاص که از بین برنده قانون عام است .
- ۴) تخصیص فقط توسط قانونگذار صورت می گیرد بر خلاف نسخ که با دلیل عقلی یا حکم قانونگذار تحقق می یابد .

۹۷- ماده ۴۴۵ ق.م می گوید : « هر یک از خيارات بعد از فوت ، منتقل به وراثت می شود ». ماده ۴۴۷ ق.م بیان می دارد : « هر گاه شرط خیار برای شخصی غیر از متعاملین شده باشد منتقل به ورثه نخواهد شد ». تعارض بین این دو ماده

- ۱) تعارض عام و خاص همزمان است و ماده ۴۴۷ ، ماده ۴۴۵ را تخصیص می دهد .
- ۲) تعارض عام مقدم و خاص مؤخر است و ماده ۴۴۷ ، ماده ۴۴۵ را تخصیص می دهد .
- ۳) تعارض عام مقدم و خاص مؤخر است و ماده ۴۴۷ ، ماده ۴۴۵ را نسخ جزئی می کند .
- ۴) تعارض عام مؤخر و خاص مقدم است و ماده ۴۴۷ ، ماده ۴۴۵ را تخصیص می دهد.

۹۸- علی وصیت نامه ای حاوی تملیک تمام کتابهایش به رضا تنظیم نموده ولی بخشی از سند به دلیل ریختن جوهر ناخوانا گشته است. اگر احتمال دهیم بخشی از کتابهای علی از شمول وصیت خارج شده و این احتمال در مورد بخش ناخوانای وصیت مطرح شود تکلیف چیست؟

- ۱) تمام کتابهای علی مورد وصیت است.
- ۲) لازم است تفحص کنیم که در قسمت ناخوانا مخصی وجود ندارد و اگر اطمینان یافتیم که مخصی نیست می گوئیم تمام کتابها مورد وصیت است.
- ۳) به وصیت مزبور نمی توان عمل کرد.
- ۴) تفحص می کنیم که آیا در قسمت ناخوانا مخصی وجود دارد یا نه؛ و ظن به عدم وجود مخصی هم کافی است تا بتوان گفت تمام کتابها مورد وصیت است.

وضع الفاظ

۱۷۱- با توجه به تعریف جرم در ماده ۲ قانون مجازات که مقرر می دارد: «جرم هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است»، کدام یک از موارد زیر را می توان گفت؟

- (۱) جرم، حقیقت قانونی است و بنابراین هرگاه قانونگذار این واژه را به کار ببرد، باید بر همین معنای قانونی حمل شود.
- (۲) در موارد مشکوک، جرم در متن قانونی بر معنای متعارف نزد قضات حمل می شود. که مخاطبان این قانون هستند، نه بر معنای مذکور در متن قانون
- (۳) به رغم تعریف فوق، در موارد مشکوک، جرم بر معنای لغوی آن حمل می شود.
- (۴) این تعریف، تنها شرح اسم است پس در موارد مشکوک، جرم بر معنای معروف نزد عرف عام، حمل می شود.

۱۷۲- کدام مورد در خصوص استعمال واژه وکیل، درباره کسی که به زودی پروانه وکالت خود را از مراجع مربوط دریافت می کند، صحیح است؟

- (۱) مصداق استعمال مجازی است که عرف اهل زبان ممکن است آن را استعمال مقبول قلمداد کنند.
- (۲) مصداق استعمال لفظ در معنای حقیقی است و در هر حال استعمالی مقبول است.
- (۳) بنابر وضع واژه ها، برای اعم از صحیح و فاسد، مقبول است، اما بنابر اینکه الفاظ، برای مفاهیم صحیح وضع شده باشند، استعمال مقبولی نخواهد بود.
- (۴) استعمال لفظ در این مورد و موارد مشابه، نه از باب استعمال حقیقی و نه از باب استعمال مجازی، عرفاً مقبول نیست.

۱۷۳- کدام لفظ، در معنای حقیقی آن استعمال شده است؟

- (۱) داوری درباره رسیدگی قضایی
- (۲) حاکم در مورد ولی فقیه
- (۳) بانک در مورد بانک اطلاعات
- (۴) سرقت در مورد دستیابی به اطلاعات محرمانه

۱۷۴- در کدام گزینه مجاز به علاقه مشابهت به کار رفته است:

- (۱) کاربرد «قرار» برای تصمیم دادگاه که قاطع دعواست.
- (۲) کاربرد «زوجیت» برای نکاح. «زوجین که زوجیت آنها دائمی است...»
- (۳) کاربرد «محکمه» برای قاضی.
- (۴) کاربرد مستاجر برای کسی که عقد اجاره اش منقضی شده است.

۱۷۵- حقیقت عرفی چیست؟

- (۱) هرگاه قانونگذار با اقلام خود، لفظی را از معنای لغوی و عرفی آن جدا و در معنی منظور خود تثبیت کند به طوری که بدون قرینه همان معنا از آن استفاده شود.
- (۲) معنایی متفاوت با معنی لغوی که مردمان با کثرت استعمال برای آن لفظ تثبیت کرده اند.
- (۳) معنای جدیدی است که به ابتکار شارع نخستین اسلام برای لفظی، معین شده و بدون قرینه از آن لفظ استفاده می شده است.
- (۴) الفاظی که در عرف و استعمال فقها و در زمان پس از امام صادق بدون قرینه معنای شرعی می دادند.

۲۱۲- ماده ۱۰۹ قانون مدنی مقرر می دارد: دیواری که مابین دو ملک واقع است مشترک مابین صاحب دو ملک محسوب می شود مگر اینکه قرینه یا دلیلی برخلاف آن موجود باشد. این ماده:

- (۱) یک اماره قانونی بوده و مفید حکم ظاهری است.
 (۲) یک اماره قضایی است و مفید حکم ظاهری است.
 (۳) یک اماره قانونی است و مفید حکم واقعی است.
 (۴) یک اماره قضایی است و مفید حکم واقعی است.

۲۱۳- اصل بر عدم حجیت

- (۱) اماره است.
 (۲) ظن است .
 (۳) قطع است .
 (۴) همه موارد

۲۱۴- ماده ۱۰۵۰ ق.م بیان می دارد: «هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل...». منظور از «علم» در این ماده، کدام گزینه است؟

- (۱) قطع موضوعی (۲) قطع طریقی (۳) ظن معتبر و خاص (۴) ظن مطلق و نامعتبر

۲۱۵- ظنی که دلیل خاصی بر حجیت آن رسیده و ظنی که عمل به آن از طرف شارع، ممنوع نشده ولی مورد تایید شارع هم قرار نگرفته است به ترتیب کدام است؟

- (۱) ظن مطلق - ظن خاص (۲) ظن خاص - ظن مطلق
 (۳) ظن نوعی - ظن خاص (۴) ظن شخصی - ظن خاص

مجمل و مبین و ادله استنباط احکام (قرآن، سنت، اجماع، عقل و قیاس)

مقدمه واجب - اذن در شیء، اذن در لوازم - استحسان - استصلاح یا مصالح مرسله - سد ذرایع

۲۱۶- برابر ماده ۸۲۵ قانون مدنی: «وصیت بر دو قسم است: تملیکی و عهدی» حکم این ماده، مصداق است.

- (۱) نص (۲) موول (۳) ظاهر (۴) متشابه

۲۱۷- ماده ۶۱۱ ق.م مقرر می دارد: «ودیعه عقدی است جایز». این ماده مصداق کدام گزینه است؟

- (۱) مبین (۲) نص (۳) ظاهر (۴) ۱ و ۲

۲۳۷- ماده ۵۷۷ ق.م بیان می دارد: « شریکی که در ضمن عقد به اداره کردن اموال مشترک مأذون شده است می تواند هر عملی را که لازمه اداره کردن است انجام دهد...». این ماده، مصداقی از چه قاعده ای است؟

(۱) قاعده «مقدمه واجب، واجب است»

(۲) قاعده «اذن در شیء، اذن در لوازم آن است»

(۳) قاعده «استحسان»

(۴) قاعده «استصلاح»

۲۳۸- "مصالح مرسله" مصالحی هستند که.....

(۱) ادله صریح بر وجوب عدم رعایت آنها وجود دارد

(۲) ادله صریح بر وجوب رعایت آنها وجود دارد

(۳) ادله وجوب آنها ارسال شده اما به ما نرسیده است

(۴) دلیل خاصی نه بر وجوب رعایت آنها رسیده و نه بر حرمت آنها

۲۳۹- ماده ۱۱۵۰ ق.م مقرر می دارد: «عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن، زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند». مبنای این حکم را جلوگیری از اختلاط نسب و احترام به نکاح پیشین دانسته اند. این مبنا، معادل کدامیک از اصطلاحات زیر است؟

(۱) علت

(۲) سبب

(۳) حکمت

(۴) مقتضی

۲۴۰- اگر مالکی تعهد کرده باشد که ملک غیرمنقول و ثبت شده خود را به دیگری بفروشد می بایست به دفاتر اسناد رسمی مراجعه و سند رسمی تنظیم نماید. مراجعه به دفتر اسناد رسمی و انجام مقدمات برای انتقال ملک، از چه باب بر عهده انتقال دهنده است؟

(۱) قاعده سد ذرایع

(۲) مقدمه واجب، واجب است.

(۳) قاعده استصلاح

(۴) قاعده استحسان

۲۴۱- ماده ۸۶۱ ق.م تصریح می دارد: «موجب ارث دو امر است: نسب و سبب». ماده ۸۸۴ همین قانون مقرر می دارد: «ولد الزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی برد...». حال اگر میان زن و مردی رابطه زوجیت وجود نداشته باشد و در اثر تلقیح مصنوعی فرزندی از ایشان متولد گردد:

(۱) حکم ولد الزنا درباره فرزند متولد شده جاری است به دلیل سرایت دادن حکم ماده ۸۸۴ ق.م.

(۲) حکم ولد الزنا درباره فرزند متولد شده جاری نیست به دلیل بر خلاف قاعده بودن حکم ماده ۸۸۴ ق.م.

(۳) حکم فرزند مشروع در مورد فرزند متولد شده جاری است به دلیل شمول قطعی و صریح ماده ۸۶۱ ق.م.

(۴) حکم ولد الزنا درباره فرزند متولد شده جاری نیست به دلیل جریان قیاس بر اساس ماده ۸۸۴ ق.م.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

کارگاه جمع بندی و حل تست

حقوق تجارت

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر رسول لطفی

۱- در تحلیل عمل تجاری ذاتی کدام مورد نادرست است؟

- ۱) عمل خیاطی که پارچه می خرد و پس از تبدیل به لباس می فروشد، تجاری محسوب می شود.
- ۲) بر اساس نظریه یا معیار گردش ثروت، معاملات غیر منقول عمل تجاری محسوب می شوند.
- ۳) قصد فروش در خرید مال منقول توسط تاجر مفروض است و نیاز به دلیل اثباتی ندارد.
- ۴) واسطه گری انجام معاملات اوراق بهادار در بورس، عمل تجاری محسوب می شود.

۲- کدام مورد از اعمال تجاری ذاتی است؟

- ۱) رهن اموال غیر منقول توسط تاجر
- ۲) خرید و فروش اموال غیر منقول حکمی
- ۳) معاملات برواتی
- ۴) تاسیس کارخانه

۳- کدام یک از معاملات زیر، تجاری تبعی است؟

- ۱) معامله صراف با صراف هر چند برای غیر از حوائج و امور تجاری اش باشد.
- ۲) معامله کسبه جزء با غیر تاجر که برای حوائج تجاری کسبه جزء باشد.
- ۳) قرارداد بیع بین شرکت تضامنی و شرکت سهامی
- ۴) ۲ و ۳

۴- ارائه خدمات بیمه ای مربوط به اموال غیر منقول،

- ۱) و یا منقول، عمل تجاری است.
- ۲) عمل تجاری نیست مگر در صورتیکه توسط تاجر انجام شوند.
- ۳) به هیچ وجه عمل تجاری نیست بر خلاف خدمات بیمه اموال منقول.
- ۴) اگر فقط همراه با خرید و فروش باشد عمل تجاری است.

۵- تاجر از یک هنرمند نقاش در خواست می کند که تابلوی نقاشی برای او بکشد اولی را برای منزل شخصی اش و دومی را برای تجارتخانه، کدامیک از اعمال تجاری محسوب می شود؟

- ۱) اولی، تجاری و دومی ودومی غیر تجاری است.
- ۲) هر دو عمل تجاری است
- ۳) اولی، غیر تجاری و دومی تجاری است.
- ۴) هر دو عمل غیر تجاری است.

۶- با توجه به قواعد و مقررات حمل و نقل در قانون تجارت ایران، کدام مورد در خصوص مسئولیت متصدی حمل و نقل صحیح است؟

- ۱) ید متصدی حمل و نقل «ضمنی» است.
- ۲) بر اساس قرارداد حمل، متصدی حمل و نقل به طور ضمنی متعهد به سالم رسانیدن کالا به مقصد است مگر اینکه عدم مسئولیت خود را شرط کرده باشد.
- ۳) متصدی حمل و نقل در طول عملیات حمل و پس از رسیدن کالا به مقصد مادامی که گیرنده مال التجاره را تحویل نگرفته است، اصولاً ضامن عیب و نقص کالا است.
- ۴) در صورتی که راننده کامیون بدون وقوع حادثه ناشی از حمل کالا، قسمتی از محموله را مفقود نماید، متصدی حمل و نقل ضامن است.

۳۶- برای تشکیل مجمع عمومی موسس در شرکت سهامی عام، در دعوت های اول و دوم و سوم به ترتیب، حضور چه تعداد از سهامداران لازم است؟

- ۱) پذیره نویسان و موسساتی که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده اند- صاحبان لاقل یک سوم سرمایه شرکت- صاحبان لاقل یک سوم سرمایه شرکت.
- ۲) حداقل نصف پذیره نویسان و موسسان- حداقل یک سوم صاحبان سرمایه- حداقل یک سوم صاحبان سرمایه.
- ۳) پذیره نویسان و موسساتی که حداقل ۵۰٪ سرمایه شرکت را تعهد کرده اند - حداقل یک سوم صاحبان سرمایه - حداقل صاحبان سوم سرمایه.
- ۴) پذیره نویسان و موسساتی که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده اند- صاحبان حداقل نصف سرمایه شرکت- یک سوم صاحبان سرمایه شرکت.

۳۷- مسوولیت موسسین نسبت به بدهی های شرکت سهامی که ثبت شده است و مسوولیت ایشان نسبت به اعمالی که برای ثبت شرکت انجام می دهند به ترتیب کدام است؟

- ۱) مسوولیتی ندارند - مسوولیتی ندارند
- ۲) مسوولیت تضامنی دارند - مسوولیتی ندارند
- ۳) مسوولیت اشتراکی دارند - مسوولیت تضامنی دارند
- ۴) مسوولیتی ندارند - مسوولیت تضامنی دارند

۳۸- مسوولیت موسسین شرکت سهامی در کدام مورد، تضامنی است؟

- ۱) هزینه های معاملات
- ۲) اعمال مربوط به تاسیس و به ثبت رسانیدن شرکت
- ۳) خسارات ایجاد شده در روند تاسیس شرکت
- ۴) همه موارد.

۳۹- در رابطه با شرکت های سهامی ، کدام یک از گزینه های زیر صحیح است؟

- ۱) تا قبل از ثبت شرکت سهامی ، صدور گواهینامه موقتاً با نام مجاز است.
- ۲) شرکت سهامی عام می تواند سرمایه خود را به سهام های بیست هزار ریالی و هشتصد ریالی تقسیم کند.
- ۳) شرکت سهامی عام و خاص می تواند سرمایه خود را به یکصد سهم یکصد هزار ریالی تقسیم کنند.
- ۴) بعد از پرداخت نیمی از مبلغ اسمی سهم ، صدور ورقه گواهینامه موقت با نام مجاز است.

۴۰- دارنده اوراق مشارکت محسوب می شود.

- ۱) شریک در طرح شرکت ۲) سهامدار شرکت
- ۳) طلبکار شرکت
- ۴) طلبکار ممتاز شرکت

۴۱- تصویب آورده غیرنقدی در شرکت سهام عام توسط و در شرکت سهامی خاص توسط صورت می گیرد.

- ۱) مجمع عمومی موسس- مجمع عمومی عادی
- ۲) مجمع عمومی موسس- همه شرکا
- ۳) کارشناس رسمی دادگستری- همه شرکا
- ۴) کارشناس رسمی دادگستری- کارشناسی رسمی دادگستری

۴۲- اگر تصمیم مجمع عمومی موسس برخلاف مقررات قانونی شرکت سهامی و به زیان پذیره نویس باشد پذیره نویس می تواند خروج خود را از دادگاه بخواهد.

- ۱) می تواند صرفاً به این دلیل از تصمیم مجمع تبعیت نکند.
- ۲) می تواند حسب مورد بطلان تصمیم را از دادگاه بخواهد.
- ۳) می تواند حسب مورد بطلان تصمیم در برابر اشخاص ثالث استناد کند.
- ۴) می تواند حسب مورد به بطلان تصمیم در برابر اشخاص ثالث استناد کند.

۱۰۴- مدیر تصفیه شرکت سهامی مختلط در چه صورتی می تواند ارجاع به داوری کند؟

- ۱) در صورتی که شرکای ضامن به او اجازه داده باشند.
- ۲) در صورتی که طلبکاران اجازه دهند.
- ۳) مدیر تصفیه مطلقاً نمی تواند دعوای مربوط به شرکت منحل یا ورشکسته را به داوری ارجاع دهد.
- ۴) مطلقاً دارای اختیار است.

۱۰۵- در رابطه با اداره شرکت مختلط غیر سهامی، کدام مورد قابل قبول است؟

- ۱) هر کدام از شرکای شرکت حق اداره شرکت را خواهند داشت.
- ۲) شریک با مسئولیت محدود حق اداره شرکت را خواهد داشت اما اداره از وظایف او نخواهد بود.
- ۳) اداره شرکت به عهده شریک ضامن می باشد و حدود اختیارات او مانند شریک در شرکت تضامنی است.
- ۴) اداره شرکت صرفاً به عهده شریک یا شرکای ضامن می باشد و حدود اختیارات آن ها محدود است.

۱۰۶- در خصوص «شرکت با مسئولیت محدود» کدام مورد صحیح است؟

- ۱) نقل و انتقال سهم الشرکه در این شرکت ها آزادانه صورت نمی گیرد.
- ۲) محدود کردن اختیارات مدیران در برابر اشخاص ثالث در هر حال قابل استناد نیست.
- ۳) در صورتی که اسم شرکت متضمن نام یکی از شرکاء باشد، ن شرکت در مقابل اشخاص ثالث تضامنی محسوب است.
- ۴) در صورت ناکافی بودن دارایی شرکت پس از انحلال، شرکای شرکت نیز باید معادل آورده ای که در شرکت گذاشته اند، به طلبکاران شرکت بپردازند.

۱۰۷- گزینه نادرست در مورد شرکت تضامنی و نسبی کدام است؟

- ۱) نحوه ی تقسیم منافع در این دو شرکت متفاوت می باشد.
- ۲) در مواردی شرکت می تواند شرکاء را مجبور به تکمیل سرمایه کند.
- ۳) انتقال سهم الشرکه حتی به سایر شرکاء نیز نیازمند اتفاق آراء می باشد.
- ۴) چنانچه در این دو شرکت چند مدیر(هیئت مدیره) وجود داشته باشد برای اتخاذ هر تصمیم باید همگی مدیران موافق باشند.

۱۰۸- در مورد معامله ی شریک با مسئولیت محدود از طرف شرکت مختلط غیر سهامی، کدام گزینه مطابق قانون صحیح می باشد؟

- ۱) معامله ی شریک با مسئولیت محدود باطل می باشد و مسئولیت وی در حدود بطلان معامله است.
- ۲) در مقابل طرف معامله مسئولیتی ندارد بر خلاف مسئولیت وی در مقابل شرکت
- ۳) در صورت تصریح به سمت وکالت، مسئولیت وی تا میزان سرمایه ای است که به شرکت آورده است.
- ۴) در صورت تصریح به وکالت، در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت.

۱۰۹- امر تصفیه در شرکتهای تضامنی، نسبی و مختلط سهامی و غیرسهامی با چه کسانی است؟

- ۱) مطلقاً مدیر یا مدیران شرکت
- ۲) با اشخاصی که مجمع عمومی یا دادگاه تعیین نماید
- ۳) با مدیر یا مدیران شرکت مگر در صورت تعیین اشخاص دیگر توسط شرکای ضامن
- ۴) هیچ کدام

۱۷۱- به ترتیب زمانی که اشخاص نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته خیاراتی دارند و نیز زمانی که تاجر ورشکسته نسبت به اموال متصرفی دیگران خیاراتی داشته باشد:

- ۱) باید خیارات را به موقع به اجرا بگذارند- باید به موقع خیارات را به اجرا بگذارد.
- ۲) می تواند خیارات را به اجرا بگذارد مشروط به اینکه به ضرر طلبکارها نباشد- می تواند خیارات را به اجرا بگذارد مشروط به اینکه به ضرر طلبکارها نباشد.
- ۳) می تواند خیارات را به اجرا بگذارد مشروط به اینکه به ضرر طلبکارها نباشد- می تواند خیارات را به اجرا بگذارد.
- ۴) می تواند خیارات را به اجرا بگذارد- می تواند خیارات را به اجرا بگذارد مشروط بر اینکه به ضرر طلبکارها نباشد.

۱۷۲- استرداد وجوهی که توسط اداره تصفیه به صندوق دادگستری محل یا صندوق اداره تصفیه تسلیم می شود:

- ۱) ممکن نیست
- ۲) ممکن نیست مگر با حواله مدیر تصفیه و اجازه عضو ناظر
- ۳) ممکن نیست مگر با حواله دو نفر از کارکنان اداره تصفیه که مجاز از طرف دادگستری باشند.
- ۴) ممکن نیست مگر با حواله پنج نفر از کارکنان اداره تصفیه که مجاز از طرف دادگستری باشند.

۱۷۳- امور ورشکستگی از تاریخ وصول حکم آن به اداره تصفیه بایستی ظرف تصفیه شود.

(۱) ۶ ماه	(۲) ۸ ماه	(۳) ۱ سال	(۴) ۲ سال
-----------	-----------	-----------	-----------

۱۷۴- کدام گزینه قابل قبول می باشد؟

- ۱) متقاضی اعتراض به درخواست اعاده اعتبار می تواند ظرف یک ماه اعتراض خود را به اداره تصفیه محل اقامت تاجر ورشکسته تقدیم نماید.
- ۲) معترض به اعاده اعتبار می تواند صرفاً در مدت قانونی اعتراض نماید.
- ۳) رونوشت درخواست اعاده اعتبار یک نوبت در جراید آگهی و یک نسخه از آن به طلبکاران ارسال شود.
- ۴) حکم اعاده اعتبار مستلزم ثبت می باشد.

۱۷۵- با کدام یک از تجار ذیل نمی توان قرارداد ارفاقی منعقد کرد؟

- ۱) تاجری که حکم ورشکستگی قطعی او صادر شده باشد.
- ۲) تاجر ورشکسته به تقلب که حکم قطعی او صادر شده باشد.
- ۳) تاجر ورشکسته به تقصیر که حکم قطعی او صادر شده باشد.
- ۴) موارد ۲ و ۳

۱۷۶- کلیه طلبکارانی که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی را داشته اند می توانند اعتراض خود را ظرف مدت ابلغ کنند.

- | | |
|---------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------|
| (۱) ۲۰ روز از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه | (۲) ۱۰ روز از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته |
| (۳) ۷ روز از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته | (۴) ۷ روز از تاریخ قرارداد به دادگاه |

۲۰۱- کدام گزینه صحیح می باشد؟

- ۱) پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی توسط محکمه به طور کلی ادعای بطلان آن مسموع نیست.
- ۲) بعد از تصدیق قرارداد ارفاقی توسط محکمه نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده قابل عدول می باشد.
- ۳) قبل از تصدیق قرارداد ارفاقی گزارش عضو ناظر ضروری باشد
- ۴) اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشود عضو ناظر فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی می پردازد.

۲۰۲- به ترتیب مخارج تعقیبی تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف طلبکاران و مدیر تصفیه که منجر به محکومیت تاجر شود بر عهده ی کیست؟

- ۱) دولت/ دولت
- ۲) طلبکار تعقیب کننده/ دولت
- ۳) دولت/ مدیر تصفیه
- ۴) طلبکار تعقیب کننده/ مدیر تصفیه

۲۰۳- عضو ناظر توسط دادگاهی که حکم ورشکستگی را صادر نموده، انتخاب می شود و این تصمیم دادگاه قابل اعتراض:

- ۱) حین صدور حکم یا ظرف پنج روز پس از صدور حکم/ می باشد.
- ۲) حین صدور حکم/ می باشد.
- ۳) حین صدور حکم یا ظرف پنج روز پس از صدور حکم/ نمی باشد.
- ۴) حین صدور حکم/ نمی باشد.

۲۰۴- کدام مورد، از مصادیق ورشکستگی به تقلب تاجر نیست؟

- ۱) اگر دفاتر او ناقص یا بی ترتیب باشد
- ۲) دارایی خود را مخفی کرده باشد
- ۳) دفاتر خود را مفقود کرده باشد
- ۴) به طریق مواضعه و معاملات صوری، دارایی خود را از میان برده باشد

۲۰۵- در خصوص تاجر ورشکسته ای که ظرف سه روز از تاریخ توقف، مراتب را به دادگاه اعلام نکرده باشد، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) باید از سوی دادگاه، محکوم به ورشکستگی به تقصیر شود
- ۲) ممکن است توسط دادگاه، به ورشکستگی به تقصیر محکوم شود
- ۳) ممکن است از طرف دادگاه، به ورشکستگی به تقلب محکوم شود
- ۴) باید از سوی دادگاه، به ورشکستگی به تقلب محکوم شود

۲۰۶- هر گاه ورشکسته اموالی جز مستثنیات دین نداشته باشد
.....

- ۱) جریان ورشکستگی خاتمه خواهد پذیرفت.
- ۲) جریان ورشکستگی خاتمه خواهد پذیرفت، مگر آن که طلبکاران کتباً تقاضای اجرای مقررات ورشکستگی را بنماید و هزینه آن را هم بپردازد.
- ۳) اداره تصفیه باید به ادعاهای بستانکاران رسیدگی کند و طلب های آنان را تشخیص و تصدیق و یا رد نماید.
- ۴) جریان ورشکستگی خاتمه خواهد پذیرفت، مگر آنکه طلبکاران کتباً درخواست اجرای وصول ورشکستگی را بنماید.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

کارگاه جمع بندی و حل تست

حقوق جزا

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر ابراهیم زارع

۳۱- زن و مردی که بین آن ها علقه زوجیت نیست مرتکب روابط نامشروع می شوند. هر دو در حین دادرسی ۱۰ روز بازداشت شده اند و در نهایت به ۹۹ ضربه شلاق محکوم می شوند. اجرای حکم شلاق چه وضعیتی دارد؟

(۱) چنانچه قاضی تشخیص دهد، می تواند تا ۳۰ ضربه شلاق از محکومیت آن ها کسر کند.

(۲) چون محکومیت آن ها بابت تعزیر منصوص شرعی است از محکومیت آن ها چیزی کسر نمی شود.

(۳) قاضی می تواند ۳۰ ضربه شلاق از محکومیت آن ها را کسر کند.

(۴) بابت بازداشت، ۳۰ ضربه شلاق از محکومیت آن ها کسر می شود.

تخفیف مجازات، معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای کیفر

۳۲- تخفیف مجازات حبس تعزیری درجه ۴ به چه نحو امکان پذیر است؟

- (۱) تقلیل به میزان یک تا دو درجه
- (۲) تقلیل به میزان یک تا سه درجه
- (۳) تقلیل به میزان یک تا سه درجه یا تبدیل به جزای نقدی متناسب با همان درجه
- (۴) تقلیل به میزان یک تا سه درجه یا تبدیل به مجازات دیگر به نحوی که مساعد به حال متهم باشد

۳۳- تخفیف مجازات در کدام یک از موارد زیر جایز است؟

- (۱) در صورت شمول قاعده تعدد جرم بر جرائم ارتكابی متعدد
- (۲) مجازات فردی که در یک تصادف رانندگی به قصد فرار از تعقیب، مصدوم را رها و از محل تصادف فرار کند.
- (۳) مجازات های تعزیری اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور و اسیدپاشی
- (۴) ارتکاب جرم علیه آمران به معروف و ناهیان از منکر

۳۴- کدامیک از مجازات های زیر را با رعایت مقررات تخفیف قضایی موضوع ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ می توان به

جزای نقدی تبدیل نمود؟

- (۱) حبس درجه ۵
- (۲) حبس درجه ۴
- (۳) حبس درجه ۲
- (۴) کلیه مجازات های تعزیری

۳۵- در جرائم تعزیری درجه ی هفت و هشت، دادگاه با چه شرایطی می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند؟

- (۱) احراز جهات تخفیف، پیش بینی اصلاح مرتکب، فقدان سابقه کیفری، گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان
- (۲) احراز جهات تخفیف، پیش بینی اصلاح مرتکب، فقدان سابقه کیفری موثر، گذشت شاکی، رضایت محکوم و جبران ضرر و زیان
- (۳) تعهد به اجرای دستورهای دادگاه، پیش بینی اصلاح مرتکب، فقدان سابقه کیفری، گذشت شاکی، رضایت محکوم و جبران ضرر و زیان
- (۴) احراز جهات تخفیف، پیش بینی اصلاح مرتکب، فقدان سابقه کیفری موثر، گذشت شاکی یا جبران ضرر و زیان

۷۰- «الف» فاقد سابقه کیفری، در سال ۱۳۹۱، مرتکب جرمی با مجازات قانونی ۳ ماه تا ۶ ماه حبس شده و محکومیت قطعی به ۶ ماه حبس یافته است. او پس از لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، درخواست تبدیل حبس به مجازات جایگزین را می نماید، وضعیت مجازات وی چگونه است؟

- ۱) قاضی مکلف است حبس را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند.
- ۲) در صورت موافقت قاضی اجرای احکام قاضی مکلف به تبدیل حبس به مجازات جایگزین حبس است.
- ۳) حبس تعیین شده اجرا می شود.
- ۴) قاضی مخیر است حبس را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند.

مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان

۷۱- کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) تمام جرایم تعزیری نوجوانان قابل گذشت محسوب میشوند
- ۲) جرایم تعزیری درجات ۵ تا ۱ اطفال و نوجوانان قابل گذشت محسوب میشوند
- ۳) تمام جرایم اطفال و نوجوانان قابل گذشت محسوب میشوند
- ۴) جرایم تعزیری درجات ۶ تا ۱ اطفال و نوجوانان قابل گذشت محسوب میشوند

۷۲- در مورد دختر دوازده ساله ای که مرتکب جرم مستوجب حد شده است کدام اقدام قابل اعمال است؟

- ۱) یکی از اقدامات اخطار و تذکر کتبی یا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال نسبت به او اعمال میشود.
- ۲) در صورت رشد و کمال عقل او و علم به ماهیت و حرمت عمل ارتكابی طبق مقررات عمومی رفتار می شود.
- ۳) چنانچه ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد الزاماً نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۲ تا ۵ سال نسبت به او اعمال میشود.
- ۴) چنانچه ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد مطلقاً هیچ اقدامی نسبت به او قابل اعمال نیست

۷۳- در صورت ارتکاب جرم تعزیری و جرم حدی توسط اطفال کمتر از ۹ سال دادگاه چه تصمیمی اتخاذ می کند؟

- ۱) هیچ تصمیمی
- ۲) برای هر دو اقدام تامینی و تربیتی اعمال می شود
- ۳) تنها نسبت به جرم تعزیری اقدام تامینی و تربیتی اعمال می شود
- ۴) تنها نسبت به جرم حدی اقدام تامینی و تربیتی اعمال می شود

۹۶- در کلیه جرائم حدی، به صرف حدوث شبهه و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود به جز:

- (۱) زنا با محارم نسبی، قذف، محاربه و افساد فی الارض
(۲) زنا با محارم نسبی، قذف، محاربه، سرقت
(۳) افساد فی الارض، قذف، محاربه، سرقت
(۴) سرقت، زنا با محارم نسبی، محاربه، افساد فی الارض

شروع به جرم

- ۹۷- در خصوص شروع به جرم کدام یک از موارد زیر صحیح نمی باشد؟
(۱) در جرایمی که عنصر مادی آنها ترک فعل است امکان تحقق شروع به جرم متصور است.
(۲) برای تعیین مجازات شروع به جرم، مجازات قانونی جرم ارتكابی ملاک است.
(۳) در صورت انصراف ارادی، شروع به جرم منتفی است و مرتکب به مجازات اقدامات انجام شده محکوم می شود.
(۴) در جرایم غیر عمدی شروع به جرم متصور نیست.

- ۹۸- در کدامیک از جرایم زیر شروع به جرم قابل مجازات است؟
(۱) در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها حبس تعزیری درجه ۵ است.
(۲) در جرایم عمدی که مجازات قانونی آنها شلاق تعزیری است.
(۳) در جرایم عمدی که مجازات قانونی آنها حبس تعزیری درجه ۱ و ۲ است.
(۴) در جرایم عمدی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو و دیه بیش از نصف دیه کامل است.

۹۹- هر گاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیر ممکن باشد، اقدام انجام شده

- (۱) در حکم شروع به جرم است
(۲) شروع به جرم است
(۳) جرم تام است.
(۴) جرم نیست.

۱۰۰- شخصی به قصد سرقت وارد منزلی می شود. این خانه به دلیل اسباب کشی خالی بوده و مرتکب عالم بر این موضوع نبوده است. بعد از دیدن خالی بودن منزل، از خانه خارج شده و در بیرون کوچه توسط یکی از همسایگان دستگیر می شود. در این فرض چه گزینه ای صحیح است؟

- (۱) شروع به جرم است.
(۲) در حکم شروع به جرم است.
(۳) جرم عقیم است.
(۴) جرم تام سرقت است.

۱۵۲- شخصی به ارتکاب جرم سب النبی اقرار کرده و بر پایه این اقرار حکم محکومیت قطعی کیفری علیه او صادر می شود. در حین اجرای مجازات شخص، اقرار خود را انکار می نماید. در این صورت:

- (۱) انکار بعد از اقرار مسموع نیست.
- (۲) حد ساقط و سه تا ده سال حبس محکوم می شود.
- (۳) حد ساقط و به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم می شود.
- (۴) حد ساقط و به بیش از دو تا پنج سال حبس محکوم می شود.

۱۵۳- کدامیک از گزینه های زیر در خصوص شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات جرم صحیح است؟

- (۱) در صورت وجود تعارض میان دو شهادت شرعی قاضی طبق حکم قرعه عمل می کند.
- (۲) شهادت بر شهادت شاهد معتبر نیست.
- (۳) جرایم موجب حدود و تعزیر با شهادت بر شهادت اثبات نمی شوند.
- (۴) قصاص، دیه، ضمان مالی از طریق شهادت بر شهادت اثبات نمی شود.

حدود

۱۵۴- کدام جرم حدی است؟

- (۱) تقبیل و مضاجعه
- (۲) معاونت در محاربه
- (۳) قیام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی
- (۴) توهین به مقدسات

۱۵۵- اگر کسی دختر نابالغ باکره ای را اغفال کرده و با جلب رضایت او با وی زنا کند، مشمول کدام حکم است؟

- (۱) اعدام، پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل
- (۲) صرفاً پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل
- (۳) اعدام و پرداخت مهرالمتعه
- (۴) صد ضربه شلاق و پرداخت ارش البکاره و مهر المثل

۱۵۶- راهزنان، سارقان و قاچاقچسانی که دست به سلاح می برند، در چه صورتی محارب محسوب می شوند؟

- (۱) هرگاه به قصد ایجاد ناامنی در محیط دست به سلاح برند و سرقت محقق شود.
- (۲) در صورتی که موجب سلب امنیت مردم و راه ها شوند.
- (۳) در صورتی که موجب واردن آمدن خسارت عمده و اخلال شدید در نظم عمومی کشور شوند.
- (۴) هرگاه موجب سلب امنیت مردم و راه ها شوند و اموال مردم را برابند.

۲۱۶- کدام یک اشاره به جراحت مأمومه دارد؟

- ۱) جنایتی که درمان آن جز با جابه جا کردن استخوان میسر نباشد و دیه آن پانزده صدم دیه ی کامل است.
- ۲) جراحی که به کیسه ی مغز برسد و دیه آن یک سوم دیه ی کامل است.
- ۳) جنایتی که درمان آن جز با جابه جا کردن استخوان میسر نباشد و دیه آن ده صدم دیه ی کامل است.
- ۴) صدمه یا جراحی که کیسه مغز را پاره کند و دیه آن یک سوم دیه ی کامل است.

۲۱۷- کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱) ماه های حرام عبارت است از محرم، رجب، ذی قعدة و ذی حجه
- ۲) در موارد جنایت بر نفس و مادون نفس، اگر هویت مرتکب شناخته نشود، دیه را بیت المال میپردازد
- ۳) صندوق تأمین خسارات بدنی، در مواردی که زنی مورد جنایت قرار گرفته باشد در موارد لزوم پرداخت مابتفاوت دیه ای که به زن یا ولی دم او پرداخت میشود، هم در موارد نفس و هم مادون نفس مکلف به پرداخت آن مابتفاوت است
- ۴) تغلیظ دیه مخصوص جنایت بر کبیر است

۲۱۸- «الف» به قصد کشتن جنین، به شکم مادر ضربه ای میزند. جنین پس از زنده متولد شدن بدون قابلیت ادامه حیات، بر اثر همان ضربه فوت می کند. حکم «الف» چیست؟

- ۱) فقط به پرداخت دیه محکوم می شود.
- ۲) علاوه بر پرداخت دیه جنین، به تعزیر محکوم می شود.
- ۳) فقط به تعزیر محکوم می شود و عاقله، دیه جنین را می پردازد.
- ۴) به قصاص نفس محکوم می شود.

۲۱۹- کدام مورد در خصوص دیه جنایت بر میت، صحیح است؟

- ۱) حال است و در جنایت عمد و شبه عمد، توسط مرتکب و در خطای محض، توسط عاقله پرداخت می شود.
- ۲) از نظر مدت و مسئول پرداخت، تابع عمومات پرداخت دیه است، ولیکن میزان آن یک دهم دیه انسان زنده است.
- ۳) حال است و توسط مرتکب پرداخت می شود
- ۴) از نظر مدت و مسئول پرداخت، تابع عمومات پرداخت دیه است، با این تفاوت که دیه به ارث نمی رسد.

تعزیرات

۲۲۰- کدام مورد در خصوص جرم توهین صحیح است؟

- ۱) برای تحقق آن، ارتجالی بودن توهین شرط نیست.
- ۲) جرمی مطلق و نیازمند وجود سوءنیت خاص است.
- ۳) توهین به رهبر جز جرایم قابل گذشت است.
- ۴) توهین به مقام رسمی ایران، جرمی غیر قابل گذشت است.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

کارگاه جمع بندی و حل تست

آیین دادرسی کیفری

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر حمیدرضا زارعی

۶- چنانچه صدور حکم در خصوص ضرر و زیان نیاز به تحقیقات بیشتری داشته باشد
 (۱) دادگاه مکلف است رسیدگی نسبت به جنبه کیفری را تا تعیین تکلیف جنبه حقوقی به تأخیر اندازد.
 (۲) دادگاه نسبت به جنبه کیفری رأی را صادر و پس از آن به دعوی ضرر و زیان رسیدگی می نماید.
 (۳) دعوی ضرر و زیان را به دادگاه حقوقی ارجاع می دهد.
 (۴) دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری در خصوص ضرر و زیان هم رأی را صادر کند در غیر این صورت نسبت به جنبه حقوقی، قرار عدم صلاحیت صادر می شود.

۷- با احراز نسخ عنوان مجرمانه چه مواردی ساقط می شوند؟

- (۱) تعقیب دعوی عمومی
- (۲) ضرر و زیان مدعی خصوصی
- (۳) ضبط اشیاء یا اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده یا از ارتکاب جرم تحصیل شده
- (۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح است.

۸- رسیدگی به دعوی خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه های نظامی مطرح می شود:

- (۱) مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.
- (۲) مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.
- (۳) طرح دعوی خصوصی در دادگاه های نظامی امکان پذیر نیست.
- (۴) مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد.

۹- مطالبه ضرر و زیان وارده به نیروهای مسلح و رسیدگی به آن

- (۱) مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد.
- (۲) مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی است.
- (۳) مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی نیست.
- (۴) مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست اما هزینه دادرسی باید پرداخت گردد.

۱۰- اگر ذینفع پس از صدور قرار اناطه طرف مهلت مقرر گواهی لازم را به دادگاه یا مرجع صادر کننده قرار تقدیم نکند، آن مرجع

چه اقدامی انجام می دهد؟

- (۱) پرونده را بایگانی می کند
- (۲) قرار رد دعوا را صادر می کند
- (۳) قرار موقوفی تعقیب صادر می کند
- (۴) به رسیدگی ادامه داده و تصمیم مقتضی اتخاذ می کند

۵۲- کنترل حساب های بانکی اشخاص:

- ۱) پس از تقاضای بازپرس منوط به تأیید رییس حوزه قضایی مربوطه است.
- ۲) پس از تقاضای بازپرس منوط به تأیید رییس قوه قضاییه است.
- ۳) پس از تقاضای بازپرس منوط به تأیید رییس کل دادگستری استان مربوطه است.
- ۴) پس از تقاضای بازپرس منوط به تأیید دادستان کل کشور است.

۵۳- هرگاه متهم نوشته های خود را که در کشف جرم مؤثر است به وکیل خود سپرده باشد:

- ۱) بازپرس مکلف است آن ها را در حضور وکیل بررسی کند.
- ۲) بازپرس می تواند آن ها را در حضور وکیل بررسی کند و وکیل مکلف به ارائه آن هاست حتی اگر عذر موجهی داشته باشد.
- ۳) بازپرس می تواند آن ها را در حضور وکیل بررسی کند و وکیل مکلف به ارائه آن هاست و در صورت عدم ارائه به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم می شود.
- ۴) بازپرس می تواند آن ها را در حضور وکیل بررسی کند و وکیل مکلف به ارائه آن هاست و در صورت عدم ارائه به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم می شود مگر اینکه وکیل عذر موجه داشته باشد.

۵۴- هنگام تحقیق محلی و معاینه محل کدام موارد، بازپرس مکلف است شخصا حضور یابد؟

- ۱) جرایم موجب مجازات سلب حیات و همچنین هنگام معاینه اجساد
- ۲) جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) و همچنین هنگام معاینه اجساد
- ۳) جرایم ارتكابی توسط اشخاص و مقامات موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸)
- ۴) جرایم موضوع بند (الف) ماده (۳۰۲) و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی.

۵۵- کدام گزینه راجع به ارجاع امر به کارشناسی نادرست است؟

- ۱) بازپرس می تواند برای یک بار مهلت کارشناسی را تمدید کند و تمدید مهلت به کارشناس و طرفین ابلاغ می گردد.
- ۲) اگر یکی از کارشناسان در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر باشد، اما بدون عذر موجه از اظهار نظر یا حضور در جلسه یا امضای نظریه کارشناسی امتناع کند، نظر اکثریت ملاک عمل است.
- ۳) جهات رد کارشناس همان جهات رد دادرس است.
- ۴) نظر کارشناس به طرفین ابلاغ می شود و طرفین می توانند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، جهت ملاحظه نظر کارشناس به دفتر بازپرسی مراجعه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کنند.

۵۶- مجوز تفتیش و بازرسی منزل و محل کار متهمان به جرایم سیاسی یا مطبوعاتی در چه صورت امکان پذیر است.

- ۱) با تأیید رییس قوه قضاییه
- ۲) فقط در جرایم علیه امنیت و یا برای کشف جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) با تأیید رئیس کل دادگستری استان
- ۳) با تأیید رئیس کل دادگستری استان و با حضور مقام قضایی
- ۴) ارتكاب جرایم خاص از سوی وی و تأیید دادستان تهران و با حضور بازپرس

۵۷- کنترل ارتباطات مخابراتی افراد در کدام یک از موارد زیر به موجب قانون مجاز نیست؟

- ۱) در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد
- ۲) برای کشف جرایم موجب مجازات سلب حیات
- ۳) در جرایم سیاسی و مطبوعاتی
- ۴) برای کشف جرائم موجب مجازات قطع عضو

۱۱۲- پیشنهاد انتصاب، جابه جایی و تغییر شغل دادستان عمومی از وظایف کدام مقام است و منوط به موافقت کدام مقام است؟

- ۱) رئیس قوه قضائیه - منوط به موافقت رئیس کل دادگستری استان
- ۲) رئیس کل دادگستری استان - منوط به موافقت دادستان کل کشور
- ۳) منوط به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس کل دادگستری استان و موافقت نهایی رئیس قوه قضائیه
- ۴) دادستان کل کشور - منوط به موافقت رئیس قوه قضائیه

۱۱۳- در کدام یک از مراجع زیر سیستم وحدت قاضی برقرار نیست؟

- ۱) دادگاه کیفری ۲
- ۲) دادگاه نظامی ۲
- ۳) دادگاه بخش
- ۴) دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرایم موجب مجازات سلب حیات یا حبس ابد

۱۱۴- هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید:

- ۱) رسیدگی از صلاحیت دادگاه اطفال خارج می شود.
- ۲) رسیدگی به اتهام وی در دادگاه اطفال ادامه می یابد.
- ۳) رسیدگی متوقف می شود و در دادگاه صالح رسیدگی مجدد انجام می شود.
- ۴) موجب متوقف شدن رسیدگی می شود.

۱۱۵- رسیدگی به جرایم نمایندگان مجلس شورای اسلامی و بخشداران به ترتیب در کدام دادگاه به عمل می آید؟

- ۱) دادگاه کیفری ۱ تهران - دادگاه کیفری تهران
- ۲) دادگاه کیفری ۲ تهران - دادگاه کیفری ۲ استان محل وقوع جرم
- ۳) دادگاه های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم - دادگاه های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم
- ۴) دادگاه های کیفری تهران - دادگاه های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم

۱۱۶- چنانچه شخصی که در حال حاضر رییس دانشگاه یکی از شهرستان های استان خراسان رضوی است، به اتهام ارتکاب جرمی در شهر ری که پیش از تصدی این منصب مرتکب شده است، تحت تعقیب قرار گیرد، رسیدگی به جرم او و شریکش، در صلاحیت کدام دادگاه است؟

- ۱) هر دو جرم در دادگاه کیفری شهر ری
- ۲) هر دو مورد در دادگاه کیفری مشهد
- ۳) هر دو در دادگاه کیفری تهران
- ۴) جرم رئیس دانشگاه، در دادگاه کیفری مشهد و جرم شریک، در دادگاه کیفری تهران

۱۱۷- حضور دادستان در جلسات رسیدگی دادگاه انقلاب

- ۱) در کلیه مواد ضروری است.
- ۲) در کلیه موارد اختیاری است مگر دادگاه حضور وی را الزامی بداند.
- ۳) در رسیدگی به جرم مستوجب بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ ق.ا.د.ک ضروری است.
- ۴) در کلیه موارد ضروری است مگر برخی موارد که دادگاه حضور را الزامی نمی داند.

۱۴۸- در فرض مطرح شدن پرونده در جلسه مقدماتی دادگاه کیفری یک، هرگاه این دادگاه، تحقیقات را ناقص تشخیص دهد.....

- ۱) قرار رفع نقص صادر و پرونده را نزد دادرسی صادر کننده کیفرخواست ارسال یا خود تحقیقات را تکمیل می کند.
- ۲) قرار رفع نقص صادر و پرونده را نزد دادرسی صادر کننده کیفرخواست می فرستد.
- ۳) قرار تکمیل آن را صادر و پرونده را نزد دادرسی صادر کننده کیفرخواست می فرستد.
- ۴) قرار تکمیل را صادر و پرونده را نزد دادرسی صادر کننده کیفرخواست ارسال یا خود تحقیقات را تکمیل می کند.

۱۴۹- آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان

- ۱) به شاکی، متهم، محکوم علیه و وکیل ایشان ابلاغ می شود.
- ۲) به شاکی، متهم، محکوم علیه و سازمان مردم نهاد در صورت اعلام جرم و وکلا طرفین ابلاغ می شود.
- ۳) به شاکی، متهم، محکوم علیه ولی یا سرپرست قانونی متهم و محکوم علیه و وکلا طرفین ابلاغ می شود.
- ۴) به شاکی، متهم، و ولی یا سرپرست قانون طرفین ابلاغ می شود.

۱۵۰- در کدام یک از موارد زیر محاکمات دادگاه غیرعلنی است:

- ۱) در جرایم قابل گذشت
- ۲) امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است پس از اظهار عقیده دادستان
- ۳) جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور پس از اظهار عقیده دادستان
- ۴) هر سه گزینه

۱۵۱- اگر اخلاص کننده در نظم دادگاه از وکلای دادگستری باشد، دادگاه به وی در خصوص رعایت نظم دادگاه تذکر میدهد، در صورت عدم تأثیر:

- ۱) به دادرسی انتظامی وکلا معرفی می کند، چنانچه اعمال ارتكابی واجد وصف کیفری باشد، مانع از اعمال مجازات قانونی نیست.
- ۲) دستور یک تا پنج روز حبس صادر و پس از ختم دادرسی درباره او به مورد اجرا در می آید.
- ۳) دستور یک تا پنج روز حبس صادر و به دادرسی انتظامی وکلا برای تعقیب انتظامی معرفی می کند.
- ۴) وی را اخراج و به دادرسی انتظامی وکلا معرفی و چنانچه عمل ارتكابی واجد وصف کیفری باشد مانع از اعمال مجازات قانونی نیست.

۱۵۲- وکلای دارای تابعیت خارجی در چه صورتی می توانند برای دفاع در دادگاه نظامی حاضر شوند:

- ۱) در هیچ صورتی نمی توانند.
- ۲) در صورت تایید رییس سازمان نیروهای مسلح
- ۳) در صورت تایید رییس قوه قضاییه که قابل تفویض به رییس سازمان قضائی نیروهای مسلح است.
- ۴) تنها در صورتی که در تعهدات بین المللی به این موضوع تصریح شده باشد.

۱۸۱- محکوم علیه ، ۲۰ سال بعد از قطعیت حکم ادله ای دال بر بی گناهی خود به دست می آورد. تقاضای اعاده دادرسی را به دیوان عالی کشور تقدیم نموده که شعبه رسیدگی کننده اعتراض نامبرده را وارد می داند. در این فرض

- ۱) بدلیل رعایت نشدن مهلت قانونی طرح اعتراض ، قرار رد درخواست صادر می شود.
- ۲) شعبه دیوان عالی کشور رای صادره را نقض و پرونده را به شعبه همعرض دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارجاع می دهد.
- ۳) شعبه دیوان عالی کشور با پذیرش و تجویز درخواست نامبرده، موضوع را به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارجاع می دهد.
- ۴) شعبه دیوان عالی کشور با پذیرش و تجویز درخواست نامبرده، موضوع را به شعبه همعرض دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارجاع می دهد.

۱۸۲- در مقام رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی توسط محکوم علیه در خصوص اتهام زنای به عنف

- ۱) شعبه دیوان مکلف است به صرف درخواست، قرار توقف اجرای حکم را صادر کند.
- ۲) اگر شعبه دیوان درخواست اعاده دادرسی را تجویز نمود، رسیدگی را به شعبه همعرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارجاع داده و این دادگاه مکلف به صدور دستور توقف جریان اجرای حکم است.
- ۳) اگر نظر شعبه دیوان دایر بر رد درخواست نباشد، نسبت به توقف جریان اجرای حکم ، دستور صادر می شود..
- ۴) تقاضای اعاده دادرسی مطلقا موجب توقف جریان اجرای مجازات نمی شود.

۱۸۳- هر گاه رئیس قوه قضاییه رأی قطعی را خلاف شرع بین تشخیص دهد:

- ۱) پرونده برای تجویز اعاده دادرسی به یکی از شعب دیوان عالی کشور فرستاده می شود.
- ۲) پرونده با تجویز اعاده دادرسی به شعب خاصی از دیوان عالی کشور که قبلا برای این امر اختصاص داده شده فرستاده می شود.
- ۳) این امر به منزله تجویز اعاده دادرسی بوده و پرونده به شعبه هم عرض دادگاه صادر کننده حکم قطعی فرستاده می شود.
- ۴) پرونده برای تجویز اعاده دادرسی به شعب خاصی از دیوان عالی کشور که قبلا برای این امر اختصاص داده شده فرستاده می شود.

۱۸۴- در صورتی که تقاضای اعاده دادرسی کیفری در جرایم سالب حیات و مجازات های بدنی به شعبه دیوان عالی کشور واصل گردد

- ۱) شعبه دیوان به صرف وصول تقاضا و قبل از تصمیم گیری نسبت به اصل تقاضا دستور توقف اجرای حکم را می دهد.
- ۲) شعبه دیوان با وصول تقاضا و ضمن تصمیم گیری نسبت به اصل تقاضا دستور توقف اجرای حکم را بدهد.
- ۳) شعبه دیوان با وصول تقاضا و ضمن تصمیم گیری نسبت به اصل تقاضا در صورتی که تقاضا را وارد بداند دستور توقف اجرای حکم را می دهد.
- ۴) شعبه دیوان به صرف وصول تقاضا و قبل از تصمیم گیری نسبت به اصل تقاضا چنانچه نظر اعضای شعبه در بررسی اولیه تقاضا بر رد درخواست نباشد دستور توقف اجرای حکم را می دهد.

۱۸۵- کدام گزینه در خصوص آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح است؟

- ۱) این آراء قطعی و غیر قابل تغییر هستند.
- ۲) این آراء قطعی هستند و فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخری که مطابق قانون صادر می شود ، قابل تغییر می باشند.
- ۳) این آراء قطعی هستند و فقط به موجب قانون قابل تغییر هستند.
- ۴) این آراء قطعی هستند و فقط به موجب رأی وحدت رویه مؤخری که مطابق قانون صادر می شود ، قابل تغییر می باشند.

۱۸۶- رأی وحدت رویه ای که هیأت عمومی دیوان عالی کشور صادر کرده است

- ۱) به دستور دادستان کل کشور بلا اثر می شود.
- ۲) به دستور رئیس قوه قضائیه بلا اثر می شود.
- ۳) طبق قانون یا رأی وحدت رویه مؤخر دیگری بلا اثر می شود.
- ۴) دیگر بلا اثر نمی شود.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

پاسخنامه حقوق مدنی

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر سید محمد باقر حسینی

- ۱- گزینه ۱ صحیح است.
- ۲- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ماده ۱۸ ق.م و حواشی این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.
- ۳- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ماده ۳۷ ق.م و حاشیه ۱ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.
- ۴- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به حاشیه ۳ از ماده ۲۵ ق.م حواشی ۵ و ۷ از ماده ۳۵ ق.م و حاشیه ۱ از ماده ۱۳۲۴ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان و نیز بندهای ۲۰۷ تا ۲۱۱ از کتاب اموال و مالکیت نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.
- ۵- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۳۳ ق.م و حواشی ۱ و ۲ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان. رضا در برابر مسعود ضامن نیست زیرا وی عمل غصب یا در حکم غصب انجام نداده تا یدش ضمانی باشد و این سعید است که نسبت به رضا و مسعود ضامن است.
- ۶- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک ماده ۵۶ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی و ماده ۶۳ قانون اجرای احکام مدنی و نیز ر.ک به حاشیه ۱۰ از ماده ۳۵ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.
- ۷- گزینه ۴ صحیح است.
- ۸- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به مواد ۴۶ (و حواشی ۱ و ۲ آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان) و ۴۵ و ۸۵۰ ق.م و حاشیه ۴ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان
- ۹- گزینه ۲ صحیح است. با استناد به ماده ۵۳ ق.م از آنجا که سعید، خود ملتزم به قرارداد واگذاری حق انتفاع است و میترا قائم مقام سعید است و اینکه بر اساس ماده ۲۱۹ ق.م قائم مقام، موظف به رعایت آثار قرارداد موجد حق انتفاع است لذا میترا نمی تواند از منافی که حق استفاده آن برای پارمیدا است بهره برداری نماید و باید حق پارمیدا را نسبت به استفاده از منافع مراعات نماید و در صورتی می تواند از منافع بهره برداری کند که عقد موجد حق انتفاع، فسخ شود.
- ۱۰- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۵۱ ق.م و حاشیه ۱ ماده ۵۳ ق.م و ماده ۴۴ و حواشی آن و ماده ۵۲ ق.م. توجه شود که تعدی یا تفریط منتفع، ید او را ضمانی می نماید اما موجب زوال حق انتفاع نمی شود.
- ۱۱- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به حاشیه ۲ از ماده ۴۷ و حاشیه ۱ از ماده ۸۰۲ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان
- ۱۲- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۵۶ ق.م و حواشی ۶ و ۷ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان و نیز ماده ۸۲۸ ق.م و حاشیه ۲ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.
- ۱۳- گزینه ۲ صحیح است. وصیت بر نامحصور ایقاع است. ر.ک به مواد ۵۶ و ۸۲۸ ق.م.
- ۱۴- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به مواد ۴۹۹، ۳۴۹، ۸۸، ۸۹، ۸۳ و ۸۶ ق.م و ماده ۶ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳. به لحاظ اهمیت، حواشی ماده ۸۲ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان ملاحظه گردد.
- ۱۵- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۷۲ ق.م و حواشی ۳ و ۴ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان. شرط عوض در عقود رایگان اصولاً صحیح است بجز وقف که شرطی باطل است. این شرط اگر به موقوفه سرایت کند مانند آنچه در ماده ۷۲ ق.م آمده علاوه بر باطل بودن، مبطل نیز است. البته شرط صرف بخشی از منافع وقف برای اداری دیون واقف یا تأمین معیشت او موجب بطلان همین بخش از وقف می شود.
- ۱۶- گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به مواد ۷۹ ق.م و ۷ قانون اوقاف.
- ۱۷- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به مواد ۵۶ و ۶۲ ق.م (و حاشیه ۱ ماده ۶۲ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان) و ماده ۱ و تبصره ۱ ماده ۴ و ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳. مواد ۷۹ و ۸۱ ق.م نیز ملاحظه گردد.
- ۱۸- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به مواد ۴۹۹، ۳۴۹، ۸۸، ۸۹، ۸۳، ۸۶ ق.م و ۶ قانون اوقاف. حواشی ماده ۸۳ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان مطالعه شود.
- ۱۹- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۸۳ ق.م. همچنین ر.ک به حاشیه ۱ ماده ۸۲ و حاشیه ۴ ماده ۸۳ و حاشیه ۳ ماده ۸۳ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.
- ۲۰- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به مواد ۷۱ ق.م و ۸ قانون اوقاف، مواد ۸۹، ۷۴، ۷۲ ق.م و ماده ۷۶ ق.م و حاشیه آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.
- ۲۱- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۷۲ ق.م و حاشیه ۲ ماده ۷۳ ق.م و حاشیه ۳ و ۴ ماده ۷۱ ق.م و حاشیه ۳ ماده ۷۲ ق.م.

تاثیر است. در فرض سوال به طور ضمنی و بنایی، وصف طلا بودن وارد قلمرو قصد مشترک طرفین شده است و لذا اشتباه موثر قلمداد شده و موجب بطلان می شود.

۶۳- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به بند ۹۶ کتاب اعمال حقوقی «قرارداد- ایقاع» نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان و مواد ۱۹۹ و ۲۰۱ ق.م. توجه کنیم که هرچند در این مساله از اکراه سخن به میان آمده و قرارداد اکراهی اصولاً غیر نافذ است اما به دلیل وجود اشتباه در شخص طرف معامله در عقد هبه که شخصیت طرف، علت عمده عقد است می توان گفت عقد هبه با استناد به ماده ۲۰۱ ق.م باطل است. در این مسأله، علی دچار اشتباه در قانون (اشتباه ناشی از جهل به قانون) شده است. اگر چنین اشتباهی منجر به اشتباه در شخصیت طرف معامله یا خود موضوع معامله شود موجب بطلان عقد می گردد. در اینجا هم اشتباه در قانون (تصور اینکه فرزند خوانده فرزند است) موجب اشتباه در شخص طرف معامله آنجا که شخصیت او علت عمده عقد است شده و عقد باطل می شود و بحث غیر نافذ بودن عقد اکراهی اساساً مطرح نمی شود.

۶۴- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به مواد ۲۰۲ و ۲۰۴ (و حاشیه آن) ق.م.

۶۵- گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ص ۱۰۶ از کتاب «قواعد عمومی قراردادها» نوشته دکتر سید حسین صفایی. در عقود رایگان اصولاً شخصیت طرف معامله علت عمده عقد است و در عقد معوض مانند بیع اصولاً شخصیت طرف معامله علت نیست اما ممکن است گاهی تصور شخصیت طرف معامله، علت اصلی عقد باشد. مانند قرارداد ایجاد کننده شرکت های شخصی از قبیل شرکت تضامنی یا شرکت نسبی یا در بسیاری از قراردادهای اجاره و معمولاً در وام و بیع نسبی. در این گونه قراردادها اشتباه در شخص طرف، موثر واقع شده و عقد به استناد ماده ۲۰۱ ق.م باطل می گردد.

۶۶- گزینه ۳ صحیح است. با استناد به ماده ۱۷۹ قانون دریایی که مقرر می دارد: «هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیرعادلانه باشد، ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین به وسیله دادگاه باطل یا تغییر داده شود...».

۶۷- گزینه ۱ صحیح است. اختیار رد یا اجازه معامله اکراهی به تبعیت از مال به ورثه می رسد نه به عنوان حق مالی مستقل. بنابراین فقط وراثتی حق تنفیذ یا رد دارند که از مال مورد معامله اکراهی ارث می برند برای مثال اگر مکره تحت تأثیر تهدید به قتل، زمین را فروخته باشد و قبل از تنفیذ یا رد فوت کند زوجه او به دلیل آنکه از عین زمین ارث نمی برد اختیار تنفیذ یا رد ندارد. تنفیذ یا رد هر یک از وارثان متناسب با سهم الارث او از مال مورد معامله اکراهی می باشد. در نتیجه هر یک از آنها می توانند متناسب با سهم الارث خود از مال، معامله را تنفیذ یا رد کنند. اگر وارثان متوفی (فاتنه) دو فرزند دختر (ریحانه و سمانه) باشند و یکی از آنها (ریحانه) معامله اکراهی را تنفیذ و دیگری (سمانه) آن را رد کند عقد به دو جزء نافذ و باطل تقسیم می شود در معاملات فضولی عهدی نیز بعد از فوت شخصی که اختیار تنفیذ یا رد معامله دارد، اختیار تنفیذ یا رد به وارثان متوفی انتقال می یابد. ر.ک به حاشیه ۴ ماده ۲۰۹ ق.م و حواشی ۱ و ۲ و ماده ۲۵۳ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.

۶۸- گزینه ۴ صحیح است. معامله مذکور در گزینه ۱، معامله ای اضطراری و براساس ماده ۲۰۶ ق.م صحیح و معتبر است. معامله مذکور در گزینه ۲، مستند به ماده ۲۰۳ ق.م اکراهی و غیرنافذ است هرچند نهایتاً مکره یکی از دو عمل حقوقی را انتخاب می کند اما این انتخاب تحت تأثیر تهدید بوده و رضای معیوبی است که موجب عدم نفوذ معامله می گردد (ماده ۱۹۹ ق.م). معامله مذکور در گزینه ۳ نیز اکراهی و غیرنافذ است (مواد ۱۹۹ و ۲۰۳ ق.م). زیرا هرچند وسیله تهدید مشروع است اما هدف مشروعیت ندارد و برای اکراهی و غیرنافذ شدن عقد، هر یک از وسیله یا هدف که نامشروع باشد کافی است. ر.ک به بند ۱۰۲ کتاب دوره مقدماتی حقوق مدنی «اعمال حقوقی، قرارداد- ایقاع» نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.

۶۹- گزینه ۱ صحیح است. زیرا این قرارداد هرچند که تحت تأثیر اکراه منعقد شده اما به دلیل اشتباه در وجود علت تعهد باطل است. و وقتی عقد به دلیل باطل بود دیگر بحث از غیر نافذ بودن آن، اساساً مطرح نمی شود. در عقود معوض، تعهد یک طرف، علت تعهد طرف مقابل او است. اشتباه در وجود علت تعهد آنجاست که یک طرف به تصور وجود تعهد طرف مقابل، تعهدی را می پذیرد در حالی که اساساً تعهد طرف مقابل وجود ندارد. در اینجا رضا با تصور وجود تعهد شرکت بیمه نسبت به بیمه کردن خانه نسبت به خطر آتش سوزی، مبادرت به انعقاد قرارداد و متعهد شدن به پرداخت وجه بیمه نموده است در حالی که به دلیل بیمه بودن خانه، اساساً تعهدی برای شرکت بیمه نسبت به بیمه کردن خانه در برابر آتش سوزی وجود نداشته و لذا اشتباه در علت و مبنای تعهد رخ داده است. در این حالت، عقد باطل می شود.

۷۰- گزینه ۱ صحیح است. اشتباه در صورتی موثر است که جامع دو شرط باشد: ۱- ثابت شود که اگر مشتبه از حقیقت آگاه بود از تراضی خودداری می کرد و به تعبیر دیگر اشتباه در علت عمده عقد باشد؛ ۲- اشتباه باید به حکم قانون یا تراضی، در قلمرو قصد مشترک قرار گیرد نه انگیزه های درونی یک طرف باشد. اشتباه در گزینه ۱، از جمله اشتباهاتی است که تأثیری ندارد اما اشتباه در گزینه ۲ موجب حق فسخ و اشتباه در گزینه های ۳ و ۴ موجب بطلان معامله می شود. ر.ک به بندهای شماره ۹۰ تا ۹۸ کتاب «اعمال حقوقی، قرارداد- ایقاع» نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان و صفحات ۸۷ تا ۱۰۴ کتاب قواعد عمومی قراردادها نوشته دکتر سیدحسین صفایی.

۷۱- گزینه ۴ صحیح است.

۷۲- گزینه ۱ صحیح است. برای تحقق اکراه، شرایطی لازم است که در قانون مدنی و کتب حقوق دانان بیان شده است. اما یکی از آن شرایط این است که اکراه بایستی نامشروع و به ناحق باشد و برای نامشروع و به ناحق بودن اکراه، لازم است که هدف مکره یا وسیله رسیدن به آن هدف یکی از این دو مورد نامشروع باشد. و در صورتی که هم هدف و هم وسیله هر دو مشروع باشند، اکراه رخ نمی دهد. در فرض سوال، هدف سارا (فروش یکی از آپارتمان های

تبدیل تعهد هم باطل است. از آنجا که مشروط له در زمان معامله عالم به نامقدور بودن شرط و بطلان آن نبوده اند لذا مشروط له حق فسخ معامله فروش مزرعه را دارد.

۱۱۶- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به حواشی ۲ و ۳ از ماده ۲۳۲ ق.م. و مواد ۲۳۷ تا ۲۳۹ ق.م در خصوص ضمانت اجرای شرط فعل بعنوان اصل که البته استثنائاتی دارد.

۱۱۷- گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۴۶ ق.م. در اثر فسخ یا اقاله عقد اصلی ذمه شخص ثالث مجدداً مشغول نمی شود و به طور کلی شرطی که به نفع ثالث شده حتی اگر اجرا هم نشده باشد از بین نمی رود بلکه مشروط علیه موظف به اجرای شرط می ماند و عوض آن را از مشروط له می گیرد و اگر شرط هم اجرا شده باشد عوض و معادل آن را از مشروط له می گیرد.

۱۱۸- گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۴۲ ق.م.

۱۱۹- گزینه ۲ صحیح است. در اثر قرارداد مذکور در فرض سوال، آنچه محمد به حسین ارائه می نماید عبارت است از یک اتومبیل صفر کیلومتر و در ازای آن، ارزشی که اخذ می کند عبارت است از ثمن معامله به علاوه شرط فعل نقاشی رایگان آپارتمان توسط حسین (مشروط علیه). پس از فسخ قرارداد بنا بر ماده ۲۴۶ ق.م عوضین و ارزش های اخذ شده باید به طرف مقابل مسترد شود. از این رو حسین اتومبیل را باید مسترد نماید و چون اتومبیل تلف شده، می بایست قیمت آن را به محمد تسلیم کند اما از طرف دیگر محمد که ثمنی اخذ نموده تا آن را مسترد کند ولی شرط فعلی که به نفع او بود هرچند که اجرا نشده اما چون واجد ارزش مالی است این ارزش باید به حسین عودت داده شود و معادل این ارزش، اجرت العمل نقاشی است که حق حسین است.

۱۲۰- گزینه ۴ صحیح است. بر اساس مبنای ماده ۲۴۶ ق.م پس از فسخ عقد، طرفین باید ارزش مالی را که بر اثر قرارداد به دست آورده اند مسترد دارند. و چون در این قرارداد منافع یک سال آپارتمان خریدار در قالب شرط نتیجه متعلق به فروشنده شده است، پس با فسخ عقد شرط منتفی شده و فروشنده لازم است که اجرت المثل منافع مربوط به زمان قبل از فسخ را به خریدار بپردازد. تا بدین وسیله ارزش مالی ناشی از شرط نتیجه را عودت دهد. البته عوضین هم از هر کدام از دو طرف به طرف مقابل مسترد خواهد شد.

۱۲۱- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به مواد ۲۴۰ و ۳۷۹ ق.م در صورت شرط معرفتی ضامن و امتناع از آن، برای مشروط حق فسخ پدید می آید. و در صورت شرط دادن رهن و امتناع از آن، اگر مال معین باید رهن داده شود در صورت امتناع، مشروط علیه، اجبار به وفای به شرط شده و در غیر این صورت نماینده دادگاه سند رهن را امضا خواهد نمود. اما اگر رهن مال کلی شرط شده باشد امتناع از انجام شرط به مشروط له حق فسخ می دهد.

۱۲۲- گزینه ۱ صحیح است. با استناد به ماده ۲۴۶ ق.م.

۱۲۳- گزینه ۱ صحیح است.

۱۲۴- گزینه ۱ صحیح است. با استناد به ماده ۲۴۰ ق.م. اگر شرط، در حین عقد، مقدور بوده و بعد از عقد انجامش ممتنع شود (مانند فرض سوال) در این صورت از لحظه امتناع شرط، شرط منحل شده و مشروط له اختیار فسخ معامله را دارد مگر اینکه امتناع مستند به فعل مشروط له باشد. البته اگر شرط از ابتدا ممتنع باشد شرط باطل است و مشروط له در حالت جهل به ممتنع بودن شرط اختیار فسخ معامله را با استناد به ماده ۲۴۰ ق.م دارد. همچنین ماده ۲۳۴ ق.م ملاحظه گردد.

۱۲۵- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به مواد ۲۵۹ ق.م (اطلاق لفظ منافع که دربرگیرنده منافع مستوفات و غیر مستوفات است) و ۲۶۰ و ۲۶۱ ق.م.

۱۲۶- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۵۳ ق.م.

۱۲۷- گزینه ۲ صحیح است. در خصوص این سوال باید دقت کرد که هرگاه مالک بدون اطلاع از وجود معامله فضولی عین مال را به شخص دیگری رهن دهد، در این صورت حق تنفیذ یا رد به منتقل الیه (مرتهن) منتقل نمی گردد. زیرا برخلاف بیع یا سایر عقود ناقل مالکیت عین، در عقد رهن عین مال به مرتهن انتقال پیدا نمی کند که حق تنفیذ یا رد نیز به وی منتقل شود. بنابراین حق تنفیذ یا رد برای مالک همچنان وجود دارد. اما نباید تصور کرد که در صورت تنفیذ مالک معامله فضولی صحیح خواهد شد. زیرا این معامله به سبب دیگری نیز غیرنافذ است و آن اینکه پس از تنفیذ مالک به عنوان مالک عین، باید توسط مرتهن نیز به عنوان دارنده حق عینی تبعی نیز تنفیذ گردد. زیرا چنانچه می دانیم فروش مال مرهونه بدون اجازه مرتهن غیر نافذ و منوط به تنفیذ اوست. با این توضیحات روشن می شود که به صرف تنفیذ معامله توسط مالک معامله فضولی صحیح نمی شود.

۱۲۸- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به مواد ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۵ و ۲۵۸ ق.م.

۱۲۹- گزینه ۴ صحیح است. هرگاه مالک با اطلاع از معامله فضولی یکی از حقوقی را که از معامله صحیح جاری می شود را به اجرا بگذارد، در این صورت می توان گفت مقدماً معامله فضولی را تنفیذ کرده است. البته باید دانست با توجه به اینکه این نوع تنفیذ از اعمال مالک کشف می شود باید آن را تنفیذ ضمنی دانست. تنفیذ صریح زمانی تحقق می یابد که مالک صراحتاً و با استفاده از لفظ نسبت به تنفیذ معامله فضولی اقدام نماید.

۱۳۰- گزینه ۱ صحیح است. در مورد این مساله باید دقت کرد با وجود آنکه برابر با ماده ۲۵۷ قانون مدنی هرگاه معاملات متعددی بر روی مال صورت بگیرد و مالک هر کدام را که تنفیذ نماید معاملات بعدی صحیح و معاملات قبلی باطل است. اما باید دقت کرد این امر زمانی قابل تحقق است که معاملات متعدد بر روی مبیع و مال متعلق به مالک صورت گرفته باشد. در این مثال، معاملات متعدد بر روی ثمن هایی صورت گرفته است که از معامله اولی حاصل

- ۱۹۱- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به حواشی ۷ و ۸ از ماده ۲۹۲ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.
- ۱۹۲- گزینه ۴ صحیح است. زیرا شرط اصلی تهاوت در ماده ۲۹۴ ق.م محقق نشده است.
- ۱۹۳- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به حواشی ۴ و ۶ از ماده ۲۹۴ و حواشی ۳ و ۶ از ماده ۲۹۶ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان و نیز ر.ک به صفحات ۲۸۳ و ۲۸۴ از کتاب قواعد عمومی قراردادها نوشته دکتر سید حسین صفایی.
- ۱۹۴- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۹۶ ق.م و حاشیه ۶ ماده ۲۹۴ ق.م و حاشیه ۵ ماده ۲۹۵ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان و نیز ماده ۴۴ قانون کار: «چنانچه کارگر به کارفرمای خود مدیون باشد در قبال این دیون وی، تنها می توان مازاد بر حداقل مزد را به موجب حکم دادگاه برداشت نمود. در هر حال این مبلغ نباید از یک چهارم کل مزد کارگر بیشتر باشد.» و بند پ از ماده ۲ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور دولت موظف است: «در صورت درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی، مطالبات خود از آنان را با بدهی شرکت های دولتی به آنها، تهاوت کند. شرکت دولتی که به این ترتیب جایگزین بدهکار می شود، موظف است مبلغ بدهی تسویه شده را به حساب درآمد عمومی نزد خزانه داری کل کشور واریز کند.»
- دیون تهاوت ناپذیر عبارتند از: ۱- دیون مربوط به نفقه اقارب یا نفقه ی زوجه ۲- اگر یکی از دو دین توقیف و بازداشت شده باشد. ۳- اصولاً دین دولت با اشخاص با طلب دولت از اشخاص، استثنای آن بند پ ماده ۲ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور ۴- مزد کارگر با طلب کارفرما بیشتر از کیفیتی که در ماده ۴۴ قانون کار بیان شده است.
- ۱۹۵- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به حاشیه ۳ ماده ۳۰۰ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.
- ۱۹۶- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به مواد ۳۰۰ و ۸۶۸ ق.م. به عبارت دیگر، زمانی که مورث خود به دیگران مدیون است مالکیت ما فی الذمه رخ نمی دهد.
- ۱۹۷- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ملاک ماده ۵۲۶ ق.م.ا.
- ۱۹۸- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۳۱۲ ق.م.
- ۱۹۹- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به ماده ۵۲۶ ق. مجازات اسلامی
- ۲۰۰- گزینه ۱ صحیح است. نکته: در حقوق ایران عدم النفع احتمالی بر خلاف عدم النفع مسلم قابل مطالبه نیست.
- ۲۰۱- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به بند ۸۶ از کتاب مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد) نوشته دکتر سید حسین صفایی و دکتر حبیب اله رحیمی
- ۲۰۲- گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به بند شماره ۱۰۸ در کتاب مسئولیت مدنی نوشته دکتر سید حسین صفایی و دکتر حبیب اله رحیمی. در فرض مسأله از باب استفاده بلاجهت (به معنی عام) یا قاعده اکل مال باطل است که فردی که ضرر از او دفع شده باید خسارت عامل را تا حدی که استفاده کرده است جبران کند. حالتیهای مختلف اضطرار در بند ۱۰۸ از کتاب مسئولیت مدنی بیان شده و به دلیل اهمیت آن، توصیه می شود که مطالعه بفرمایید.
- ۲۰۳- گزینه ۲ صحیح است.
- ۲۰۴- گزینه ۳ صحیح است.
- ۲۰۵- گزینه ۴ صحیح است. نکته: اگر مدیر گرفتن اجازه مالک را در برابر ثالث تعهد کرده باشد باید خسارت بدهد و اگر اجرای مفاد قرارداد را تضمین کرده باشد مسئولیت اجرای مفاد قرارداد با اوست.
- ۲۰۶- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به مفهوم مخالف تبصره ماده ۳۳۶ ق.م.
- ۲۰۷- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۳۰۶ ق.م و حواشی ۶ و ۱۹ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان همچنین رجوع کنید به کتاب وقایع حقوقی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان، مبحث اداره فضولی مال غیر.
- ۲۰۸- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به حاشیه ۶ از ماده ۳۰۶ ق.م و ماده ۵۸۸ ق.م و حاشیه ۲ آن در کتاب قانون مدنی نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان و نیز ماده ۵۷۵ ق.م و ملاک ماده ۱۱۳ ق.م.
- ۲۰۹- گزینه ۳ صحیح است. نکته: اداره فضولی مال غیر در شمار اعمال حقوقی نیست تا اشتباه در شخص طرف اگر علت عمده باشد در نفوذ آن اثر کند به همین جهت لزومی ندارد که مدیر فضولی مالک را بشناسد و بداند به سود چه کسی اقدام می کند. گزینه ج به این دلیل اداره فضولی مال غیر نیست که قصد احسان در آن وجود ندارد.
- ۲۱۰- گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به حواشی ۱ و ۹ از ماده ۳۰۶ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان و مواد ۳۰۳ و ۳۰۵ و ۳۶۶ ق.م.
- ۲۱۱- گزینه ۲ صحیح است. زیرا گزینه های ۱ و ۳ و ۴ بیانگر شرایط ضرر قابل جبران بوده و قابلیت پیش بینی مقدار ضرر، از جمله این شرایط نیست. ر.ک به صص ۱۰۱ تا ۱۱۷ از کتاب مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد) نوشته دکتر سید حسین صفایی و دکتر حبیب اله رحیمی.
- ۲۱۲- گزینه ۱ صحیح است. نکته: در حقوق کنونی با پذیرش معیار نوعی تقصیر مجنون نیز می تواند مسئولیت مدنی داشته باشد. هم چنین اضطرار در مسئولیت هایی که مبتنی بر تقصیر هستند علل موجهه محسوب می شود.

ایرادی ندارد. اما مفاد ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک و نیز ماده ۴۸ آن که دلالت بر بی اعتبار دانستن اسناد عادی غیررسمی دارد اطلاق آن در مورد سند عادی که قرائن و ادله قانونی یا شرعی معتبر بر صحت مفاد آن ها باشد خلاف شرع و باطل است و اما در مورد سند عادی همراه با قرائن و ادله فوق مانند سندی که بینه و شهادت شهود معتبر بر صحت آن باشد این اسناد معتبر است و دو ماده مزبور در چنین مواردی تخصیص خورده است و مواد ۱۲۸۵ و ۱۲۹۱ قانون مدنی اشاره به این گونه اسناد عادی دارد.» (محمدرضا علیزاده قائم مقام دبیر شورای نگهبان)

۲۷۶- گزینه ۱ صحیح است. با استناد به مواد ۳۶۵ و ۳۶۶ ق.م و حاشیه ۱ ماده ۳۶۵ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان. احکام غصب برگیرنده مال به بیع فاسد مترتب می شود و قابض، نسبت به مقبوض به عقد فاسد ضامن عین و منافع مستوفات و غیرمستوفات آن است اعم از اینکه به رضای مالک آن را تصرف کرده یا نه و اعم از اینکه عالم یا جاهل به فساد عقد باشد.

۲۷۷- گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۳۷۷ ق.م و حواشی آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.

۲۷۸- گزینه ۱ صحیح است. حق حبس نتیجه اصلی همبستگی و تقابل عوضین اصلی در عقود معوض است از این رو اولاً در مورد تعهدات اصلی جریان می یابد نه تکالیف ناشی از انحلال عقد؛ ثانیاً در عقود رایگان حتی رایگان با شرط عوض هم راه ندارد ثالثاً بعد از انحلال عقد به اقاله یا فسخ یا انفساخ دیگر امکان اعمال حق حبس منتفی است چون تقابل و همبستگی عوضین که جوهره ایجاد کننده حق حبس است در این حالات وجود ندارد.

از سوی دیگر بنا به ماده ۳۷۷ ق.م حق حبس در خصوص عوضین حال قابل مطالبه و منجز جریان می یابد. البته مرحوم دکتر کاتوزیان این حق را در مورد عوضین موجد با اجل مساوی نیز قابل جریان می دانند (حاشیه ۳ ماده ۳۷۷ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان).

۲۷۹- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به بند ۱ ماده ۳۶۲ ق.م و مواد ۳۷۸ و ۳۸۷ ق.م. ید بایع و ید خریدار در دوران اعمال حق حبس ید امانی است و تلف مورد معامله در این دوران موجب انفساخ معامله می شود.

۲۸۰- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به مواد ۳۳ و ۳۱۴ و ۳۱۷ ق.م. در فرض مسأله ۳۰۰ کیلوئمره درختان، متعلق به حسین (صاحب اصله) است (به استناد ماده ۳۳ ق.م) و از سوی دیگر غاصب هیچ حقی بر ثمره های ایجاد شده ندارد زیرا اصل (درخت سیب) متعلق به او نیست و در چنین حالتی ثمره ها هم به او نمی رسد. از سوی دیگر وقتی ایشان ۳۰۰ کیلو از ۶۰۰ کیلو را به صورت کلی در معین می فروشند تعیین مصداق مبیع یا به وسیله فروشنده یا نماینده او از جمله خریدار و یا به وسیله حادثه ای صورت می گیرد. در اینجا چون ۳۰۰ کیلو سیب از قبل متعلق به علی بوده و فقط ۳۰۰ کیلو سیب متعلق به فروشنده در انبار وجود دارد لذا همان مقدار که به عنوان مبیع بوده به خریدار (حسین) باید تسلیم شود و مصداق دیگری از اموال فروشنده (علی) وجود ندارد تا نیاز به تعیین مصداق از سوی او باشد لذا حسین می تواند تمام ۶۰۰ کیلو را بردارد.

۲۸۱- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۱۵ ق.م (و حاشیه ۱ آن) و ماده ۳۴۸ ق.م (و حاشیه ۱ آن)

۲۸۲- گزینه ۴ صحیح است. در بیع غیرنافذ از جمله بیع اکرایی یا فصولی، مقدورالتسلیم بودن مبیع در زمان تنفیذ عقد، شرط است نه در زمان انعقاد بیع. بنابراین وجود یا فقدان این صفت در مبیع به هنگام انشای بیع، تاثیری بر وضعیت حقوقی عقد ندارد. ر.ک به ماده ۳۷۱ ق.م.

۲۸۳- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به مواد ۳۵۳، ۳۵۴، ۴۵۶ ق.م. در این زمینه ماده ۲۰۰ ق.م نیز ملاحظه گردد. حکم ماده ۳۵۴ ق.م در صورتی قابل جریان است که عدم مطابقت مبیع با نمونه ناظر به وصف ذاتی و اساسی مبیع نباشد. زیرا عدم مطابقت مبیع از حیث وصف اساسی با نمونه مورد نظر، موجب وقوع اشتباه در وصف اساسی مورد معامله است که طبق مواد ۳۵۳ و ۲۰۰ ق.م سبب بطلان عقد است. از سوی دیگر حکم ماده ۳۵۴ ق.م در بیع مال کلی قابل اعمال نیست چرا که اگر در بیع مال کلی، مصداق مال تسلیم شده منطبق با نمونه نباشد مشتری نمی تواند عقد را فسخ کند و باید الزام فروشنده به تسلیم مصداق منطبق با نمونه را بخواهد.

۲۸۴- گزینه ۴ صحیح است. وقتی عقد باطل است شرط ضمن آن هم باطل است. همچنین با استناد به ماده ۳۴۸ ق.م.

۲۸۵- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به مواد ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۰ ق.م و حاشیه ۱ ماده ۳۶۹ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.

۲۸۶- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به مواد ۱۷ و ۱۸ قانون پیش فروش ساختمان

۲۸۷- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ماده ۹ قانون پیش فروش ساختمان.

۲۸۸- گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به مواد ۲ تا ۵ قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۲ و حاشیه ۴ از ماده ۶۹۱ ق.م و نیز ماده ۷۳۳ ق.م. قرارداد پیش فروش ساختمان، به استناد مواد ۲ تا ۵ قانون پیش فروش ساختمان، یک عقد تشریفاتی و نیازمند تنظیم سند رسمی است. لذا تا قبل از انجام تشریفات، هنوز عقدی واقع نشده است و از این رو تعهد و دینی بر ذمه حسین نیامده تا بتوان نسبت به آن ضمان یا حواله که عقد تبعی است منعقد نمود. در همین سوال، اگر قرارداد پیش فروش ساختمان منعقد شده بود امکان انعقاد ضمان یا حواله به استناد حاشیه ۴ از ماده ۶۹۱ ق.م وجود داشت.

۲۸۹- گزینه ۱ صحیح است. مطابق ماده ۱۸ قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹ لازم به ذکر است که انتهای ماده ۱۸ در خصوص انجام تعهدات است و نقل و انتقال حقوق پیش خرید از طبق قواعد عمومی تعیین تکلیف می شود و علی القاعده برای انتقال حق شخص نیاز به ابراز رضایت دیگری نیست و این انتقال صحیح است.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

پاسخنامه

آیین دادرسی مدنی

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر مجتبی نعمت الهی

۱- گزینه ۳ صحیح است. مقررات مربوط به آیین دادرسی مدنی عطف به ماسبق می شوند مگر مقررات مربوط به صلاحیت محلی و یا زمانی که قانون لاحق مغایر با حقوق مکتسبه اشخاص باشد.

۲- **گزینه ۱ صحیح است.** به استناد ماده ی ۷ قانون آ.د.م؛ باید در مرحله ی نخستین در خصوص دعوا و پرونده مربوطه حکم صادر شده باشد نه قرار. بنابراین در مرحله ی بالاتر امکان رسیدگی به ماهیت این پرونده وجود ندارد و اگر قرار دادگاه بدوی در مرحله ی تجدیدنظر نقض شود، رسیدگی ماهوی با دادگاه بدوی خواهد بود نه تجدیدنظر.

۳- **گزینه ۳ صحیح است.** به استناد ماده ۲ ق.ا.ح و تبصره ماده ۱۲۲ ق.د.ع.ا و ماده ۱ ق.آ.د.م

۴- **گزینه ۳ صحیح است.** به استناد ماده ی ۱۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛ دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات یا قراردادهای اقامه می شود تابع قوانینی است که در موقع انعقاد آنها مجری بوده و مطابق ماده ی ۱۹۶ قانون مزبور، دلایل وقایع حقوقی از قبیل اتلاف، ضمان قهری و نسب تابع قانونی است که در زمان طرح دعوا مجری می باشد. بنابراین نظر به اینکه در ما نحن فیه (صلح، ضمان عقدی و ایقاع طلاق) در زمره ی قراردادهای و ایقاعات بوده و اتلاف از موارد ضمان قهری محسوب می شود، گزینه ی «۳» پاسخ صحیح می باشد.

۵- **گزینه ۱ صحیح است.** مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، جز در مواردی خاص مانند ماده ۶۶۷ و ۶۹۲ ق.م.ا با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی می باشد. مطابق ماده ۱ ق.آ.د.م که مقرر می دارد: «آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می باشند به کار می رود.» بنابراین رسیدگی به امور حسبی، در تمام مواردی که در قانون امور حسبی به قانون آیین دادرسی مدنی ارجاع شده است برابر قانون آیین دادرسی مدنی انجام می شود و در سایر موارد ترتیبات خاص قانون امور حسبی لازم الرعایه است. به عبارت اصولی عام لاحق ناسخ خاص سابق نمی شود. رسیدگی به دعاوی بازرگانی نیز در صلاحیت دادگاه های عمومی و در شمول قانون آیین دادرسی مدنی قرار دارد (ایراد گزینه ۳).

۶- **گزینه ۴ صحیح است.** در حال حاضر برخی از امور حسبی مانند قیمومت، امور مربوط به محجورین و امور مربوط به غائب مفقودالاثر، سرپرستی کودکان بی سرپرست در دادگاه خانواده رسیدگی می شود و برخی از امور دیگر مثل صدور گواهی انحصار وراثت، تحریر ترکه، مهرموم ترکه و برداشتن مهرموم طبق بند «ت» ماده ی ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ در صلاحیت این شورا است و سایر دعاوی امور حسبی مانند؛ تقسیم و امور راجع به ترکه اتباع بیگانه و... در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی است.

۷- **گزینه ۱ صحیح است.** بر اساس ماده ۱۹ ق.آ.د.م، هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار متوقف می شود. در این مورد، خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی کننده تسلیم نماید، در غیراین صورت قرار رد دعوا صادر می شود و خواهان می تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامه دعوا نماید. بر اساس دیدگاه اساتید منظور از صلاحیت در این ماده «صلاحیت ذاتی» است. با این توضیحات سایر گزینه ها هم روشن می شود

۸- **گزینه ۱ صحیح است.** به استناد ماده ی ۱۲ ق.ح.خ- همچنین ماده ی ۱۷۹ آئین نامه ثبت اختراع طرح صنعتی و علائم تجاری که مقرر می دارد؛ «کلیه ی دعاوی ناشی از اختراع طرح صنعتی و علائم تجاری در شعب تخصصی دادگاه عمومی تهران رسیدگی می شود.»

۹- **گزینه ۲ صحیح است.** به موجب مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۲۲، دعوای ابطال دستور اجرای سند لازم الاجرا به هر دلیل در صلاحیت دادگاه محل مرجعی است که دستور اجرا را صادر کرده است که می تواند محل اقامت خواننده (متعهدله سند لازم الاجرا) نباشد و رسیدگی به این دعوی خارج از نوبت می باشد.

۱۰- **گزینه ۲ صحیح است.** طرح پرونده در مراجع اداری مستلزم چند شرط است؛ ۱- خواننده دعوا دولت یا یکی از مراجع پیش بینی شده در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۴/۴/۱۹ باشد- ۲- خواهان دعوا غیردولتی باشد یا به تعبیر دیگر شخص حقیقی یا حقوقی خصوصی باشد- ۳- دولت در مقام اعمال حاکمیت باشد.

دولت وقتی در مقام اعمال حاکمیت است که وظایف خاص مربوط به خود انجام می دهد و با اشخاص رابطه ای نابرابر دارند (به عنوان مثال اخذ مالیات یا اقدام به صدور پروانه) اما در مانحن فیه دولت (وزارت جهاد کشاورزی) با شخص رابطه برابر دارد و در مقام اعمال تصدی است در نتیجه موضوع در صلاحیت ذاتی دادگاه (مراجع قضایی) می باشد و از حیث صلاحیت محلی با عنایت به اینکه مطالبه خسارت نیاز به نظر کارشناس دارد لذا دادگاه محل وقوع مال صالح به رسیدگی می باشد.

نکته تکمیلی: با توجه به تبصره ی ۱ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲؛ با صدور رأی دیوان عدالت بر وقوع تخلف (تقصیر واحد یا شخص طرف شکایت) حسب مورد محرز می گردد که این رأی دلیل وقوع تخلف طرف شکایت یعنی تقصیر اوست و نه تنها تقصیر بلکه اصل ورود خسارت نیز احراز می گردد لکن احراز وجود رابطه ی سببیت بین تقصیر (تخلف خواننده) و خسارت و نیز تعیین میزان خسارت مستلزم رسیدگی قضایی و در صلاحیت مراجع قضایی بوده و از صلاحیت دیوان خارج است.

۱۱- **گزینه ۲ صحیح است.** طبق رأی وحدت رویه ۵۹۹ چون تفاوت بین بیش از ۵ سال است، در صلاحیت کمیسیون است نه دادگاه.

۱۲- **گزینه ۱ صحیح است.** به استناد ماده ی ۲۲ و ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی

۱۳- **گزینه ۱ صحیح است.** به موجب ماده ۲۰ ق.آ.د.م: «دعای راجع به ترکه متوفی اگر چه خواسته، دین و یا مربوط به وصایای متوفی باشد تا زمانی که ترکه تقسیم نشده در دادگاه محلی اقامه می شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران، آن محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به

دعای یاد شده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران، در حوزه آن بوده است.» رجوع شود به مواد ۱۶۲ الی ۱۶۵ قانون امور حسبی

اما در فرضی که متوفی تاجر متوقف یا ورشکسته باشد موضوع مشمول ماده ۲۱ قانون مزبور می شود یعنی در فرضی که شخص مزبور در ایران اقامتگاه نداشته باشد در دادگاهی اقامه می شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.

نکته: دعوی افزایش که جریان ثبتی آن خاتمه یافته اما ترکه تقسیم نشده است دادگاه اقامتگاه متوفی صالح به رسیدگی می باشد.

۱۴- گزینه ۴ صحیح است. از آن جا که رسیدگی به دعوی سند سجلی مستقیماً به حقوق مالی منجر نمی شود لذا دعوی غیر مالی محسوب شده و از طرفی چون رسیدگی به دعوی راجع به سند ثبت احوال، اگر محل صدور سند و محل اقامت خواهان هر دو در ایران باشد دادگاه محل اقامت خواهان صالح است. لذا چون سند در مشهد صادر ولی خواهان مقیم تهران است، دادگاه محل اقامت خواهان (تهران) صالح برای رسیدگی می باشد. رسیدگی به شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیأت حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان بعمل می آید و رأی دادگاه فقط پژوهش پذیر است.

۱۵- گزینه ۳ صحیح است. به استناد تبصره ی ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی حوزه قضایی شهرهای بزرگ مثل تهران علی رغم تقسیم بندی آن به مجتمع های قضایی مختلف یکسان بوده و این امر تغییری در صلاحیت محلی عام دادگاه های مستقر در آن نمی دهد.

۱۶- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۲۰ و ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی. در فرض این سوال بین متوفی و خواهان قراردادی منعقد شده است که مربوط به مال منقول می باشد و محل انعقاد قرارداد و محل انجام تعهد محلی غیر از محل اقامتگاه متوفی است؛ خواهان صرفاً می تواند در محل اقامت متوفی طرح دعوا کند و نمی تواند به استناد ماده ی ۱۳ قانون مزبور به دادگاه محل انعقاد قرارداد یا دادگاه محل انجام تعهد رجوع کند بعلاوه لازم به ذکر است اجرای ماده ی ۲۰ ق.آ.د.م تا زمانی ممکن است که ترکه بین وراثت تقسیم نشده باشد.

۱۷- گزینه ۲ صحیح است. در مورد گزینه ۱ باید دقت کرد که بین دادگاه عمومی و کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها هرگز اختلاف در صلاحیت رخ نمی دهد که مرجعی نیز بخواهد آن را حل کند. زیرا اگر پرونده اولین بار در دادگاه عمومی مطرح شود و این دادگاه کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری را صالح به رسیدگی بداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را مستقیماً به دیوان عالی کشور برای تعیین صلاحیت و ارسال آن به کمیسیون ماده ۱۰۰ اقدام نماید. (ماده ۲۸ ق.آ.د.م)، هرگاه پرونده اولین بار در کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری مطرح شود و این مرجع دادگاه را صالح به رسیدگی بداند پرونده را بایگانی خواهد کرد.

در مورد تایید گزینه «۲» باید به ماده ۱۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رجوع کنید.

در مورد گزینه «۳» و گزینه «۴» نیز باید به همان موضوع دقت کرد و توضیحات گزینه ۱ در این خصوص مکفی خواهد بود.

۱۸- گزینه ۲ صحیح است. مقررات مربوط به قرار عدم صلاحیت و ارجاع پرونده به مرجع صالح در مراجع غیر دادگستری حاکم نیست.

۱۹- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۴۴ ق.آ.د.م

۲۰- گزینه ۱ صحیح است. مستند به مواد ۴۱ و ۴۴ ق.آ.د.م- توضیح آنکه جلسه دادگاهی که وکیل به علت شرکت در دادگاه دیگر در آن حضور نمی یابد تجدید نخواهد شد زیرا جهات تجدید جلسه دادگاه منحصر به موارد مذکور در ماده ۴۱ می باشد و در موارد مربوط به ماده ی ۴۲ دادگاه به این جهت نباید جلسه را تجدید کند مگر اینکه موجب دیگری باعث تجدید جلسه دادگاه شود.

۲۱- گزینه ۴ صحیح است. به موجب ماده ی ۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی تنها در صورتی که وکالت نامه وکیل سند غیررسمی باشد وکیل می تواند ذیل وکالت نامه تأیید کند که وکالت نامه را موکل شخصاً در حضور او امضاء یا مهر کرده یا انگشت زده است و در هر حال تکلیفی به این کار ندارد.

۲۲- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۱۵ ق.ا.ح در امور حسبی اشخاص ذینفع می توانند شخصاً در دادگاه حاضر بشوند یا نماینده بفرستند و نیز می توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود بیاورند.

و نیز به استناد ماده واحده قانون فهرست نهادها و موسسات عمومی غیردولتی اشخاص ذیل می توانند با عنایت به ماده ۳۲ ق.آ.د.م از نماینده حقوقی استفاده نمایند:

۱- شهرداری ها و شرکت های تابع آن با بیش از ۵۰٪ سرمایه متعلق به شهرداری ۲- بنیاد مستضعفان و جانبازان ۳- هلال احمر ۴- کمیته امداد امام خمینی ۵- بنیاد شهید ۶- بنیاد مسکن انقلاب ۷- کمیته ملی المپیک ۸- بنیاد ۱۵ خرداد ۹- سازمان تبلیغات انقلاب اسلامی ۱۰- سازمان تامین اجتماعی ۱۱- فدراسیون های ورزشی آماتوری ۱۲- موسسه های جهاد نصر جهاد استقلال جهاد توسعه ۱۳- بنیاد امور بیماری های خاص ۱۴- صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر

۲۳- گزینه ۴ صحیح است. در خصوص این سوال به چند نکته باید توجه نمود:

(۱) تنظیم قرارداد وکیل با دولت ممنوع نیست چه به صورت کلی چه به صورت موردی.

(۲) وکیل نمی تواند ضمن اشتغال به وکالت، در استخدام دولت نیز باشد.

(۳) وکیل نمی تواند در استخدام دولت باشد ولی می تواند با دولت قرارداد مشاوره حقوقی داشته باشد.

نکته اول: به طور کلی احکام قطعی دادگاهها مشمول قاعده می باشند اما باید توجه داشت که اعتبار امر قضاوت شده به احکام مراجع در امور ترافعی اختصاص دارد. در صورتی احکام ترافعی هستند که اختلافی روی داده باشد و طرفین دعویشان را در دادگاه صالح مطرح کرده باشند. حکم ترافعی در مقابل حکم غیرواقعی قرار دارد. گاهی در امور حسبی که اختلاف و دعوی در میان نیست مانند پرونده تعیین قییم برای محجوری که ولی ندارد، قانون امور حسبی تصمیم دادگاه را در این مورد حکم شمرده است؛ مانند ماده ی ۳۲۴ قانون امور حسبی که در این موارد به احکام صادره از دادگاه احکام غیرترافعی گفته می شود که مشمول قاعده ی امر قضاوت شده نمی باشد. (منطوق ماده ی ۴۰ و مفهوم ماده ی ۴۱ قانون امور حسبی)

نکته دوم: گزارش اصلاحی از حیث آثار مانند حکم است و موجب فصل دعاوی می شود لذا از اعتبار امر مختومه برخوردار می باشد.

نکته سوم: از بین قرارهای قاطع قرار سقوط دعوا دارای اعتبار امر مختومه می باشد.

نکته چهارم: آراء دیوان عدالت اداری نیز از اعتبار امر مختومه برخوردار می باشد. (ماده ی ۵۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۹۲ ملاحظه شود)

۴۷-گزینه ۳ صحیح است. چنانچه یکی از اصحاب دعوا در جریان دادرسی غایب مفقودالثر شود و در عین حال حکم قطعی موت فرضی اواز دادگاه صالح صادر نگردیده باشد، دادگاه باید به رسیدگی خود ادامه دهد و با عنایت به اینکه غایب مفقودالثر از نظر مقررات دادرسی در حکم متوفی نیست لذا توقیف دادرسی بدون تصریح قانونی و با استفاده از وحدت ملاک جایز نبوده و مبنای قانونی ندارد.

فوت یا حجر یا زوال سمت یکی از اصحاب دعوا در صورتی موجب توقیف دادرسی است که در دادرسی نسبت به دیگران موثر باشد، در غیر این صورت دادرسی منحصر نسبت به او توقیف و نسبت به دیگران طبق روال معمول ادامه می یابد.

۴۸-گزینه ۳ صحیح است. از آن جا که در املاک مشاعی هر مالک در جز به جز مال مشاع شریک است، هر کس می تواند به نسبت سهم خود طرح دعوی علیه دیگران نماید ولیکن در اموال مزبور دعوی می بایست عموماً علیه تمامی مالکین مطرح گردد، خصوصاً در مواردی که حق مطالبه غیرقابل تجزیه باشد.

۴۹-گزینه ۳ صحیح است. این ایراد تنها از سوی خواننده قابل طرح است و عنوان آن ایراد بی نفعی خواهان می باشد (بند ۱۰ ماده ۸۴) دادگاه ایراد مطرح نمی کند بلکه تنها به بررسی ذی نفعی یا بی نفعی خواهان می پردازد، در این خصوص سوالی مطرح می گردد این است که، اگر حق ادعا شده علیه خواننده احراز و حکم علیه او صادر شود آیا قانوناً نفعی نصیب خواهان می گردد یا خیر؟ چنانچه پاسخ سوال مثبت باشد دادگاه خواهان را ذی نفع دانسته و ایراد را رد و رسیدگی به ماهیت را شروع می کند و اگر پاسخ منفی باشد ایراد را می پذیرد و قرار رد دعوا صادر می کند. همچنین باید افزود که این ایراد، از ایراداتی است که مانع دائمی در رسیدگی به دعوا ایجاد می نماید.

۵۰-گزینه ۱ صحیح است. دکتر شمس ج ۲ شماره ۷۲ و ۳۱۴ تا ۳۱۷

۵۱-گزینه ۳ صحیح است. در صورت عدم حضور اصحاب دعوا و وکلای آنها و عدم تقدیم لایحه توسط آنها اگر ابلاغ وقت بصورت قانونی انجام شده باشد اولین جلسه محقق شده و دادگاه می تواند حکم صادر کند، بنابراین قسمت آخر گزینه ی ۳ صحیح نیست و پاسخ سؤال نیز همین گزینه است.

۵۲-گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۱۰۰ ق.آ.د.م

۵۳-گزینه ۴ صحیح است. طبق بند الف ماده ی ۳۳۱ ق.آ.د.م در دعاوی مالی که خواسته یا ارزش آن از سه میلیون ریال متجاوز باشد، حکم قابل تجدیدنظر است. در صورت افزایش خواسته و عدم حضور خواننده یا حضور وی و عدم آمادگی برای دفاع در دادگاه، دادگاه در راستای اجرای اصل تناظر و حق دفاع خواننده بایست جلسه دادرسی را تجدید نماید. در مورد گزینه ی سه باید گفت وحدت منشاء مطرح در ماده ی ۹۸ در خواسته ی خواهان وجود ندارد زیرا منشاء دعوی اجرت المثل غصب (ماده ی ۳۰۸ به بعد قانون مدنی) و منشاء خواسته ی خسارت وارده به ملک اتلاف یا تسبیب (مواد ۳۲۸ به بعد قانون مدنی) است و لذا خواسته جدید است که باید در قالب دعوی جدید مطرح شود.

۵۴-گزینه ۲ صحیح است. حضور یافتن نه تنها از این نظر که محدوده ی رسیدگی و مبنای رأی دادگاه را می تواند تحت تأثیر قرار دهد دارای اهمیت است بلکه خواننده را قادر می سازد تا از حق دفاع به بهترین شکل بهره مند گردد، آنچه مسلم است اگر اظهارات خواهان در جلسه ی دادرسی گویای استرداد دعوا، کاهش خواسته، تغییر نحوه ی دعوا یا خواسته یا درخواست باشد، دادگاه آثار لازم را بر چنین اظهاراتی مترتب می نماید. هرگاه اظهارات خواهان به نحوی باشد که با توجه مطلب دادخواست برای دادگاه ابهام ایجاد نماید دادگاه با توجه به ماده ۹۵ ق.آ.د.م با خواستن توضیح از او مشکل را حل می نماید. در سایر موارد تعارض باید پذیرفت که اظهارات خواهان در جلسه ی دادرسی، چون در زمان مؤخر اعلام گردیده معتبر است مگر در مواردی که طبق مقررات بی اعتبار (انکار بعد از اقرار) یا غیرقابل اعتنا باشد (اقامه ی دعوی جدید بدون رعایت مواد ۹۸ به بعد، تغییر درخواست یا نحوه ی دعوا در غیر از جلسه اول و)

در هر حال اصل تناظر و حق دفاع خواننده باید رعایت گردد لذا در صورت عدم حضور خواننده؛ دادگاه چنانچه اظهارات خواهان را که با مندرجات دادخواست متعارض است معتبر و قابل اعتنا بداند پیش از اینکه به آن ترتیب اثر بدهد باید جلسه رابه زمان معین تجدید نماید تا خواننده فرصت و امکان دفاع پیدا کند.

۵۵-گزینه ۱ صحیح است. ارائه اصول مستند در جلسه اول از سوی هر یک از طرفین الزامی است اما چنانچه طرف مقابل متعرض آنها نشود، باید آنها را از ارائه اصول مستندات معاف دانست.

چنانچه سند مورد استناد رسمی باشد چون نمی تواند مورد انکار و تردید واقع گردد، عدم ارائه اصل آن در جلسه اول خطری را متوجه طرفی که بدان استناد نموده نمی سازد. همین طور در صورتی که سند مورد استناد عادی باشد اما ادعای جعل نسبت به آن شود طبق ماده ۲۲۰ دادگاه به خواهان اخطار می نماید،

۴- ماده ی ۱۳۲۵ ق مدنی؛ در دعوی که به شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط به قسم او نماید. (ایراد گزینه ۳)

۹۸- گزینه ۴ صحیح است. در صورتی که قرار منع تعقیب قطعی باشد و بیان کننده ی احراز اصالت یا جعلیت سند باشد در این صورت قرار منع تعقیب صادر شده نسبت به اصالت یا جعلیت سند برای دادگاه حقوقی متبع خواهد بود و نیازی به رسیدگی دوباره به این ایراد نیست در غیر اینصورت چون در قرار صادر شده نسبت به اصالت یا جعلیت سند اظهار نظر نشده است، لازم است به ایراد جعل مطابق مقررات رسیدگی و اظهار نظر شود.

۹۹- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ۲۵۶ ق.آ.د.م

۱۰۰- گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸

۱۰۱- گزینه ۳ صحیح است. به استناد تبصره ۲ ماده ۳۵ و ماده ۲۸۰ ق.آ.د.م

۱۰۲- گزینه ۱ صحیح است. طبق ماده ۱۳۳۱ ق.م. «... هیچ گونه اظهاری که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد» لذا اگر چه حکم مستند به سوگند می تواند تجدیدنظر پذیر باشد اما در مرحله تجدیدنظر نیز اظهار منافی با سوگند پذیرفته نمی شود مگر اینکه کذب بودن سوگند به موجب حکم نهایی ثابت شود (بند ۵ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م در اعاده دادرسی) یا اینکه کسی که سوگند یاد کرده اقرار کند که حق باطرف مقابل است در این مورد نیز دادگاه باید به اقرار بها دهد، چه در مرحله نخستین باشد و چه در مرحله تجدیدنظر (ایراد گزینه ۴).

۱۰۳- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۱۳۲۷ قانون مدنی و همچنین رجوع کنید به کتاب دکتر شمس - عبدالله، جلد سوم، شماره ۴۶۵

۱۰۴- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۲۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی اظهار انکار و تردید فقط نسبت به اسناد عادی امکان دارد و نه رسمی اما نسبت به اسناد رسمی هم ادعای جعل مادی امکان دارد و هم معنوی یا مفادی

۱۰۵- گزینه ۳ صحیح است. به استناد کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد دوم، شماره های ۴۱۸ و ۴۹۴

۱۰۶- گزینه ۴ صحیح است. به استناد مواد ۲۹۵ و ۲۹۷ ق.آ.د.م

۱۰۷- گزینه ۲ صحیح است. به استناد مواد ۲۹۶ و ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی

۱۰۸- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی

۱۰۹- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۰۲ و تبصره ی ذیل آن

۱۱۰- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۰۴ ق.آ.د.م علت حضوری محسوب شدن رأی نسبت به تمامی خواندگان و لو خواندگانی که در جلسه حضور نیافته و لایحه ای نیز ارسال نداشته اند این است که دادخواست نسبت به آنها نیز ابلاغ واقعی شده است.

۱۱۱- گزینه ۴ صحیح است. اگر وقت جلسه اول دادرسی به خواننده ابلاغ واقعی نشود اما وقت جلسات بعدی ابلاغ واقعی شود و خواننده در هیچ یک از جلسات حاضر نشده و از خود دفاع ننماید حکمی که علیه او صادر می شود غیابی است چون پس از اولین جلسه دادرسی از جریان دعوا مطلع گردیده و فرصت و امکان دفاع در برابر دادخواست را به علت پایان یافتن اولین جلسه دادرسی از دست داده است. رجوع کنید به کتاب، دکتر شمس عبدالله ج ۲ ش ۶۶۲

۱۱۲- گزینه ۲ صحیح است. در صورتی که حکم دادگاه کلاً به نفع خواننده صادر شود چون حق طرح شکایت نسبت به آن را ندارد بررسی حضوری یا غیابی بودن حکم منتفی می گردد. به بیان دیگر حکم علیه خواهان است و نسبت به او همواره حضوری است.

۱۱۳- گزینه ۳ صحیح است. به موجب ماده ۱۳۶ ق.آ.د.م در صورتی که محکوم علیه غیابی بخواهد دادخواست جلب ثالث را بنماید باید دادخواست جلب را با دادخواست اعتراض توأمان تسلیم دادگاه نماید ولی معترض علیه می تواند در اولین جلسه رسیدگی به اعتراض جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز دادخواست جلب ثالث را تقدیم دادگاه نماید، اما در خصوص طرح دعوی متقابل در مرحله واخواهی چون قانونگذار پیش بینی نکرده، امکان پذیر نیست. (شمس، پیشرفته، جلد نخست، شماره ۸۵)

۱۱۴- گزینه ۱ صحیح است. موضوع نسب قابل تجزیه نیست بنابراین نقض این رأی به صورت کلی خواهد بود و رأی نسبت به سهم اشخاصی که واخواهی نکرده اند هم نقض خواهد شد.

۱۱۵- گزینه ۱ صحیح است. واخواهی جهت رسیدگی به اعتراض واخواه است و دادگاه در همین محدوده اقدام به رسیدگی می نماید و چنانچه خواسته یا بهای خواسته خواهان بدوی بیش از سه میلیون ریال باشد می تواند تجدیدنظرخواهی نماید.

۱۱۶- گزینه ۴ صحیح است. رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد دوم شماره های ۶۶۳، ۶۴۵، ۶۷۰، ۶۶۲ و جلد اول، شماره ۶۶۲

۱۱۷- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۰۷ ق.آ.د.م حکم صادره در خصوص اعسار در هر صورت حضوری محسوب است. بیماری (مرض مانع حرکت) محکوم علیه حکم غیابی حتی در صورت امکان تویکل عذر موجه برای عدم درخواست واخواهی محسوب می شود چرا که قانونگذار در بند ۱ ماده ی ۳۰۶ این مورد را بصورت مطلق جزء معاذیر دانسته است و آن را مشروط به عدم امکان تویکل نموده است- توقیف یا حبس در صورتی عذر موجه محسوب است که امکان تقدیم دادخواست به دفتر بازداشتگاه یا زندان وجود نداشته باشد و به بیان دیگر توقیف غیرقانونی باشد.

- ۱۶۳- گزینه ۴ صحیح می باشد. به استناد ماده ۴۸۸ ق.آ.د.م.
- ۱۶۴- گزینه ۴ صحیح می باشد. به استناد مواد ۴۹۲ و ۴۹۳ ق.آ.د.م
- ۱۶۵- گزینه ۴ صحیح است. به استناد مواد ۴۶۶، ۴۶۹ و ۴۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی
- ۱۶۶- گزینه ۱ صحیح است. به استناد مواد ۴۶۱ و ۴۶۴ ق.آ.د.م و دکتر شمس ج ۳، ش ۹۶۲
- ۱۶۷- گزینه ۲ صحیح است. به استناد مواد ۵۰۸ و ۵۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی در این حالت صدور حکم اعسار تنها نسبت به همان دعوی و در تمام مراحل همان دعوی مؤثر است.
- ۱۶۸- گزینه ۳ صحیح می باشد. به استناد ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی
- ۱۶۹- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی
- ۱۷۰- گزینه ۲ صحیح است. به استناد مواد ۵۱۰ و ۵۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی
- ۱۷۱- گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ۵۱۸ ق.آ.د.م؛ در مواردی که مقدار هزینه و خسارت در قانون یا تعرفه رسمی معین نشده باشد میزان آن را دادگاه تعیین می نماید.
- ۱۷۲- گزینه ۴ صحیح است. ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی
- ۱۷۳- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی فقط هزینه هایی که به طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده خسارات دادرسی محسوب می شود نه به طور غیرمستقیم
- ۱۷۴- گزینه ۱ صحیح است. طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۵۵-۱۴/۱۰/۹۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛ «از مقررات قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور خصوصاً ماده ۴ آن راجع به صلاحیت دادگاه چنین مستفاد می گردد که تقاضای زوجین برای دریافت جنین از امور توافقی نیست و مقررات قانون آیین دادرسی... در امور مدنی در خصوص رسیدگی به دعاوی منصرف از آن است، براین اساس، تقاضای زوجین بدون تقدیم دادخواست در دادگاه محل اقامت و یا سکونت آنان قابل رسیدگی است و رأی شعبه اول دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص داده می شود.»
- ۱۷۵- گزینه ۴ صحیح است. به استناد مواد ۱ و ۲۶ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۹۴
- ۱۷۶- گزینه ۲ صحیح است. به استناد روبر. ۶۹۹ / ۲۲ / ۳ / ۱۳۸۶
- ۱۷۷- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۵ قانون شوراهای حل اختلاف ۹۴
- ۱۷۸- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده
- ۱۷۹- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱
- ۱۸۰- گزینه ۱ صحیح است. به استناد ۳۳ و ۳۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱
- ۱۸۱- گزینه ۱ صحیح است. به استناد مواد ۹ و ۱۰ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۹۴
- ۱۸۲- گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ۱۰ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۵۶
- ۱۸۳- گزینه ۳ صحیح است. به موجب ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد حکم و در غیر اینصورت قرار نامیده می شود، مستفاد از ماده ۱ مذکور حکم دارای چهار عنصر است؛ ۱- در امور توافقی صادر شده باشد- ۲- از دادگاه صادر شده باشد- ۳- راجع به ماهیت دعوا باشد- ۴- قاطع دعوا باشد.
- ۱۸۴- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۱۰ قانون شوراهای حل اختلاف ۹۴
- ۱۸۵- گزینه ۳ صحیح می باشد. به استناد ماده ۶۱ ق.ا.ا.
- ۱۸۶- گزینه ۳ صحیح است. این اقدام براساس ماده ۴۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۹۲ که بیان داشته است در صورت حصول دلایلی مبنی بر عدم ضرورت ادامه اجرای دستور موقت شعبه رسیدگی کننده نسبت به لغو آن اقدام می نماید مستفاد می گردد.
- ۱۸۷- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۴۴ قانون امور حسبی
- ۱۸۸- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۴۶ ق.ا.ا.
- ۱۸۹- گزینه ۴ صحیح است. رجوع کنید به کتاب دکتر شمس، عبدالله، جلد دوم، ش ۵۶۶
- ۱۹۰- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۵۴ ق دیوان عدالت اداری مصوب ۹۲
- ۱۹۱- گزینه ۱ صحیح است. در این حالت ج اگر از الف یا ب به موجب حکم قطعی دیگری طلبکار باشد می تواند جهت اجرای حکم مبلغ مزبور را توقیف نماید؛ اما اگر چه به موجب قانون اجرای احکام مدنی هر کس که زودتر مالی را توقیف می نماید مقدم بر دیگران در طلب خود از آن است ولیکن در این حالت حق ب بر دیگران در وصول خسارات ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته مقدم بر هر کس دیگری می باشد.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

پاسخنامه اصول فقه

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر صدیقه گلستان رو

۱- گزینه ۲ صحیح است. تعارض به برخورد و تنافی و ناسازگاری بین مدلول دو یا چند دلیل (و به تعبیر برخی ناسازگاری در ناحیه دلالت دو یا چند دلیل) در مرحله جعل و انشاء و قانونگذاری و تشریح (وضع و انشاء) گفته می شود اما تراحم به برخورد احکام در مرحله اجرا و امثال به دلیل ناتوانی مکلف از

اجرای توأمان احکام گفته می شود. گزینه ۳ به این دلیل نادرست است که در حالت تعارض مستقر دو دلیل اگر یکی از دلایل به سبب مرجّحی بر دیگری ترجیح داشت آن دلیل را باید بر دیگری ترجیح داد و در حالت فقدان ترجیح که آن را تعادل یا تکافو ادله متعارض می گویند اگر تعارض بین روایات بود به قاعده ثانویه شرعیه که بیانگر تخییر است مراجعه می کنیم و اگر سایر تعارض ها بود به قاعده اولیه عقلی که به طور مطلق قاعده هم گفته می شود و بیانگر تساقط ادله متعارض است مراجعه می کنیم و در تراحم هم ابتدا به مرجحات باب تراحم مراجعه می کنیم و در صورت فقدان مرجحات، به راهکار تخییر که یک حکم واقعی عقلی است مراجعه می کنیم. مرجحات باب تراحم فقط تقدم اهم بر مهم نبوده و موارد دیگری نیز است فلذا گزینه ۱ نادرست است. همچنین دلیل دیگر بر نادرستی گزینه ۱، بیان ویژگی ناصحیح تعارض (یعنی مجمل بودن دلالت دلیل) است. گزینه ۴ هم ناصحیح است چون تنها معیار شناسایی حکم اهم از مهم، عقل نیست و دستورات شارع و قانونگذار نیز است.

۲- گزینه ۳ صحیح است. در باب تراحم دو یا چند حکم، مرجّحاتی وجود دارند که موجب ترجیح یک حکم بر حکم دیگر می شوند و یکی از این مرجحات، مقدم شدن تکلیف اهم بر مهم است که خود، مصادیقی دارد. این مورد، همان اهمیت حکم است که در گزینه ۳ آمده است. برای شناخت مرجحات باب تراحم به صفحات ۳۴۰ تا ۳۴۲ کتاب اصول فقه موسسه فاضل نمایید.

۳- گزینه ۱ صحیح است. تعارض ادله بین دو دلیل قطعی یا یک دلیل قطعی و یک دلیل غیرقطعی (اعم از دلیل ظنی و اماره یا اصول عملیه) واقع نخواهد شد. در واقع یکی از شرایط تعارض، عدم قطعیت هر دو دلیل می باشد. در حالات بیان شده در گزینه های ۲، ۳ و ۴ تعارض غیر مستقر یا بدوی یا ابتدایی یا ظاهری وجود دارد.

۴- گزینه ۴ صحیح است. در این جا تعاریفی از مرجح جهتی و مرجح مضمونی از کتاب اصول فقه کاربردی (ج ۳) نوشته استادان قافی و شرعیتی نقل می کنیم:

مرجح جهتی: مرجحاتی که ترجیح دهنده جهت صدور روایت است. منظور از «جهت صدور» تشخیص این امر است که آیا روایت برای بیان حکم واقعی از سوی امام (ع) صادر شده یا به سبب مصالح و جهات مهم تری که مد نظر امام معصوم (ع) بوده، روایت بیان کننده حکمی غیر از حکم واقعی است. برای مثال، امام (ع) به جهت رعایت تقیه و برای حفظ جان خود یا حفظ جان شیعیان و راویان، حکمی خلاف واقع بیان فرموده است. به عقیده شیخ انصاری، «مخالفت عامه» یک مرجح جهتی است؛ زیرا هنگامی که یک روایت مخالف عامه باشد، این احتمال در ذهن تقویت می شود که در صدور روایت مزبور هیچ گونه تقیه در کار نبوده و روایت در صدد بیان حکم واقعی است.

مرجح مضمونی: مرجحاتی که ناظر به مطابقت مضمون روایت با واقع و نزدیک تر بودن به حکم واقعی است، مرجح مضمونی نامیده می شود. مانند ترجیح به «موافقت کتاب»؛ زیرا اگر روایتی موافق کتاب و روایت دیگری مخالف کتاب باشد، موافقت با کتاب این احتمال را در ذهن تقویت می کند که روایت مورد نظر با واقع منطبق تر و به آن نزدیک تر است.

نام دیگر مرجح مضمونی، مرجح دلالتی است.

در فرض سوال ۷۷، قرارداد اول که شائبه اکراهی بودن آن در میان است به قیاس با تعریف مرجح جهتی، دارای مرجح جهت صدور است اما قرارداد دوم که فاقد چنین شائبه ای است اما دلالت آن بر موضوع تعهد مبهم است به قیاس با تعریف مرجح مضمونی، دارای مرجح دلالتی است.

۵- گزینه ۳ صحیح است. در تراحم ادله ابتدا بر طبق مرجحات باب تراحم و قاعده اهم و مهم ابتدا اهم را انجام می دهیم و سپس طبق قاعده ترتب اگر اهم را انجام ندادیم باید مهم را انجام دهیم. اگر هر دو مورد مساوی بودند، تخییر عقلی واقعی داریم.

۶- گزینه ۳ صحیح است. منظور از قاعده «الجمع مهما أمکن أولى من الطرح» جمع عرفی و به تعبیر دیگر جمع مقبول است یعنی جمعی که مورد پسند عرف یا مستند به شواهد و قرائن کافی باشد. اما اگر چنین نباشد جمع ادله، جمع تبرعی بوده که معتبر نیست.

۷- گزینه ۴ صحیح است. زیرا موضوع دو دلیل از ابتدا و به صورت خود به خودی و واقعی و تکوینی و حقیقی از هم جدا بوده و متفاوت از هم هستند لذا تعارض و برخوردی بین دو دلیل پیش نمی آید.

۸- گزینه ۱ صحیح است.

۹- گزینه ۴ صحیح است. حکومت عبارت است از: «تصرف یکی از دو دلیل (دلیل حاکم) در موضوع یا محمول دلیل دیگر (دلیل محکوم) به صورت توسعه یا تضییق». حکومت به ۴ حالت است: یا به نحو توسعه موضوع دلیل محکوم توسط دلیل حاکم یا به نحو تضییق موضوع دلیل محکوم توسط دلیل حاکم یا به نحو توسعه محمول (حکم) دلیل محکوم توسط دلیل حاکم و یا به نحو تضییق محمول (حکم) دلیل محکوم توسط دلیل حاکم است. فرض مسأله در رابطه با قسم اول از ۴ حالت فوق است.

۱۰- گزینه ۳ صحیح است. شرایط تحقق تعارض ادله عبارت است از: تعدد ادله متعارض، دارا بودن شرایط حجیت، قطعی نبودن هیچ یک از دو دلیل و وجود تنافی در مدلول دو دلیل. در مورد شرط سوم توضیحی لازم است: دو دلیل متعارض نمی توانند هر دو قطعی باشند زیرا قطع پیدا کردن به دو امر متنافی، محال است. همچنین اگر یکی از دو دلیل، قطعی و یقینی باشد نباید از تعارض سخن گفت و دلیل قطعی با دلیل غیر قطعی (کاذب) نمی تواند تعارض کند.

اقل متیقن (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) مشمول مخصّص (ماده ۷) و اکثر مشکوک (مهر و جهیزیه) مشمول عام مخصّص (ماده ۵) است. در حالات دیگر غیر از این حالت، اجمال مخصّص به عام سرایت می کند و در مورد اجمال و شک به عام یا مخصّص استناد نکرده و سراغ موازین قانونی دیگر یا قواعد دیگر یا نهایتاً اصول عملیه می رویم.

۱۰۰- گزینه ۴ صحیح است.

۱۰۱- گزینه ۴ صحیح است. از جمله شرایط اصل استصحاب، تقدم زمان متیقن بر زمان مشکوک است. در حالی که این شرط نباشد یعنی زمان مشکوک بر زمان متیقن مقدم باشد استصحاب قهقری یا مقلوب یا وارونه رخ می دهد که اصولاً معتبر نیست مگر در بحث استنباط معانی الفاظ. علت اینکه گزینه ۲ پاسخ سوال نیست آن است که بین شک با مشکوک و نیز بین یقین با متیقن تفاوت است. شک و یقین، حالت ذهنی انسان است اما مشکوک و متیقن وقایع خارجی هستند که شک و یقین به آن تعلق گرفته است. اگر زمان مشکوک (نه شک) بر زمان متیقن (نه یقین) مقدم باشد استصحاب قهقری رخ می دهد. گزینه ۳ یکی از شرایط استصحاب است و گزینه ۱ هم اساساً جواب سوال نبوده و نادرست است.

۱۰۲- گزینه ۱ صحیح است. مراد از مقتضی، استعداد و توانایی (قابلیت) دوام و بقای مورد استصحاب (مستصحب) است. در قاعده مقتضی و مانع به معنای استعداد ایجاد است.

۱۰۳- گزینه ۱ صحیح است. استصحاب کلی بر سه قسم است که قسم های اول و دوم آن حجت و معتبر می باشد و قسم سوم آن فاقد حجیت است. این سوال از موارد استصحاب کلی قسم دوم است به این بیان که گاهی شک و تردید در بقای کلی ناشی از این امر است که نمی دانیم کلی در ضمن کدام یک از افراد خود تحقق یافته است. آیا کلی در ضمن فردی تحقق یافته که یقیناً از بین رفته است یا در ضمن فردی وجود گرفته که یقیناً هنوز باقی است؟ استصحاب کلی قسم دوم حجت می باشد؛ به این بیان که آثار مشترک تمام افراد، استصحاب می شود نه آثار اختصاصی یک فرد. لذا نمی توان به صورت مشخص، وجود هیچ یک از افراد را استصحاب کرد و طبعاً آثاری که مربوط به شخص معین است ثابت نمی شود. در فرض سوال، وجود عقد به صورت کلی در زمان سابق به عنوان امر متیقن سابق می باشد اما مشخص نیست که این امر کلی در ضمن کدام فرد و مصداقش (بیع یا صلح معوض) تحقق یافته است. حال اگر در مجلس عقد، قرارداد مزبور توسط یکی از طرفین فسخ شود و تردید شود که عنوان کلی عقد هنوز باقی است یا نه (چرا که اگر عقد مزبور بیع باشد یقیناً با اعمال خیار مجلس فسخ شده است و اگر صلح معوض بوده هنوز عقد باقی است)؛ در این حالت عنوان کلی عقد استصحاب شده و آثار مشترک عقد بیع و عقد صلح معوض مترتب می شود نه آثار اختصاصی بیع و صلح معوض.

۱۰۴- گزینه ۲ صحیح است. در حالتی که اطراف علم اجمالی در محل ابتلاء و دسترس مکلف باشد طی شرایطی اصل احتیاط (اشتغال) اعمال می شود. حال اگر برخی اطراف علم اجمالی سپس از ابتلاء و دسترس مکلف خارج شود نسبت به فرد باقیمانده در دسترس، اصل احتیاط هنوز اعمال می شود. اما اگر برخی اطراف علم اجمالی از ابتدا مورد ابتلای مکلف نباشد (مثلاً یک طرف از اطراف علم اجمالی خارج از محل ابتلاء مکلف بوده و طرف دیگر در محل ابتلاء مکلف باشد) اصل احتیاط نسبت به فرد واحدی که در تحت ابتلاء مکلف است اعمال نشده و نسبت به هر دو طرف (در محل ابتلاء و خارج از محل ابتلاء) اصل برائت اعمال می شود.

همچنین در حالت اضطرار نسبت به یکی از اطراف علم اجمالی و نیز در حالت انحلال و تجزیه علم اجمالی به یک علم تفصیلی و یک شک بدوی نسبت به اصل وجود تکلیف، اصل احتیاط اعمال نمی شود. در حالت اضطرار با استناد به ادله احکام ثانویه، ارتکاب عمل مجاز است و در حالت انحلال علم اجمالی به علم تفصیلی و شک بدوی، نسبت به قسمت مورد علم با استناد به ادله اجتهادی (دلیل قطعی و دلیل ظنی یا اماره) تکلیف وجود دارد و نسبت به قسمت مورد شک بدوی در اصل وجود تکلیف، اصل برائت جریان می یابد.

۱۰۵- گزینه ۱ صحیح است. تفاوت اساسی واجب تخییری (واجب مخیر) با اصل تخییر در این است که وجوب تخییری به استناد دلیل اخص (مانند قرآن یا روایت یا قانون یا قرارداد) بوده و حکمی واقعی است که از سوی شارع در مورد برخی از واجبات بیان شده است؛ اما تخییری که توسط اصول عملیه اثبات می شود فقط حکمی ظاهری است؛ یعنی، در موردی که حکم واقعی مسئله مجهول و مورد شک و تردید است و شک بین وجوب یا حرمت عملی (دوران امر بین محذورین) وجود دارد و به حکم واقعی عمل دسترسی نیست. برای رفع تحیر و شک مکلف در مقام عمل حکم به تخییر ظاهری او میان انجام عمل و ترک آن می شود. بنابراین، در حقیقت، در تکلیف واقعی تخییری وجود ندارد و حکم واقعی تنها وجوب یا حرمت عمل است. نتیجه اینکه تخییر بین افراد واجب تخییری، حکم واقعی شرعی است و در بین افراد واجب مخیر، هیچ اصلی جاری نیست اما تخییر در مورد اصل عملی تخییر، یک حکم ظاهری عقلی یا شرعی است که مربوط به شک و تردید بین وجوب یا حرمت عملی است.

۱۰۶- گزینه ۴ صحیح است. از آن جا که متعلق تکلیف، مردّد بین دو یا چند عمل مشکوک جدا از هم است (تردید در اینکه مدیون مبلغ دو میلیون تومان را به «الف» بپردازد یا به «ب») که هیچ ارتباطی با هم ندارند شبهه میان متباینین واقع شده است. با توجه به اینکه شک در حکم قضیه نبوده و مسلماً حکم وجوب ادای دین وجود دارد و موضوع و مصداق، مورد تردید و شبهه است لذا شبهه موضوعیه (مصادقیه) واقع شده است. در این حالت قاعده اقتضا می کند که اصل احتیاط (اشتغال) اعمال شده و دین به هر دو شخص پرداخت شده یا به نحوی وسیله اسقاط تکلیف نسبت به هر دو شخص اعمال گردد مثلاً مدیون از هر دو براثت ذمه حاصل نماید.

۱۷۷- گزینه ۳ صحیح است. برخی مشتقات مانند قاتل، زانی، سارق و... حاکی از عملی هستند که در گذشته واقع شده و اثرش هنوز باقی است برای همین استعمال این الفاظ برای چنین اشخاصی همواره حقیقت است. (هرکس مرتکب قتل، زنا و... شده تا همیشه به این نام خوانده می‌شود). چنین صفاتی در واقع قابل انفکاک نیستند و شاید از بحث مشتق خارج باشند مانند صفات ذاتی مثل زوجیت برای عدد چهار یا ناطق بودن برای انسان که مشتق غیرقابل زوال و از بحث خارج هستند. اما درباره قاضی که خوابیده نیز این استعمال حقیقی است چون درباره چنین اموری لازم نیست که ذات بالفعل و عملاً مشغول انجام کار باشد تا او را متلبس به مبدأ و حقیقت بدانیم بلکه تا زمانی که رسماً عنوان قاضی از او گرفته نشده در هر حالی، او متلبس به مبدأ و کاربرد مشتق حقیقت خواهد بود.

۱۷۸- گزینه ۱ صحیح است. این پرسش درباره این نکته است که کاربرد مشتق به لحاظ حال تلبس همواره حقیقت است، یعنی مشتق به کار برده شود و فعل مربوط به زمانی که ذات، وصف مورد نظر را داشته باشد به صورت ماضی یا مضارع به کار برود، مانند گزینه ج و دال، که مربی بود و خواهد شد. اما در گزینه الف، به کسی که مربی بوده است، بگوییم: او مربی است در واقع مجاز به علاقه ماکان است. در گزینه ب نیز مسئله درباره شغل هاست که تا زمانی که شخص رسماً از شغل خود کناره‌گیری نکرده، همواره متلبس به مبدأ و حقیقت است.

۱۷۹- گزینه ۱ صحیح است. زیرا مناسبت و علاقه ای بین «بیع» و «ازدواج» وجود ندارد و با فقدان مناسبت، اگر لفظ در معنای لفظی خودش بکار نرود استعمال «غلط» صورت گرفته است. اما در گزینه های ۲، ۳ و ۴ مناسبت بین معنای اصلی لفظ و معنای مجازی آن وجود دارد. استعمال لفظ در معنای وضعی اش، استعمال حقیقی و استعمال لفظ در غیر معنای وضعی اش در حالت فقدان علاقه، استعمال غلط است و در حالت وجود علاقه، استعمال مجازی است.

۱۸۰- گزینه ۱ صحیح است. محاربه و افساد فی الارض از نظر قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ به یک معنی نیستند. مرجع قضایی اعم از دادگاه است و مترادف با دادگاه نیست. حاکم شرع و قاضی هم مترادف نیستند.

۱۸۱- گزینه ۳ صحیح است. اگر لفظی در قانون به کار رفته ولی دارای معنی قانونی خاصی نباشد و در اصطلاح شرع، معنای خاصی داشته باشد باید آن را بر معنای شرعی حمل کرد مانند قرابت رضاعی، لعان، احرام و طلاق عدی. اما اگر الفاظی در قانون آمده ولی معنای قانونی و شرعی خاصی ندارند (یعنی حقیقت قانونی و حقیقت شرعی ندارند) باید به معنای عرفی یا لغوی مراجعه نمود. مانند اصطلاحات مسکن، حسن معاشرت، مصالح خانوادگی، اطاعت از ابوی، تنبیه طفل. همچنین الفاظ کشتن، اخلال در نظم جامعه، ضرب و جرح، مستی و... که برای فهم آن‌ها باید به ترتیب به معنای قانونی، معنای شرعی و معنای عرفی مراجعه کرد.

۱۸۲- گزینه ۳ صحیح است. اطراد به معنای کثرت استعمال لفظی در معنایی بدون قرینه، بوده و یکی از چهار علامت حقیقت است. لفظ تعهد در معنای به عهده گرفتن چیزی توسط مدیون به اراده خود، اطراد دارد و لفظ تعهد در این معنا، حقیقت است اما لفظ «تعهد» در معنای مدیون شدن به حکم قانون، عدم اطراد و قلت استعمال داشته و مجاز است.

۱۸۳- گزینه ۱ صحیح است. زیرا وقتی معنای حقیقی لفظ اشجار (درخت‌های کاشته شده) و معنای مجاز آن (درخت‌های بریده شده) را دانستیم و سپس شک کردیم که مراد متکلم، معنای حقیقی لفظ «اشجار» بوده یا معنای مجاز آن، بر اساس اصالة الحقیقة می‌گوییم مقصود او معنای حقیقی لفظ بوده است. زمانی به اصل عموم استناد می‌کنیم که احتمالات معنایی مطروحه برای لفظ، همه حقیقی بوده و لفظ مورد نظر، عام باشد و شک کنیم یک احتمال یا تمام احتمالات مدنظر بوده است. زمانی به اصالة الإطلاق استناد می‌کنیم که احتمالات معنایی مطروحه برای لفظ، همه حقیقی بوده و لفظ مورد نظر، مطلق باشد و شک کنیم یک احتمال یا تمام احتمالات مدنظر بوده است. اگر احتمالات مطروحه در سوال، یکی حقیقی و دیگری مجازی باشد و تردید شود که کدام یک مدنظر بوده است به اصل حقیقت استناد می‌کنیم.

۱۸۴- گزینه ۲ صحیح است. وقتی عبارت و متن مورد نظر حقیقتاً بتواند شامل احتمال یا احتمالات مطروحه در سوال بشود و شک در شمول آن نسبت به این احتمال یا احتمالات داشته باشیم با استناد به اصل عموم (در صورت عام بودن عبارت) یا اصل اطلاق (در صورت مطلق بودن عبارت) می‌گوییم عبارت، شامل آن احتمال یا احتمالات هم می‌شود. اما اگر احتمال یا احتمالات مطروحه در سوال، حقیقت و مجاز بود و شک در شمول عبارت نسبت به احتمال مجازی باشد با استناد به اصل حقیقت می‌گوییم متکلم عبارت، معنای حقیقی را مد نظر دارد نه مجازی.

۱۸۵- گزینه ۳ صحیح است. زیرا وقتی احتمال مخفی ماندن قسمتی از کلام گوینده وجود داشته باشد و شنونده احتمال دهد بخشی از کلام گوینده در عبارت نیامده و در تقدیر گرفته شده، می‌گوییم هیچ بخشی از کلام، مخفی نمانده در تقدیر گرفته نشده است. (اصل عدم تقدیر).

۱۸۶- گزینه ۳ صحیح است. زیرا مادر نسبی، معنای حقیقی مادر و مادر رضاعی، معنای مجازی مادر است. حال اگر تردید کنیم که لفظ در معنای حقیقی یا مجازی استعمال شده، بر اساس اصل حقیقت می‌گوییم لفظ مادر در معنای حقیقی (مادر نسبی) بکار گرفته شده است.

۱۸۷- گزینه ۴ صحیح است. لفظ مشتق (همسر) در فرض سؤال، در متلبس به مبدأ اشتقاق در زمان گذشته بکار رفته و مجاز است. اگر لفظ مشتق در متلبس به مبدأ اشتقاق در زمان اتصاف به صفت یا دارا بودن حالت (زمان حال) بکار رود این لفظ حقیقت است و اگر این لفظ در متلبس به مبدأ اشتقاق قبل

۱ و ۳ و ۴، انصراف بدوی را بیان می کند که به سبب کثرت (غلبه) مصادق خاصی در عالم خارج است و این انصراف، مانع اطلاق نیست و لفظ، همچنان در این ۳ گزینه مطلق است.

۲۰۲- گزینه ۲ صحیح است. زیرا شمولیت لفظ (مال) بر انواع و اقسام (منقول و غیر منقول)، اطلاق است.

۲۰۳- گزینه ۴ صحیح است. زیرا این ماده، بیانگر اصل عملی براءت است و از اصل عملی، حکم ظاهری صادر می شود.

۲۰۴- گزینه ۱ صحیح است. حکم واقعی که شارع برای افعال انسان در حالت عادی او وضع کرده است حکم واقعی اولی بوده و حکمی که شارع در حالت عارض شدن عنوان ثانوی بر موضوع، بیان می دارد حکم واقعی ثانوی یا اضطراری است.

۲۰۵- گزینه ۴ صحیح است. گزینه ۱، حکم تکلیفی وجوب یا لزوم و گزینه ۲، حکم تکلیفی حرمت یا ممنوعیت و گزینه ۴، حکم تکلیفی جواز یا اباحه است. گزینه های ۱، ۲ و ۴ همگی حکم واقعی اولیه هستند.

۲۰۶- گزینه ۴ صحیح است. احکامی که ناشی از دلیل اخص یا اماره است حکم واقعی می باشد و در صورتی که عناوین ثانوی بر موضوع عارض نشود حکم واقعی اولی بوده و اگر عنوان ثانوی بر موضوع عارض شود حکم واقعی ثانوی است. حکم واقعی اولی، حکم حالت عادی مکلف است و حکم واقعی ثانوی، حکم حالت استثنایی و خاص مکلف (همراه با عناوین ثانوی: ضرر، عسر و حرج، اکراه، اضطرار، دفاع مشروع، شرط، نذر، عجز، مرض، تقیه، اجبار و ...) می باشد. حکم ظاهری، احکام ناشی از اصول عملیه است البته طبق نظر برخی اصولیین احکام ظاهری، ناشی از اماره هم می باشد. حکم حکومتی، حکمی است که از سوی ولی امر و حاکم جامعه بر طبق مصالح عمومی جامعه و برای تنظیم روابط افراد با یکدیگر و روابط آنها با دولت و حکومت، در زمینه های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی صادر می شود.

۲۰۷- گزینه ۳ صحیح است. در فرض قانونی، قانونگذار بنا به ملاحظات اجتماعی، وجود امری را لازم می داند و بر پایه آن، قاعده ای وضع می کند که ممکن است قاعده یاد شده با واقعیت های اجتماعی هم منطبق نباشد. مواد ۳۰۸ و ۳۱۰ ق.م.م، مثال های فرض قانونی است زیرا این موارد حقیقتاً خارج از مفهوم غصب هستند ولی در حکم غصب دانسته شده اند. در اماره و اصل عملی، اثبات خلاف آن امکان دارد ولی اثبات خلاف فرض قانونی، ممکن نیست.

۲۰۸- گزینه ۱ صحیح است. صل عملی، یک دلیل به معنی عام است اما زمانی سراغ اصل عملی می رویم که دلیل قطعی (دلیل به معنی اخص) و دلیل ظنی (اماره یا ظاهر) وجود نداشته باشد و به تعبیر دیگر اصل عملی (دلیل فقهاتی) زمانی دلیل است که دلیل اجتهادی (دلیل قطعی و دلیل ظنی) نباشد.

۲۰۹- گزینه ۱ صحیح است. زیرا این ماده بیان کننده اماره تصرف است.

۲۱۰- گزینه ۳ صحیح است.

۲۱۱- گزینه ۳ صحیح است.

۲۱۲- گزینه ۳ صحیح است. احکامی که از اماره قانونی یا اماره قضایی به دست می آید حکم واقعی و به تعبیر مرحوم دکتر محمدی، حکم مماثل با حکم واقعی است نه حکم ظاهری. چون وضعیت مذکور در ماده ۱۰۹ ق.م. به حکم قانونگذار، دلیل بر امری قرار داده شده است لذا آن را اماره ی قانونی می گوئیم نه اماره قضایی که اوضاع و احوالی است که در نزد قاضی، دلیل بر امری است.

۲۱۳- گزینه ۲ صحیح است.

۲۱۴- گزینه ۱ صحیح است. رک به صفحه ۲۸ از جلد دوم کتاب اصول فقه کاربردی، نوشته استادان سعید قاضی و حسین شریعتی. هرگاه علم و یقین و آگاهی و قطع، در ماده ای بیان شود و در بخش موضوع ماده بیاید آن را قطع موضوعی می گویند. در برابر آن، قطع طریقی است یعنی قطع و یقینی که در ذهن انسان برای پی بردن به حقیقت حاصل می شود.

۲۱۵- گزینه ۲ صحیح است. اماره تولید کننده و موجب ظن خاص وظن نوعی است در حالی که ظن شخصی وظن مطلق نامعتبر هستند. اماراتی که مفید ظن خاص هستند (مانند خبر واحد و ظواهر قرآن و ...) در اصطلاح اصول فقه به «طرق علمی» معروف هستند زیرا این امارات، هر چند باعث قطع و یقین نیستند اما دلیل قطعی بر اعتبار و حجیت آنها وجود دارد. گاه به این امارات، «علمی» هم گفته می شود.

۲۱۶- گزینه ۱ صحیح است. زیرا از کلمات (مفردات) و تمام عبارات، تنها یک معنا برداشت می شود.

۲۱۷- گزینه ۴ صحیح است. مبین، لفظ یا عبارتی است که معنای آن روشن باشد و ابهامی در آن نباشد. مبین با توجه به درجه ظهور لفظ در معنا به دو قسم تقسیم می شود: نص و ظاهر. نص لفظی است که دلالت آن بر معنا به اندازه ای آشکار و صریح است که غیر از آن معنا، معنای دیگری به ذهن نمی رسد. نام دیگر نص، صریح است. ظاهر لفظی است که ظهور قوی و اطمینان بخش در یک معنا دارد ولی معنای دیگری هم در مورد آن به صورت ضعیف، محتمل است. چنین لفظی باید بر معنای ظاهر و راجح حمل شود مگر در صورت وجود قرینه بر اراده خلاف معنای ظاهر.

۲۱۸- گزینه ۴ صحیح است.

۲۱۹- گزینه ۴ صحیح است. دلالت لفظ بر معنای دو نوع است: (۱) محکم که شامل نص و ظاهر است (۲) متشابه که شامل مؤول و مجمل است.

۲۲۰- گزینه ۳ صحیح است. زیرا لفظ «خلل» در این ماده ابهام دارد و معلوم نیست در مواردی که شخصیت طرف، علت عمده عقد است آیا اشتباه، موجب بطلان عقد است یا سبب عدم نفوذ آن؟ مجمل لفظ یا عبارتی است که معنای آن، ظاهر و روشن نباشد.

پیروان، دیدگاه پیشوا نیز وجود دارد. در این شیوه نیز مخالفت علمای معلوم و مجهول به حجیت آن آسیب می‌زند. ایراد شیوه حس و لطف این است که مربوط به زمان حضور هستند و تذکر در زمان غیبت معصوم ممکن نیست. اما حدس موردقبول فقهاست اما دست‌یابی به چنین اجماعی ممکن نیست چون آرای بسیاری فقها در طول تاریخ نابود شده است

۲۳۲- گزینه ۱ صحیح است. قیاس در احکام شرعی فرعی اعم از تکلیفی و وضعی جریان می‌یابد و البته در سه حکم وضعی (سببیت و شرطیت و مانعیت) استثناً جاری نیست. قیاس در الفاظ و معانی کلمات جاری نیست و برای شناخت معنی الفاظ، باید به عقاید اهل لغت و لغت دانان مراجعه نمود. اجرای قیاس در قوانین کیفری معمولاً با اصل قانونی بودن مجرم و مجازات (مفاد اصل ۳۶ ق.ا. و ماده ۲ ق.م.ا) و قاعده قبح عقاب بلابیان منافات دارد و لذا قیاس در قوانین کیفری ممنوع است.

۲۳۳- گزینه ۲ صحیح است. از جمله شرایط یازده گانه قیاس آن است که حکم شرعی اصل از طریق قیاس، استنباط نشده باشد. شرایط قیاس در کتاب اصول فقه فاضل (صفحات ۱۹۷ و ۱۹۸) بیان شده است.

۲۳۴- گزینه ۲ صحیح است. زیرا علت حکم اصل (علت بطلان معامله محجورین (به واسطه عدم اهلیت)) از سوی قانونگذار تصریح شده است و چنین قیاسی را منصوص العله می‌گویند. قیاس مستنبط العله آنجاست که شخص با اجتهاد و نظر خویش، علت حکم را استنباط کند و بی آنکه در کلام شارع یا قانونگذار بیان شده باشد دست به قیاس بزند. در قیاس اولویت، علت حکم در فرع، قوی تر و بارزتر از اصل باشد و قیاس ادنی، قیاسی است که علت حکم در فرع به صورت ضعیف تر از اصل وجود دارد.

۲۳۵- گزینه ۴ صحیح است. تخصیص قرآن به وسیله آیات قرآن و سنت (خبر متواتر و خبر واحد) امکان پذیر است اما نسخ قرآن به وسیله خبر واحد ممنوع است.

۲۳۶- گزینه ۱ صحیح است. قرآن از جهت سند، قطعی الصدور است اما از جهت دلالت، آیات قرآن کریم، بر سه دسته هستند: ۱- متشابهات که دلالت روشنی بر یک معنا ندارند و دارای اجمال هستند لذا حجیت ندارند. ۲- نصوص قرآنی که دلالت کاملاً صریح و روشن بر یک معنا دارند یعنی قطعی الدلالة اند و قطعاً حجیت دارند. ۳- ظواهر قرآنی که به صورت ظنی بر یک معنا دلالت دارند هر چند معنای دیگری هم به صورت ضعیف محتمل است. ظواهر قرآنی حجیت و اعتبار دارند مگر اینکه قرینه ای بر خلاف آن وجود داشته باشد.

۲۳۷- گزینه ۲ صحیح است. زیرا وقتی اذن به شریکی برای اداره کردن مال مشترک داده شد (اذن در شیء)، این اذن، شامل لوازم و امور ضروری و همراه با اداره کردن مال مشترک هم می‌شود (اذن در لوازم آن است).

۲۳۸- گزینه ۴ صحیح است.

۲۳۹- گزینه ۳ صحیح است. گاهی بین مقدمه و ذی المقدمه، ملازمه عقلی وجود دارد بدین معنا که جدای ذی المقدمه از مقدمه ممکن نیست. چنین مقدمه ای را علت گویند. مثل زوجیت دائم که علت توارث زوجین از یکدیگر است و مانند نیروی محرکه که علت حرکت اشیاء است. اما گاهی جدایی ذی المقدمه از مقدمه ممکن است در این صورت مقدمه را حکمت می‌نامند. با وجود علت حکم شرعی، حکم شرعی تحقق پیدا می‌کند اما با وجود یا عدم وجود حکمت، نمی‌توان پی به وجود یا عدم وجود حکم شرعی و قانونی بُرد. از این رو حکم شرعی و قانونی، منوط به علت و دایره مدار آن است اما منوط به حکمت و دایره مدار آن نیست. انحلال نکاح زن مدخوله، علت حکم وجوب نگهداری عده از سوی زن است و جلوگیری از اختلاط نسل و احترام به نکاح پیشین، حکمت حکم وجوب نگهداری عده از سوی زن است و این حکم منوط به این حکمت نیست.

۲۴۰- گزینه ۲ صحیح است.

۲۴۱- گزینه ۲ صحیح است. اگر میان زن و مردی رابطه زوجیت وجود نداشته باشد و در اثر تلقیح مصنوعی یا هر گونه ارتباط غیر زنا فرزندی از آنان متولد گردد قانون مدنی درباره حکم این طفل ساکت است اما نمی‌توان این کودک را به ولد الزنا قیاس کرد و حکم ولد الزنا را درباره او جاری دانست؛ زیرا ماده ۸۸۴ ق.م. یک حکم استثنایی و برخلاف قاعده است.

۲۴۲- گزینه ۲ صحیح است.

۲۴۳- گزینه ۴ صحیح است. گزینه ۱، مجاز به علاقه مشابَهت است. گزینه ۲ مجاز به علاقه مایکون یا مشارفت است. گزینه ۳ مجاز به علاقه مشابَهت است. (معنی حقیقی ضامن یکی از طرفین در عقد ضمان است.)

۲۴۴- گزینه ۴ صحیح است. لفظ مشتق اگر در متلبس به مبدا در زمان حال (یعنی در حال انصاف به صفت یا دارا بودن حالت) بکار رود حقیقت است اما در زمان های گذشته یا آینده بکار رود مجاز است. استعمال مجازی و استعمال حقیقی هر دو از اقسام استعمال صحیح لفظ هستند و در برابر استعمال غلط قرار می‌گیرند.

۲۴۵- گزینه ۴ صحیح است. زیرا اطلاق «وارث» بر اشخاص مذکور قبل از صدور حکم موت فرضی غایب مفقودالأثر، اطلاق حقیقی نیست و منظور از محکمه هم قاضی محکمه است نه خود محکمه.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

پاسخنامه حقوق تجارت

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر رسول لطفی

۱- گزینه ۲ صحیح است.

۲- گزینه ۲ صحیح است. ایراد گزینه ۱: هر نوع معامله نسبت به مال غیر منقول طبق ماده ۴ ق.ت. به هیچ وجه تجارتي نیست. ایراد گزینه ۳: هر چند طبق بند ۸ ماده ۲ ق.ت. معاملات برواتی از اعمال تجارتي ذاتی هستند اما طبق نظر حقوق دانان معاملات برواتی و معاملات شرکت های سهامی اعمال تجاری حکمی می باشند. در تست ها اگر گزینه ای صحیح تر مبنی بر معامله ذاتی وجود نداشت آن گاه معاملات برواتی را ذاتی تلقی می کنیم اما اگر گزینه ای کامل تر در خصوص اعمال تجاری ذاتی وجود داشت معاملات برواتی را حکمی تلقی می نماییم. ایراد گزینه ۴: طبق بند ۴ ماده ۲ ق.ت. تاسیس و به کار انداختن کارخانه عمل تجاری ذاتی است و صرف تاسیس کارخانه بدون فعالیت عمل تجارتي نیست.

۳- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۳ ق.ت. هر چند که در بند ۱ از ماده ۳ ق.ت. قید " برای حوائج تجاری " بیان نشده اما به عقیده دکتر اسکینی چنین قیدی در این بند نیز باید لحاظ شود. ر.ک به ص ۱۰۹ به بعد از کتاب « کلیات ، معاملات تجاری و سازماندهی فعالیت تجاری » نوشته دکتر ربیعا اسکینی.

۴- گزینه ۱ صحیح است. به استناد اطلاق بند ۹ از ماده ۲ ق.ت.

۵- گزینه ۳ صحیح است. به استناد بند ۲ ماده ۳ ق.ت. کلیه معاملاتی که تاجر با غیرتاجر برای حوائج تجارتي خود انجام می دهد، تجاری تبعی است.

۶- گزینه ۴ صحیح است.

۷- گزینه ۳ صحیح است. به استناد مواد ۱۴ ق.ت و ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ و ۱۲۸۱ ق.م

۸- گزینه ۲ صحیح است. تعارض دو دفتر موجب تساقط دلیلین و رجوع به عمومات ادله اثبات دعوا می باشد.

۹- گزینه ۲ صحیح است.

۱۰- گزینه ۱ صحیح است. به استناد مواد ۳۴۸ و ۳۵۰ ق.ت.

۱۱- گزینه ۴ صحیح است. به استناد مواد ۳۳۹، ۳۴۲ و ۳۴۳ ق.ت

۱۲- گزینه ۱ صحیح است.

۱۳- گزینه ۲ صحیح است. گزینه ۱ غلط است چرا که ضمانت هم در حقوق تجارت و هم در حقوق مدنی عقدی تبعی محسوب می شود. گزینه ۳ غلط است چرا که امکان درج مسئولیت تضامنی عرضی در عقد ضمانت حقوق مدنی نیز وجود دارد. گزینه ۴ نیز غلط است چرا که در انعقاد عقد ضمانت چه در حقوق مدنی و چه در حقوق تجارت صرف رضایت ضامن و مضمون له کافی است و نیازی به رضایت مضمون عنه (بدهکار اصلی) نیست. گزینه ۲ به استناد ماده ۴۱۰ قانون تجارت صحیح می باشد.

۱۴- گزینه ۲ صحیح است. طبق ماده ۳۳۸ ق.ت. اگر دلال اجازه نامه مخصوص نداشته باشد نمی تواند به جای یکی از طرفین معامله ادای این کند و طبق ماده ۲۶۷ ق.م. ایفای دین از جانب غیرمدیون اگر بدون اذن مدیون باشد برای پرداخت کننده حق رجوع نیست.

ماده ۳۳۸ - دلال نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را به موقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.

۱۵- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۳۷۰ ق.ت. به علاوه ید دلال امانی است و زمانی مسئول است که تعدی و تفریط نموده باشد.

۱۶- گزینه ۱ صحیح است. مستند به مواد ۳۶۰ و ۳۶۶ و ۳۶۹ و ۳۷۰ ق.ت.

۱۷- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ۳۶۵ ق.ت. در این مساله، اجرت حق العمل کار، ۵٪ از قیمت فروش بوده و این قیمت، حداقل می توانست مبلغ یکصد و پنجاه میلیون یا بیشتر باشد.

۱۸- گزینه ۲ صحیح است. مستفاد از ماده ۲۸۶ قانون تجارت تعهد متصدی تعهد به نتیجه است اما در قانون مدنی تعهد متصدی تعهد به وسیله است. بنابراین در قانون مدنی در صورت ورود خسارت و اقامه دعوا بار اثبات به عهده صاحب کالا است اما در قانون تجارت بار اثبات بر عهده متصدی است. بنابراین متصدی در صورت تلف یا گم شدن کالا برای اینکه بتواند از مسئولیت معاف شود باید یکی از موارد پنج گانه ذیل را اثبات کند: (حصری است)

اثبات کند که تلف یا گم شدن کالا ناشی از عیب ذاتی جنس خود مال التجاره بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره ناشی از تقصیر ارسال کننده بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره مستند به فعل مرسل الیه بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره ناشی از تعلیمات ارسال کننده یا مرسل الیه بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره ناشی از حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری کند. (قوه قاهره)

۱۹- گزینه ۴ صحیح است. به استناد مواد ۳۸۶ و ۳۸۷ ق.ت + ماده ۲۳۰ ق.م

۲۰- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۳۹۳ ق.ت.

۲۱- گزینه ۲ صحیح است. به استناد مواد ۳۸۲ و ۳۸۳ ق.ت.

۴۴- گزینه ۲ صحیح است. مطابق نص ماده ۸۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت «در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و یا مطالبه‌کنندگان مزایا و عدم تعهد و تأدیه سهام آنها از طرف سایر پذیره‌نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و به این ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد مؤسسين باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع دهند تا مرجع مزبور گواهینامه مذکور در ماده ۱۹ این قانون را صادر کند.»

۴۵- گزینه ۳ صحیح است. مستند به بند ۳ ماده ۷۴ ل.ا.ق.ت انتخاب اولین مدیران، بازرس یا بازرسان در شرکت سهامی عام از وظایف مجمع عمومی موسس می باشد و همچنین مطابق ماده ۷۵ قانون فوق الذکر تصمیمات این مجمع با اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ می شود ولی در شرکت سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست. اما در صورت تشکیل و یا عدم تشکیل این مجمع مطابق بند ۳ ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت انتخاب اولین مدیران، بازرس یا بازرسان منوط به موافقت کلیه ی موسسین است.

۴۶- گزینه ۳ صحیح است. مطابق ماده ی ۳۳ ل.ا.ق.ت

۴۷- گزینه ۱ صحیح است. مطابق مواد ۴۱، ۳۲، ۲۳ و ۲۱ ل.ا.ق.ت.

۴۸- گزینه ۲ صحیح است. زیرا سهام دار مالک سهام است و مالکیتی بر اموال شرکت ندارد تا بتوان آنها را توقیف کرد اما می توان دارایی شخصی او از جمله سهام شرکت را به میزان طلب توقیف نمود.

۴۹- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ۳۴ ل.ا.ق.ت

۵۰- گزینه ۳ صحیح است. مستند به تبصره ماده ۷۵ و ماده ۸۷ ل.ا.ق.ت

۵۱- گزینه ۴ صحیح است.

۵۲- گزینه ۱ صحیح است. نصاب فرض سؤال همان نصاب مجمع عمومی عادی است. پس به موجب ماده ۸۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت، برای رسمیت یافتن اولین مجمع عمومی عادی شرکت های سهامی احراز اکثریت سرمایه یی با حضور دارندگان بیش از نصف سهام دارای حق رای الزامی است.

۵۳- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۹۲ ل.ا.ق.ت

۵۴- گزینه ۴ صحیح است. به استناد مواد ۸۳ و ۱۹۹ ل.ا.ق.ت

۵۵- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۳۷ ل.ا.ق.ت

۵۶- گزینه ۲ صحیح است. طبق تبصره ماده ۱۷ و بند ۴ ماده ۷۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷. هنگام تأسیس شرکت های سهام عام یکی از وظایف مجمع عمومی موسس تعیین روزنامه کثیرالانتشاری است که هر گونه دعوت و اعلامیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین جلسه مجمع عمومی عادی در منشر خواهد شد، است. همچنین طبق ماده ۹۷ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ هر یک از مجامع عمومی سالیانه (مجمع عمومی عادی) بایستی روزنامه کثیرالانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل جلسه مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد را تعیین نمایند. پس من حیث المجموع هم مجمع عمومی موسس و هم مجمع عمومی عادی نسبت به تعیین روزنامه کثیرالانتشار شرکت اقدام می نمایند.

۵۷- گزینه ۳ صحیح است. با توجه به ماده ۱۱۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که اعلام می کند، مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است را داشته باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. البته سهام مذکور با اسم (با نام) است. لذا به هیچ وجه ممکن نیست تمام سهام شرکت سهامی بی نام باشد. ولی ممکن است بخشی بی نام و بخشی با نام باشد. همچنین ممکن است تمام سرمایه با نام باشد. بنابراین پاسخ صحیح گزینه ۳ است. همچنین گزینه ۱ نیز غلط است. چرا که الزامی وجود ندارد که بخشی از سهام با نام و بخشی بی نام باشد بلکه ممکن است تمام سهام با نام باشد.

۵۸- گزینه ۳ صحیح است. به استناد م ۴۲ ل.ا.ق.ت

۵۹- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۹۵ ل.ا.ق.ت

۶۰- گزینه ۱ صحیح است. مستند به مواد ۱۱۰، ۱۰۹، ۹۴ و ۹۲ ل.ا.ق.ت

۶۱- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت. با این توضیح که انتخاب مدیر در شرکت سهامی به استناد ماده مذکور با اکثریت نسبی است اما عزل مدیران با اکثریت مطلق است.

۶۲- گزینه ۳ صحیح است. به استناد م ۴۲ ل.ا.ق.ت

۶۳- گزینه ۴ صحیح است. به استناد مواد ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ ل.ا.ق.ت در صورت تبدیل سهام بی نام به سهام با نام و عدم مراجعه دارنده آن سهام از طریق بورس یا مزایده فروخته می شود و وجه آن پس از ده سال، به عنوان مال بلاصاحب است اما در مورد تبدیل سهام با نام به سهام بی نام شرکت مکلف است سهام تبدیل شده را در صندوق شرکت نگهداری نموده و دارنده می تواند هر زمان برای دریافت آن مراجعه نماید.

۶۴- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۴۳ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت.

- این مسئولیت تضامنی در برابر شرکت وجود ندارد و در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث است که مورد زیان قرار گرفته اند.
- ۹۲- گزینه ۴ صحیح است. با استناد به ماده ۲۷۳ ل.ا.ق.ت. گزینه ۴ صحیح و گزینه های ۲ و ۳ نادرست است. همچنین گزینه ۱ نادرست است چون با لحاظ ماده ۱۱۲ ل.ا.ق.ت. و مقررات موجود، ابطال مصوبه هیئت مدیره شرکت سهامی، جزء موارد از دست رفتن صلاحیت ادامه مدیریت مدیران نمی باشد.
- ۹۳- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به مواد ۲۷۲ و ۲۰۲ ل.ا.ق.ت.
- ۹۴- گزینه ۱ صحیح است. ماده ۲۰۱ ل.ا.ق.ت. در موارد زیر هر ذینفع می تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد. ۱. در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیت های شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد.
۲. در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب های هر یک از سال های مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه تعیین کرده است تشکیل نشده باشد.
۳. در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیات مدیره و همچنین سمت مدیرعامل شرکت طی مدت زائد بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد.
۴. در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۰۰ در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود یا رأی به انحلال شرکت ندهد.
- بند ۱ و ۲ ماده ۱۹۹:
- ۱- وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.
- ۲- در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر اینکه مدت قبل از انقضا تمدید شده باشد.
- ۹۵- گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۱۹ ل.ا.ق.ت. گزینه های ۱ و ۳ مخالف با ماده ۲۱۹ ل.ا.ق.ت. است.
- ۹۶- گزینه ۴ صحیح است. مستند به تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد
- ۹۷- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۲۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد
- ۹۸- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۳۶ قانون شرکت های تعاونی
- ۹۹- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۱۲۰ قانون شرکت های تعاونی
- ۱۰۰- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۳۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد
- ۱۰۱- گزینه ۴ صحیح است. به استناد م ۲۲۵ ل.ا.ق.ت.
- ۱۰۲- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۲۳۱ لایحه اصلاحی ۴۷
- ۱۰۳- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۱۰۰ و ۱۰۱ قانون تجارت «هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان را ندارند.»
- ۱۰۴- گزینه ۱ صحیح است. برابر ماده ۲۱۰ ق.ت. متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم را دارد که شرکای ضامن به او اجازه داده باشند. در مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قاعده مستثنی می باشد.
- ۱۰۵- گزینه ۳ صحیح است. مستند به مواد ۱۴۴ و ۱۴۵ ق.ت.
- ۱۰۶- گزینه ۱ صحیح است.
- ۱۰۷- گزینه ۱ صحیح است. مستند به مواد ۱۱۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵ و ۱۸۹ ق.ت.
- ۱۰۸- گزینه ۳ صحیح است. مستند به مواد ۱۴۱ و ۱۴۶ ق.ت.
- ۱۰۹- گزینه ۳ صحیح است. طبق ماده ۲۰۳ ق.ت.
- ۱۱۰- گزینه ۲ صحیح است. ماده ۱۳۷ ق.ت. علاوه بر شروط گزینه ۲، تقاضای فسخ باید شش ماه قبل کتبا به شرکا اعلام شود.
- ۱۱۱- گزینه ۲ صحیح است. زیرا اگر چه انتقال برات از طریق ظهرنویسی می باشد اما بدون ظهرنویسی برات منتقل شود انتقال طلب صورت گرفته و دارنده ی قبلی با توجه به این که امضا نکرده است مسئولیتی نخواهد داشت و مزایای انتقال اسناد تجاری شامل این انتقال طلب نمی شود.
- ۱۱۲- گزینه ۱ صحیح است. ماده ۲۸۰ ق.ت. امری که می بایست فوراً یا ظرف ۲۴ ساعت صورت گیرد قبولی برات در هنگام رویت است و پرداخت می بایست در روز وعده صورت می گیرد.
- ۱۱۳- گزینه ۴ صحیح است. استناد ماده ۲۵۳ و نیز بند «ج» از ماده ۲ قانون پولی بانکی کشور و ماده ۲۲۳ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۹۸
- ۱۱۴- گزینه ۲ صحیح است. لازم به ذکر است که اسناد تجاری همگی از اسناد عادی هستند و فقط از میان آن ها چک دارای وصف لازم الاجرا می باشد. بنابراین تعرض به اصالت آنها طبق قانون آ.د.م مسموع می باشد.

قانون مذکور در ۲۸/۷/۱۳۸۱ به موجب ماده ۱۰ آیین نامه اصلاحی قانون مزبور مورخ ۹/۱۱/۱۳۸۱ در هر حوزه قضایی اختیارات دادستان که در اجرای قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ۱۳۷۳ به رئیس حوزه قضایی تفویض شده بود مجدداً به دادستان محول گردید.

۱۷۵- گزینه ۲ صحیح است. مطابق ماده ۴۸۳ قانون تجارت «اگر تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی منعقد نمی‌شود.»

۱۷۶- گزینه ۳ صحیح است. براساس ماده ۴۸۵ قانون تجارت «کلیه طلبکارها که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی داشته‌اند می‌توانند راجع به قرارداد اعتراض کنند - اعتراض باید موجه بوده و در ظرف یک هفته از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود والا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته به اولین جلسه محکمه که به عمل ورشکستگی رسیدگی می‌کنند احضار می‌شوند.»

۱۷۷- گزینه ۲ صحیح است. با استناد به ماده ۵۰۰ ق.ت.

۱۷۸- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۵۰۰ ق.ت، معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی‌شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم تمام شود.

۱۷۹- گزینه ۴ صحیح است. ماده ۴۹۴ - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجرا نکرد ممکن است برای فسخ قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوی نمود.

۱۸۰- گزینه ۱ صحیح است. مستند به مواد ۱۶، ۸، ۱۱ و ۲۰ ق.ا.ت.او.

۱۸۱- گزینه ۲ صحیح است. منظور از تخفیفات مقتضیه که در ماده ۴۲۱ ق.ت ذکر شده، این است که برای تقسیم وجوه بین طلبکاران، مطالبات باید تعدیل شود یعنی طلب های معوق افزایش و طلب های مؤجل که با صدور حکم حال می‌شوند کاهش می‌یابند. به عبارتی ساده تر به دیون سابق بیشتر و به دیون مؤجل کمتر پرداخت می‌شود. (کاوایی، کوروش، حقوق ورشکستگی، ص ۱۱۶)

۱۸۲- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۴ ق.ا.ت.او.

۱۸۳- گزینه ۲ صحیح است. به استناد مواد ۵۴۸ و ۵۵۰ قانون تجارت.

۱۸۴- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۵۰۱ قانون تجارت: «در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی دارایی تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده‌اند به غرما تقسیم می‌شود.»

۱۸۵- گزینه ۲ صحیح است. به موجب مواد ۴۵۸ و ۴۵۹ ق.ت. در مورد گزینه ۱ به موجب م ۴۸۶ ق.ت. تصدیق محکمه الزامی است.

۱۸۶- گزینه ۴ صحیح است. به موجب ماده ۲۷ قانون اداره تصفیه «بستانکاران می‌توانند پیشنهادهای راجع به ادامه جریان کار بازرگانی یا حرفه مربوط به متوقف بنمایند، ولی تصمیم با اداره تصفیه است و به طور کلی اداره تصفیه نماینده منافع بستانکاران می‌باشد» * در واقع قانون گذار ادامه جریان کار تاجر ورشکسته را به نظر طلبکاران واگذار نکرده است. بر طبق ماده ۵۰۷ قانون تجارت «اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه دهند می‌توانند برای این امر وکیل یا عامل مخصوصی انتخاب نموده یا به خودمدیر تصفیه این مأموریت را بدهند.» پس برخلاف آنچه در قانون اداره تصفیه مقرر است، تصمیم گیری در مورد ادامه کار تاجر با طلبکاران است، نه با مدیر تصفیه. (دکتر اسکینی، ورشکستگی، جلد ۴، صص ۱۴۸ تا ۱۵۰)

* نکته شایان ذکر در پاسخ به پرسش مورد نظر این است که هرگاه در مورد امری میان قانون تجارت و قانون اداره تصفیه تعارض وجود داشته باشد مدیر تصفیه باید به موجب قانون تجارت عمل کند و اداره تصفیه (مرجع تصفیه) به موجب قانون اداره تصفیه. (دکتر اسکینی، ورشکستگی، جلد ۴، صص ۱۴۱)

۱۸۷- گزینه ۲ صحیح است. به استناد مواد ۴۹۰ و ۵۰۰ ق.ت. نداشتن اثر قهقرایی بدین معنی است که آثار قبلی قرارداد ارفاقی منتفی نمی‌گردند.

۱۸۸- گزینه ۱ صحیح است. ایراد گزینه ۴، این تکلیف متوجه طلبکارانی که خودشان یا وکیل شان در جلسه اول شرکت کرده اند نمی‌باشد.

۱۸۹- گزینه ۴ صحیح است. مستند به مواد ۵۶۱ و ۵۶۵ ق.ت

۱۹۰- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۵۴۹ ق.ت

۱۹۱- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۲۲ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی

۱۹۲- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۴۹۲ ق.ت.

۱۹۳- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۱۳۶ ل.ا.ق.ت

۱۹۴- گزینه ۱ صحیح است. به استناد مواد ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۲۱ ق.ت.

۱۹۵- گزینه ۲ صحیح است. مواد ۵۳۰ و ۳۷۱ ق.ت.

۱۹۶- گزینه ۱ صحیح است. به استناد بند ۳ ماده ۵۴۱ قانون تجارت «تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود: (ورشکستگی به تقصیر اجباری)

۱* در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق العاده بوده است.

۲* در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است.

۳* اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است به کار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد.

۴* اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.»

۱۹۷-گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به مواد ۵۴۹ و ۵۴۲ (بند ۳) ق.ت. گزینه های ۲، ۳ و ۴ بر اساس ماده ۵۴۹ ق.ت، از مصادیق ورشکستگی به تقلب می باشند و گزینه ۱ بر طبق بند ۳ از ماده ۵۴۲ ق.ت از مصادیق مواردی است که ممکن است تاجر، ورشکسته به تقصیر اعلان شود (مورد اختیاری ورشکستگی به تقصیر).

۱۹۸-گزینه ۴ صحیح است. گزینه ۱ با استناد به ماده ۴۲۶ ق.ت و اطلاق آن صحیح است. گزینه ۲ با استناد به ماده ۲۲۳ ق.م و ماده ۴۲۳ (بند ۱) ق.ت صحیح می باشد. گزینه ۳ با لحاظ ماده ۵۵۷ ق.ت صحیح می باشد. با لحاظ اینکه در هیچ یک از مواد ۴۲۳، ۴۲۶ و ۵۵۷ ق.ت معاملات تاجر پس از تاریخ توقف، مطلقاً باطل اعلام نشده و بطلان معامله در این مواد، مقید به حالت خاص و مقید شده لذا گزینه ۴ نادرست بوده و پاسخ سوال می باشد.

۱۹۹-گزینه ۳ صحیح است. مستند به مواد ۴۶۴، ۴۵۹ و ۵۳۷ ق.ت.

۲۰۰-گزینه ۱ صحیح است. مستند به مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ ق.ت.

۲۰۱-گزینه ۳ صحیح است. مستند به مواد ۴۹۰، ۴۸۹ و ۴۸۷ و ۵۰۴ ق.ت.

۲۰۲-گزینه ۱ صحیح است. مستند به مواد ۵۴۶ و ۵۴۸ ق.ت.

۲۰۳-گزینه ۴ صحیح است. مستند به مواد ۴۲۷ و بند ۱ ماده ۵۴۰ ق.ت.

۲۰۴-گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به مواد ۵۴۹ و ۵۴۲ (بند ۳) ق.ت. گزینه های ۲، ۳ و ۴ بر اساس ماده ۵۴۹ ق.ت، از مصادیق ورشکستگی به تقلب می باشند و گزینه ۱ بر طبق بند ۳ از ماده ۵۴۲ ق.ت از مصادیق مواردی است که ممکن است تاجر، ورشکسته به تقصیر اعلان شود (مورد اختیاری ورشکستگی به تقصیر).

۲۰۵-گزینه ۲ صحیح است. با استناد به ماده ۵۴۲ ق.ت.

۲۰۶-گزینه ۲ صحیح است. به موجب ماده ۲۲ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی.

۲۰۷-گزینه ۴ صحیح است. به موجب ماده ۶۳ آئین نامه قانون اداره تصفیه فروش اموال تاجر به هر نحوی چه به صورت عادی چه از طریق مزایده صحیح است.

گزینه ۱ به موجب ماده ۶۳ آیین نامه قانون اداره تصفیه صحیح نمی باشد.

گزینه ۳ با توجه به مواد ۴۶ و ۴۷ قانون اداره تصفیه صحیح نمی باشد، در تصفیه اختصاری تقسیم وجوه حاصل به عمل می آید مانند تصفیه عادی، با این تفاوت که صورت تقسیم برای مراجعه اشخاص ذی نفع در اداره تصفیه گذاشته نمی شود و تقسیم سهام به عمل نمی آید. (دکتر اسکینی، ورشکستگی، ص ۲۲۸)

۲۰۸-گزینه ۳ صحیح است. مستنداً به بند اول ماده ۲ ق.ت که مقرر می دارد: «خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از آنکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد». منظور قانونگذار از تحصیل، تملک مال است به هر طریقی که باشد از جمله عقود و معاملاتی که باعث تملک می شود. عقد قرض نیز از عقود است که باعث تملک می شود و به بیان دیگر یک عقد تملیکی است. عمل فروش مالی که به همین قصد خریداری یا تحصیل شده به تبع تاجر بودن شخص، تجاری محسوب می شود یعنی اگر شخص تاجر باشد عمل فروش، معامله تجاری تبعی محسوب می شود و اگر شخص تاجر نباشد عمل فروش تجاری نیست» (دکتر اسکینی حقوق تجارت، کلیات معاملات تجاری، تاجر و سازماندهی فعالیت تجاری، ص ۷۲ و ۷۳).

۲۰۹-گزینه ۳ صحیح است. معاملات تجار تجاری است، مشروط بر اینکه برای رفع حواجج تجاری باشد خواه با تاجر دیگر معامله کند یا غیر تاجر (دکتر اسکینی حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تاجر و سازماندهی فعالیت تجاری، ص ۱۲۴، ۱۲۵ و ۱۲۶)

۲۱۰-گزینه ۲ صحیح است. مستند به بندهای ۱ و ۱۰ ماده ۲ ق.ت. بدین توضیح که فروش اموال اصولاً عمل تجاری ذاتی محسوب نمی شود اما استثنائاً فروش کشتی عمل تجاری ذاتی است. از آنجایی که سهام در شرکت های سهامی، مال منقول غیر مادی است خرید آن به قصد فروش عمل تجاری ذاتی تلقی نمی شود (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کتاب حقوق تجارت: کلیات، معاملات تجاری، تاجر و سازماندهی فعالیت تجاری، دکتر ربیعا اسکینی). ضمناً هر نوع معامله نسبت به اموال غیر منقول طبق ماده ۴ ق.ت به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شود. صرف تأسیس کارخانه بدون فعالیت، عمل تجاری نیست. (بند ۴ ماده ۲ ق.ت)

۲۱۱-گزینه ۱ صحیح است. مستند به بند ۸ ماده ۲ ق.ت مطلق معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد عمل ذاتاً تجاری است. برخلاف

اعمال حقوقی روی چک و سفته که اگر انجام دهنده آن تاجر بوده و برای امور تجاری یا حوائج تجاری خود انجام داده باشد عمل تجاری تبعی است. ت.

۲۱۲-گزینه ۱ صحیح است. زیرا دلال واسطه انجام معامله است و طرفین معامله را به هم رسانده است و اراده او نقشی در معامله ندارد.

۲۱۳-گزینه ۳ صحیح است. مستنداً به مواد ۱۴ ق.ت و ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰ و ۱۲۸۱ ق.م.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

پاسخنامه

حقوق جزا

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر ابراهیم زارع

۲۴- گزینه ۴ صحیح است. مستند به مواد ۲۵ و ۱۲۷. مجازات معاون در جرایم تعزیری، یک تا دو درجه پایین تر از تعزیر فاعل اصلی جرم است (یعنی حبس تعزیری درجه ۶ یا ۷) که چنین محکومیتی طبق ماده ۲۵، فاقد اثر تبعی است.

۲۵- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۲۵ ق.م.

۲۶- گزینه ۴ صحیح است. اگر چه طبق تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.م.ا، حقوق اجتماعی مندرج در بند الف، ب، پ این ماده بطور دائمی از مجرم سلب می گردد اما باید توجه داشت که کذف از جمله جرایم حدی است که حد آن حق الناس و قابل گذشت می باشد. لذا چنانچه شاکی خصوصی پس از صدور حکم محکومیت قطعی گذشت نماید، محکوم علیه بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۵ ق.م.ا مجازات تبعی و محرومیت از حقوق اجتماعی به طور دائم یا موقت ندارد.

۲۷- گزینه ۱ صحیح است.

۲۸- گزینه ۲ صحیح است. به موجب ماده ۲۴ ق.م.ا، بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت مجازات تکمیلی وی اقدام کند.

ماده ۲۴: چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادر کننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می دهد و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می کند. همچنین بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت مجازات تکمیلی وی اقدام کند.

۲۹- گزینه ۴ صحیح است.

۳۰- گزینه ۴ صحیح است. مطابق ماده ۲۹ - هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می شود که از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نیست و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند.

در فرض سوال حداکثر مجازات قانونی حبس برای جرم مربوطه، ۶ ماه فرض شده است. در نتیجه بازداشت بدل از جزای نقدی در چنین موردی، نهایت همان ۶ ماه است. بازداشت بدل معادل روزانه ۱۰۰ هزار تومان است. محکومین به بازداشت بدل، در صورت ابتلا به جنون، به درمانگاه یا بیمارستان اعزام شده و ایام مربوطه جزء ایام محکومیت محاسبه می شود.

۳۱- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۲۷ ق.م.ا. رأی وحدت رویه شماره ۷۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶

۳۲- گزینه ۲ صحیح است. مستند به اصلاحات مندرج در قانون کاهش حبس های تعزیری. وفق ماده ۳۷ اصلاحی - در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف- تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات های درجه چهار و بالاتر؛

ب- تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛

پ- تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛

ت- تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛

ث- تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین تر؛

تبصره- چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می شود.

۳۳- گزینه ۱ صحیح است. تعدد جرم از یک طرف موجب تشدید مجازات است اما مانع الجمع با تخفیف مجازات نیست.

۳۴- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک ماده ۳۷ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹

۳۵- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۳۹

۳۶- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۳۹ ق.م.ا شرط اولیه اعطای حکم معافیت از کیفر، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی است.

این بنیاد در جرایم قابل گذشت قابل اعمال نیست؛ زیرا در جرایم قابل گذشت در فرض گذشت شاکی، موقوفی حاصل می شود.

همین حکم جاری است در موارد نظام نیمه آزادی و جایگزین های زندان (در برخی موارد)

ولی در خصوص تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم، لزوماً گذشت شاکی ملاک نیست؛ بلکه به جز گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، جبران ضررو زیان ها نیز کافی است.

در خصوص آزادی مشروط، صرف جبران ضررو زیان ها کافی است.

۳۷- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۳۷ اصلاحی:

۶۵- گزینه ۲ صحیح است. ماده ۶۸ و ۷۳ ق.م.ا

۶۶- گزینه ۱ صحیح است. ایراد گزینه «۲» آن است که طبق ماده ۶۶ همان قانون، اصولاً در جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است، دادگاه ملزم به صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است مگر اینکه جرم ارتكابی دارای شرایط خاص مندرج در قسمت دوم ماده مزبور باشد که صدور حکم به مجازات جایگزین حبس برای آن ها ممنوع است.

ایراد گزینه های «۳» و «۴» نیز آن است که وفق فراز دوم ماده ۶۸، در جرایم غیرعمد، صدور حکم به مجازات جایگزین حبس، اجباری و در برخی موارد، اختیاری است؛ همچنان که بدیهی است طبق ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی، در جرایم عمدی با حداکثر مجازات قانونی سه ماه حبس (یا همان نود روز)، صدور حکم به مجازات حبس، الزامی است.

۶۷- گزینه ۳ صحیح است. طبق بند ب ماده ۶۶ ق.م.ا یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه با وجود سایر شرایط قانونی مانع اعمال مجازات جایگزین حبس است در حالی که طبق ماده ۷۵ ق.م.ا تعدد مجازات ها برخلاف تعدد جرایم مانع اعمال مجازات های جایگزین حبس نیست. طبق ماده ۷۲ ق.م.ا در تعدد مادی جرایم عمدی نیز اگر مجازات قانونی یکی از آنها بیش از ۱ سال نباشد، برای صدور حکم مجازات جایگزین منعی وجود ندارد.

۶۸- گزینه ۳ صحیح است. مستند به رای وحدت رویه شماره ۷۴۶

۶۹- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۷۱ ق.م.ا و ماده ۵۰۶ قانون تعزیرات.

تخلیه اطلاعاتی جرم موضوع ماده ۵۰۶ تعزیرات یکی از جرایم غیر عمدی علیه امنیت محسوب می شود و مستند به ماده ۷۱ ق.م.ا، اعمال مجازات های جایگزین حبس در خصوص جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است.

۷۰- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۷۴ ق.م.ا، مقررات جایگزین های حبس با وجود اینکه قانون مساعد محسوب می شود؛ ولی شامل حال احکام قطعیت یافته قبل از تصویب ق.م.ا نمی شود. این موضوع یکی از موارد صراحت قانونگذار در خصوص عطف به ماسبق نشدن قانون مساعد است. (ماده ۱۰)

۷۱- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۱۰۴ اصلاحی ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹

۷۲- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ۹۱ ق.م.ا

۷۳- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۸۸ ق.م.ا و تبصره ۲ همان ماده

۷۴- گزینه ۳ صحیح است. طبق تبصره ماده ۸۸ هر گاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای ت و یا ث ماده مزبور محکوم می شود.

۷۵- گزینه ۲ صحیح است. ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی: دادگاه می تواند در مورد تمام جرائم تعزیری غیرمنصوص ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۲: ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی محکومیت های کیفری اطفال و نوجوانان (زیر ۱۸ سال) فاقد آثار کیفری است.

گزینه ۳: ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.

۷۶- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۹۰ ق.م.ا.

۷۷- گزینه ۴ صحیح است. مستند به مواد ۳۷ و ۹۳ ق.م.ا. تخفیف مجازات بزرگسالان طبق ماده ۳۷ ق.م.ا محدود است. مثلاً در خصوص حبس، درجه ۴ تا ۱، قاضی فقط می تواند به میزان ۱ تا ۳ درجه تقلیل دهد. ولی در خصوص اطفال و نوجوانان دست دادگاه باز است؛ مستند به ماده ۹۳ ق.م.ا دادگاه می تواند مجازات تعزیری را تا نصف حداقل نیز تخفیف دهد و یا اقدام تأمینی و تربیتی را تبدیل کند.

۷۸- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۸۸.

درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتكاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیپ و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید. ۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی ۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک ۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه ۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل های معین

ماده ۱۱۴- در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه میتواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می شود.

ماده ۱۱۶- دیه، قصاص، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی گردد.

۹۲- **گزینه ۳- م ۱۱۷-** چون هنوز توبه موثر در صدور حکم نبوده است. وفق ماده فوق الذکر **در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می گردد،** توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می شود.

۹۳- **گزینه ۱ صحیح است. م ۱۳ ق. آ.د.ک- م ۱۱۵**

۹۴- **گزینه ۳ صحیح است. طبق تبصره ۱ ماده ۱۱۵ ق.م.ا مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می شود، جاری نمی گردد.**

۹۵- **گزینه ۱ صحیح است. طبق ماده ۱۲۰ ق.م.ا**

۹۶- **گزینه ۳ صحیح است. مطابق ماده ۱۲۱ ق.م.ا در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف به وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود.**

۹۷- **گزینه ۱ صحیح است. جرایم ترک فعلی، شروع به جرم ندارند.**

۹۸- **گزینه ۳ صحیح است. گزینه ۱ به این علت صحیح نیست که امکان تحقق شروع به جرم در جرایم غیر عمدی وجود ندارد زیرا در شروع به جرم سیاق عبارت ماده ۱۲۲ «هرکس قصد ارتکاب جرمی کند» و قید انصراف ارادی مذکور در ۱۲۴ ق.م.ا موید آن است که شروع به جرم فقط در جرایم عمدی قابل تحقق است و جرایم غیر عمدی، شروع به جرمشان قابل مجازات نمی باشد. گزینه ۲ به این دلیل صحیح نیست که در جرایم تعزیری به جز حبس تعزیری درجه ۱ تا ۵، شروع به جرم فاقد وصف مجرمانه بوده و قابل مجازات نیست.**

۹۹- **گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.ا که مقرر داشته است: «هر گاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیر ممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.»**

۱۰۰- **گزینه ۲ صحیح است. این رفتار مصداق جرم محال مادی است.**

۱۰۱- **گزینه ۴ صحیح است.**

۱۰۲- **گزینه ۲ صحیح است. نامبرده موفق به دست زدن به عنصر مادی جرم سرقت (در حد وضع ید بر مال مورد نظر) نشده است و نتوانسته بخشی از عنصر مادی جرم را انجام دهد. با توجه به اینکه در حقوق ایران ملاک تشخیص شروع به جرم، ملاک عینی است، لذا رفتار موضوع سوال نمی تواند شروع به سرقت باشد. رفتار صورت گرفته فی نفسه دارای عنوان مجرمانه تخریب است.**

۱۰۳- **گزینه ۳ صحیح است. تحقق عنوان شروع به جرم، مستلزم احراز قصد اصلی دایر بر ارتکاب جرم و نرسیدن به مقصد مجرمانه (بدلیل عامل خارج از اراده) است و قصد تبعی نمی تواند به تنهایی کافی برای تحقق شروع به جرم باشد.**

۱۰۴- **گزینه ۲ صحیح است. شروع به جرم در این فرض، موجب حبس تعزیری درجه ۵ است و کیفر معاونت در آن، یک یا دو درجه کمتر از تعزیر فاعل اصلی است. مواد ۱۲۲ و ۱۲۷**

۱۰۵- **گزینه ۲ صحیح است.**

۱۰۶- **گزینه ۳ صحیح است.**

۱۰۷- **گزینه ۲ صحیح است. استدلال دایر بر فقدان قصد مشترک همراه با تقدم یا اقتران زمانی نیز، مفید است.**

۱۰۸- **گزینه ۴ صحیح است. ماده ۴۷ ق.م.ا**

۱۰۹- **گزینه ۴ صحیح است. طبق بند «الف» ماده ۱۲۶ تحریک به ارتکاب جرم یکی از مصادیق فعل معاونت محسوب می شود و طبق ماده ۱۲۸ هر کس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی (پسر ۱۴ ساله) معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می شود.**

۱۱۰- **گزینه ۱ صحیح است.**

۱۱۱- **گزینه ۱ صحیح است.**

۱۶۲- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۲۶۸. سرقت احد شرکا از مال مشاع، اگر مازاد بر سهم او به حد نصاب (یعنی ۴ و نیم نخود طلای مسکوک) می تواند مشمول عنوان حد باشد.

۱۶۳- گزینه ۲ صحیح است. اگر مرتکب مال را به وسیله صغیر غیرممیز، مجنون، حیوان یا شیء بی اراده ای از حرز خارج کند، خود او مباشر محسوب شده و در نتیجه مستحق حد است؛ اگر نامبرده مال را به وسیله صغیر ممیز از حرز خارج کند، رفتار او حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری است. (ماده ۲۷۲ ق.م.ا)

۱۶۴- گزینه ۱ صحیح است.

۱۶۵- گزینه ۳ صحیح است. هر چند به موجب ماده ۲۶۲ ق.م.ا هر کس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و یا هر یک از انبیا عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند سبب النبی است و به اعدام محکوم می شود، اما باید توجه داشت:

اولا به موجب ماده ۲۶۳ ق.م.ا هرگاه متهم به سب، ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است سبب النبی محسوب نمی شود.

ثانیا به موجب تبصره ماده مزبور هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است.

۱۶۶- گزینه ۱ صحیح است. به موجب ماده ۲۸۶ ق.م.ا هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سیمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا و حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

پس اولاً عمل شخص الف که به طور گسترده مرتکب تخریب اموال شده و همچنین منجر به یکی از نتایج گفته شده در ماده شده و همچنین قصد نتیجه داشته مفسد فی الارض محسوب و مجازاتش اعدام است. ثانیاً شخص تحریک کننده نیز مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می شود.

۱۶۷- گزینه ۲ صحیح است. به موجب ماده ۲۵۲ قانون مجازات اسلامی: " کسی که به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری الفاظی غیر از زنا یا لواط به کار برد که صریح در انتساب زنا یا لواط به افرادی از قبیل همسر، پدر، مادر، خواهر یا برادر مخاطب باشد، نسبت به کسی که زنا یا لواط را به او نسبت داده است، محکوم به حد قذف و درباره مخاطب اگر به علت این انتساب اذیت شده باشد، به مجازات توهین محکوم می گردد."

۱۶۸- گزینه ۳ صحیح است. به موجب تبصره ۱ ماده ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی: « هرگاه قذف شونده نابالغ، مجنون و یا غیر مسلمان یا غیر معین باشد قذف کننده به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می شود. لکن قذف متظاهر به زنا یا لواط، مجازات ندارد.». پدر نیز بابت قذف فرزند، فقط تعزیر میشود.

۱۶۹- گزینه ۴ صحیح است. اولاً به موجب تبصره ۱ ماده ۲۴۱ ق.م.ا حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است در غیر این صورت عامل، مستوجب تعزیر مقرر در ماده (۲۴۴) این قانون است. مجازات مقرر در ماده ۲۴۴ سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش است.

۱۷۰- گزینه ۲ صحیح است. اکراه کننده در عمل، مسبب قتل محسوب میشود. همچنین بدلیل علم او به مجازات قانونی زنا یا لواط به عنف (یعنی اعدام) عنصر روانی جهت تحقق جنایت عمد محرز است. در فرض سوال دادگاه بر مبنای اقرار موجود در پرونده رای را صادر کرده و نمی توان تقصیر مرجع قضایی را سبب کافی و موثر دانست.

۱۷۱- گزینه ۴ صحیح است. «ب» با قصد جنایت و انجام رفتار نوعاً کشنده، مرتکب قتل عمد محسوب شده و «الف» که فاقد قصد مجرمانه و بدون علم طناب را نصب کرده مسئولیتی ندارد.

۱۷۲- گزینه ۳ صحیح است. تبصره ۱ ماده ۲۹۰ در بند (ب) عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی شود.

۱۷۳- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی کتاب قصاص. هرگاه شخصی با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی حیوان است جنایتی به مجنی علیه وارد کند و سپس خلاف آن معلوم گردد جنایت شبه عمدی محسوب می شود.

۱۷۴- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۲۹۲. این حالت مصداق خطای در نشانه روی است (اصولاً خطای محض) و نباید آنرا با اشتباه در موضوع (مصداق سوالات بالا) اشتباه نمود.

۱۷۵- گزینه ۲ صحیح است.

۱۷۶- گزینه ۳ صحیح است. این گذشت موجب زوال حق قصاص و دیه به تبع آن می شود.

۲۰۵- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۴۸۳ ق.م.ا

۲۰۶- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۵۵۳ ق.م.ا: «وارث دیه شخص متولد از زنا در صورتی که فرزند و همسر نداشته باشد و زنا از هر دو طرف با رضایت صورت گرفته باشد، مقام رهبری است و چنانچه یکی از طرفین شبهه داشته یا اکراه شده باشد، همان طرف یا اقوام او، وارث دیه می باشند».

۲۰۷- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۳۵۷ ق.م.ا. اگر مرتکب یا شریک در جنایت عمدی، از ورثه باشد، ولی دم به شمار نمی آید و حق قصاص و دیه ندارد و حق قصاص را نیز به ارث نمی برد.

۲۰۸- گزینه ۳ صحیح است. قتل مانع ارث است. وفق ماده ۸۸۰ قانون مدنی «کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث ممنوع است؛ اعم از قتل بالمباشرة و بالتسبیب». این ممنوعیت معطوف است به ارث از دیه و ارث از ماترک؛

شرکا و مباشرین در قتل عمدی مورث، ممنوع از ارث (به طور کلی) هستند. معاون قتل عمد محروم از ارث نیست.

هرگاه قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع مشروع باشد محرومیت از ارث ایجاد نمی شود.

توضیح نهایی اینکه قتل غیر عمد (اعم از شبه عمد و خطای محض) فقط مانع ارث از دیه می شود ولی مانع ارث از ماترک نیست.

۲۰۹- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۴۷۴ ق.م.ا. در موارد جنایات شبه عمد اگر به دلیل فوت یا فرار، دسترسی به مرتکب غیرممکن باشد، به هیچ عنوان عاقله مسئول نخواهد شد؛ زیرا مسئولیت عاقله امری استثنایی است و باید در موضع نص تفسیر شود. همچنین در جنایات خطای محض که پرداخت دیه آن بر عهده مرتکب باشد (مثلاً با اقرار مرتکب اثبات شده یا کمتر از موضعه باشد) باز هم عاقله در فرض سوال، مسئول نخواهد شد.

۲۱۰- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۴۶۸ ق.م.ا.

عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است. همه کسانی که در زمان فوت می توانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می باشند.

۲۱۱- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۴۶۳ ق.م.ا. در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده عاقله است و اگر با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد بر عهده خود او است.

۲۱۲- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۵۵۶ ق.م.ا.

۲۱۳- گزینه ۱ صحیح است. میزان تأثیر رفتار در شرکت در جنایت در اجتماع سبب و مباشر است.

۲۱۴- گزینه ۴ صحیح است. مستند به مواد ۵۳۵ و ۵۳۷ ق.م.ا.

هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می شود.

در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصراً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد ضامن ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست.

۲۱۵- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۵۲۸ ق.م.ا: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسوول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان مسوول یک سوم دیه راننده های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است».

۲۱۶- گزینه ۲ صحیح است. مستند به بند «ح» ماده ۷۰۹ ق.م.ا.

۲۱۷- گزینه ۴ صحیح است. تغلیظ دیه اعم است از جنایت بر نفس علیه صغیر و کبیر، مسلم و غیرمسلم، عاقل و مجنون. سایر گزینه ها صحیح هستند.

همچنین مستند به رای وحدت رویه دیوان عالی کشور شماره ۷۷۷- مورخ ۹۸/۲/۳۱

به موجب این رأی نظر به ماده ۲۸۹ ق.م.ا در خصوص نحوه تقسیم بندی جنایات علیه نفس یا عضو یا منفعت و عمومیت مقررات تبصره ذیل ماده ۵۵۱ این قانون، نظر به اینکه مکلف شدن صندوق تأمین خسارت های بدنی به پرداخت معادل تفاوت دیه اناث (بانوان) تا سقف دیه ذکور (مردان) امتنانی است لذا در کلیه جنایات علیه زنان- اعم از نفس یا اعضا و منافع-مابتفاوت دیه مذکور باید از صندوق مزبور پرداخت شود.

همچنین مستند به رای وحدت رویه شماره ۷۹۰ مورخ ۱۰ تیر ۱۳۹۹ طبق این رای در موارد جنایت بر نفس و مادون نفس، اگر هویت مرتکب شناخته نشود، دیه را بیت المال پرداخت میکند..

۲۱۸- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ۳۰۶ کتاب قصاص و ۶۲۲ تعزیرات. قصاص در این فرض یا به جهت جنایت بر مادر میتواند باشد یا اینکه جنین زنده و در شرایطی که قابلیت ادامه حیات داشته به دنیا آمده؛ ولی به سبب آسیب قبلی فوت کند که در این صورت قصاص قابل تحقق است.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

پاسخنامه

آیین دادرسی کیفری

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر حمیدرضا زارعی

۶۶- گزینه ۲ صحیح است. مطابق با ماده ۱۷۴ ق.ا.د.ک هرگاه ابلاغ احضاریه به لحاظ معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و اقدامات برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسد و ابلاغ نیز به طریق دیگر میسر نگردد، متهم از طریق انتشار یک نوبت آگهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار ملی یا محلی و با ذکر عنوان اتهام و مهلت یک ماه از تاریخ نشر آگهی، احضار می شود.

۶۷- گزینه ۲ صحیح است. شرح: مطابق با ماده ۶۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸): احضار متهمان نظامی و متهمان وزارت اطلاعات از طریق فرمانده یا مسئول مافوق انجام می گیرد، اما در موارد ضروری یا در صورتی که به متهم در یگان مربوطه دسترسی نباشد، احضار از محل اقامت صورت می گیرد و مراتب به اطلاع فرمانده یا مسئول مافوق می رسد. بعلاوه، مطابق با تبصره ۲ این ماده (الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸): ابلاغ احضاریه متوسط مأموران ابلاغ در محل اقامت، بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می شود.

۶۸- گزینه ۲ صحیح است. ماده ۱۸۹

۶۹- گزینه ۴ صحیح است. مطابق ماده ۲۱۳ ق.ا.د.ک تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده از قبیل شاهد یا مطلع ممنوع است و چنانچه این شخص پس از تحقیق در مظان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و به عنوان متهم برای وقت دیگر احضار شود و در نتیجه نمی توان قرار تأمین در مورد شاهد یا مطلعی راکه قرار است به عنوان متهم احضار شود، صادر کرد.

۷۰- گزینه ۴ صحیح است. به موجب ماده ۲۰۳ ق.ا.د.ک. بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید.

۷۱- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۱۹۸

۷۲- گزینه ۱ صحیح است. به استناد مواد ۲۱۷، ۲۴۷ و تبصره ۱ ماده ۲۴۷ قانون آ.د.ک. در صورتی که بازپرس در بدو شروع به تحقیق عقیده بر عدم لزوم تعقیب و ی تحقیق (به جهات قانونی) داشته باشد لازم نیست اخذ تأمین کند. در واقع تکلیف بازپرس به اخذ تأمین مشروط است به اینکه از دیدگاه وی متهم قابل تعقیب و تحقیق باشد. در این فرض بعد از تفهیم اتهام بازپرس مکلف است یکی از قرارهای تأمین را صادر کند.

۷۳- گزینه ۳ صحیح است. به استناد مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون آ.د.ک. جزای نقدی فقط در صورتی از محل تأمین برداشت می شود که تأمین مربوطه را شخص متهم تودیع کرده باشد.

۷۴- گزینه ۳ صحیح است. به موجب ماده ۲۵۴ در فرض تخلف متهم از دستور نظارت قضایی، این دستور باید لغو شود و در صورتی که توأم با قرار تأمین باشد، تأمین تشدید می یابد و اگر نظارت قضایی به صورت مستقل باشد، تبدیل به یک تأمین می شود.

همچنین به موجب تبصره همین ماده در اجرای این مقررات نمی توان بازداشت موقت تعیین کرد؛

فلذا مقام قضایی مکلف است که با اجازه حاصل از ماده ۲۴۳ و تبصره آن فقط مبلغ وثیقه را افزایش دهد. به موجب این تبصره «تخفیف یا تشدید تأمین عبارت است از تبدیل تأمین یا تغییر مبلغ آن».

۷۵- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۲۴۲، تبصره یک همین ماده و ماده ۲۲۶ قانون آ.د.ک. بازداشت ناشی از عدم معرفی کفیل و یا وثیقه گذار نیز قابل اعتراض است.

۷۶- گزینه ۴ صحیح است به موجب ماده ۲۴۲ ق.ا.د.ک

۷۷- گزینه ۳ صحیح است. به موجب ماده ۲۴۴ ق.ا.د.ک

۷۸- گزینه ۴ صحیح است. ماده ۲۱۷ ق.ا.د.ک.

۷۹- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۲۳۵ ق.ا.د.ک. و تبصره ۲ آن

۸۰- گزینه ۴ صحیح است. ماده ۶۹۰

۸۱- گزینه ۱ صحیح است. مطابق با ماده ۲۳۲ ق.ا.د.ک: دیه با رعایت مقررات مربوط و ضرر و زیان محکوم اله، در صورتی که مبلغ وثیقه یا وجه الكفاله کسر می شود که امکان وصول آن از بیمه میسر نباشد و محکوم علیه حاضر نشود و وثیقه گذار یا کفیل هم، وی را طبق مقررات حاضر ننموده و عذر موجهی هم نداشته باشد. از طرف دیگر، مطابق با ماده ۲۳۳ این قانون: چنانچه قرار تأمین صادر شده، متضمن تأدیه وجه التزام باشد یا متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، در صورت عدم حضور محکوم علیه و عدم امکان وصول آن از بیمه، علاوه بر اخذ دیه و ضرر و زیان محکوم له از محل تأمین، جزای نقدی نیز در صورت محکومیت وصول می شود و در مورد قرار وثیقه، در صورت حضور و عجز از پرداخت، محکومیت های فوق، با لحاظ مستثنیات دین از محل تأمین اخذ می شود. بنابراین، امکان کسر جزای نقدی از وجه الكفاله یا وثیقه ای که شخص ثالث تودیع نموده است، در هیچ صورت امکان پذیر نیست.

۸۲- گزینه ۲ صحیح است. مطابق ماده ۲۳۰ ق.ا.د.ک: متهمی که برای او قرار تأمین صادر و خود ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است، در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می شود. چنانچه متهم، کفیل معرفی کرده یا شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود که ظرف یک ماه متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان، حسب مورد، وجه

سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود، بهره مند می گردد.»

۱۲۲- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۳۰۸ و ۳۰۱ ق.آ.د.ک

۱۲۳- گزینه ۲ صحیح است. مطابق با تبصره ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک: هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یا یکی از آنان جز مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه های کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می شود. از طرف دیگر، جرم قتل عمدی به جهت آنکه مجازات اصلی آن از مجازات های سالب حیات است مطابق با ماده ۳۰۲ این قانون، در صلاحیت دادگاه کیفری یک است.

۱۲۴- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک «هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جز مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه های کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می شود و چنانچه افراد مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می شود.»

۱۲۵- گزینه ۳ صحیح است.

۱۲۶- گزینه ۴ صحیح است. به موجب تبصره ماده ۳۱۳ ق.آ.د.ک: «در جرایمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است. در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرایم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است.»

۱۲۷- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک ماده ۳۱۷ ق.آ.د.ک همچنین ر.ک ردی وحدت رویه شماره ۷۲۵ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲ که به موجب آن حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه کیفری ۱ و ۲ در یک استان با دادگاه تجدیدنظر همان استان است.

۱۲۸- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۳۱۶

۱۲۹- گزینه ۴ صحیح است.

۱۳۰- گزینه ۱ صحیح است. به موجب ماده ۵۹۷ ق.آ.د.ک

۱۳۱- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۴۱۵ ق.آ.د.ک. در خصوص جرایم اطفال و نوجوانان اگر جرم ارتكابی موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد، یا موجب دیه و ارش بیش از خمس دیه کامل و در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۶ لازم است که ولی یا سرپرست نسبت به تعیین وکیل اقدام کند؛ در غیر اینصورت یا در حالتی که وکیل تعیینی بدون عذر موجه در مرجع قضائی حاضر نشود، وکیل تسخیری تعیین می شود (توسط دادگاه و یا دادرسرا). در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، می تواند شخصا از متهم دفاع کند یا وکیل تعیین نماید. نوجوان هم می تواند از خود دفاع کند.

۱۳۲- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۳۴۷ ق.آ.د.ک. وکیل معاضدتی در دادگاه نه دادرسرا برای متهم یا بزه دیده ای که توانایی مالی انتخاب وکیل ندارد، تعیین می گردد. در خصوص متهم لازم است که تقاضای خود را تا پایان جلسه اول دادرسی تقدیم دادگاه کند.

۱۳۳- گزینه ۳ صحیح است. م ۳۳۹

۱۳۴- گزینه ۲ صحیح است. م ۳۶۵

۱۳۵- گزینه ۴ صحیح است. مطابق با ماده ۳۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری: هرگاه در پرونده ای، متهمان متعدد باشند و یا متهم اصلی، شریک و معاون داشته باشد، حتی اگر به یک یا چند نفر از آنان دسترسی نباشد، دادگاه مکلف به رسیدگی و صدور رأی است، مگر اینکه رسیدگی غیابی جایز نباشد و یا نسبت به برخی از متهمان به هر دلیل نتوان رأی صادر کرد. در این صورت، دادگاه پرونده را نسبت به این متهمان مفتوح نگه می دارد.

۱۳۶- گزینه ۲ صحیح است. به موجب ماده ۴۰۶ و تبصره ۳ ماده ۴۰۶ ق.آ.د.ک

۱۳۷- گزینه ۱ صحیح است. به موجب ماده ۴۱۸ ق.آ.د.ک

۱۳۸- گزینه ۴ صحیح است. به موجب ماده ۴۱۹ ق.آ.د.ک

۱۳۹- گزینه ۱ صحیح است.

۱۴۰- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک ۹۲ چنانچه مقام قضایی خود صلاحیت اظهار عقیده در پرونده رانداشته باشد اساسا در خصوص پرونده ولو در حد صلاحیت موضوع پرونده حق ابراز عقیده ندارد.

۱۴۱- گزینه ۴ صحیح است. مطابق با ماده ۶۹۲ ق.آ.د.ک (الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸) در صورت انحلال غیرارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا صادر می شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است. در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می شود.

۱۴۲- گزینه ۲ صحیح است.

۱۴۳- گزینه ۲ صحیح است. مطابق با تبصره ماده ۳۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری: در دادگاه بخش، رئیس یا دادرسی علی البدل در جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه رأسا رسیدگی و رأی صادر می کند. در این دادگاه وظیفه دادستان از حیث تجدیدنظرخواهی از آراء بر عهده رئیس دادگاه است و در مورد آرای که توسط وی صادر می شود برعهده دادرسی علی البدل است. همچنین، مطابق با ماده ۲۴ این قانون: در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان برعهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی برعهده دادرسی علی البدل دادگاه است

۱۴۴- گزینه ۱ صحیح است. مطابق با ماده ۲۷۴ ق.ا.د.ک در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادرسی کامل نباشد، بدون نقض قرار می تواند تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. از طرف دیگر مطابق با ماده ۲۷۵ این قانون، هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده شود، دادرسی مربوط به انجام تحقیقات مورد نظر دادگاه، بدون صدور قرار مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می کند و اگر در تحقیقات مورد نظر دادگاه ابهامی بیابد، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می کند

۱۴۵- گزینه ۱ صحیح است.

۱۴۶- گزینه ۱ صحیح است. مطابق با ماده ۶۲۹ ق.ا.د.ک (الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸) هرگاه پس از صدور کیفرخواست معلوم شود که متهم مرتکب جرم دیگری از همان نوع شده است، دادگاه می تواند به جرم مزبور نیز رسیدگی کند یا پرونده را جهت تکمیل تحقیقات به دادسرا ارسال نماید.

۱۴۷- گزینه ۴ صحیح است. به موجب ذیل ماده ۳۹۰ ق.ا.د.ک در صورت نقض این قرار پرونده برای طرح مجدد در جلسه مقدماتی و انجام سایر وظایف به دادگاه کیفری یک اعاده شود.

۱۴۸- گزینه ۲ صحیح است. رک بند الف ماده ۳۸۹ ق.ا.د.ک: در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می کند و پرونده را نزد دادسرای صادر کننده کیفرخواست می فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند.

۱۴۹- گزینه ۳ صحیح است. رک ب ماده ۴۱۷ ق.ا.د.ک ۹۲. آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان علاوه بر شاکی، متهم و محکوم علیه، به ولی یا سرپرست قانونی متهم و محکوم علیه و در صورت داشتن وکیل به وکیل ایشان نیز ابلاغ می شود.

۱۵۰- گزینه ۲ صحیح است. باید توجه نمود که مطابق با ماده ۳۵۳ ق.ا.د.ک در صورتی محاکمات دادگاه در جرایم قابل گذشت به صورت غیر علنی برگزار می گردد که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. بعلاوه مطابق با ادامه ماده فوق الذکر، دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکمه را در موارد زیر صادر می کند: الف- امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است. ب- علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد و نه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی.

۱۵۱- گزینه ۴ صحیح است. به موجب ماده ۳۵۴ ق.ا.د.ک.

۱۵۲- گزینه ۴ صحیح است. مطابق با ماده ۶۲۶ ق.ا.د.ک (الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸) وکلای دارای تابعیت خارجی نمی توانند برای دفاع در دادگاه نظامی حاضر شوند، مگر اینکه در تعهدات بین المللی به این موضوع تصریح شده باشد.

۱۵۳- گزینه ۲ صحیح است. مطابق با ماده ۴۲۵ ق.ا.د.ک.

۱۵۴- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۴۵۲ ق.ا.د.ک. اگر دادگاه تجدیدنظر استان انجام اقداماتی را در شهرستان مرکز استان خود لازم بداند خود دادگاه تجدیدنظر استان میتواند تحقیقات لازم را انجام دهد (توسط رئیس دادگاه یا توسط یکی از مستشاران به تعیین رئیس شعبه). اگر انجام تحقیقات مربوط به شهرستانی در همان استان باشد (غیر مرکز استان) در این صورت انجام تحقیقات از دادگاه نخستین آن محل درخواست می شود (دارای جنبه دستوری است). ولی اگر انجام تحقیقات مربوط به شهرستانی در استان دیگر باشد در این صورت لازم است نیابت قضائی داده شود که به دادگاه نخستین آن محل اعطا می شود.

۱۵۵- گزینه ۳ صحیح است. مستند به تبصره ۲ ماده ۴۲۷ و تبصره ماده ۸۰ ق.ا.د.ک. قرار تعلیق اجرای مجازات فی نفسه قابل تجدیدنظر نیست. قرار رد درخواست وخواهی و رد درخواست تجدیدنظر در صورتی قابل تجدیدنظر هستند که رای راجع به اصل دعوی قابل تجدیدنظرخواهی باشد

۱۵۶- گزینه ۱ صحیح است. ماده ۴۳۶

۱۵۷- گزینه ۴ صحیح است. ماده ۴۵۰

۱۵۸- گزینه ۱ صحیح است. ماده ۴۵۰

۱۵۹- گزینه ۲ صحیح است. ماده ۴۵۰

۱۶۰- گزینه ۳ صحیح است. تبصره ۱ ماده ۴۲۷: "در مورد مجازات های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدیدنظر، همان مجازات قانونی اولیه است."

۱۶۱- گزینه ۴ صحیح است. ماده ۴۳۰ ق.ا.د.ک

۱۶۲- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۴۳۰ ق.ا.د.ک در صورتی که طرفین با توافق کتبی حق اعتراض خود را ساقط کرده باشند، تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی آنان مسموع نیست (قرار عدم استماع). اما در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رای، در هر حال اعتراض مسموع است.

۲۷۹- گزینه ۲ صحیح است. تبصره ماده ۲۲۱ ق.ا.د.ک: پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با رعایت مقررات این ماده بلامانع است. منظور از مقررات ماده مذکور، شرط ملائت کفیل است.

۲۸۰- گزینه ۲ صحیح است.

۲۸۱- گزینه ۲ صحیح است. مطابق با ماده ۲۴۲ ق.ا.د.ک هرگاه در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا دو ماه و در سایر جرائم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. بعلاوه، مطابق با تبصره ۱ این ماده: نصاب حداکثر مدت بازداشت، شامل مجموع قرارهای صادره در دادسرا و دادگاه است و سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم را نیز شامل می شود.

۲۸۲- گزینه ۱ صحیح است. مطابق با ماده ۲۴۲ ق.ا.د.ک ایضا قرار تأمین چه بازداشت و چه منتهی به بازداشت، نیازمند موافقت دادستان است. همچنین فک یا تخفیف قرار بازداشت موقت نیز به موافقت دادستان برسد اما فک یا تخفیف سایر قرارهای تأمین منتهی به بازداشت نیازمند موافقت دادستان نیست.

۲۸۳- گزینه ۴ صحیح است به موجب ماده ۲۴۰ ق.ا.د.ک

۲۸۴- گزینه ۲ صحیح است. مطابق با ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری: قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را به طور کتبی به بازپرس اعلام کند. هرگاه دادستان با قرار بازداشت متهم موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح است و متهم با صدور رأی دادگاه در این مورد که حداکثر از ده روز تجاوز نمی کند، بازداشت می شود.

۲۸۵- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به مواد ۲۴۰ و ۲۴۱ ق.ا.د.ک لازم به ذکر است که دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را در خصوص قرار بازداشت متهم به طور کتبی به بازپرس اعلام کند.

همچنین اگر متهم موجبات بازداشت خود را مرتفع بدهد می تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند بازپرس به طور فوری و ظرف پنج روز به طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهار نظر می کند. نکته: رفع بازداشت از متهم نیاز به موافقت دادستان دارد.

۲۸۶- گزینه ۴ صحیح است دادگاه صالح به اصل جرم مرجع اعتراض نیست

۲۸۷- گزینه ۴ صحیح است. به موجب ذیل ماده ۲۴۶ ق.ا.د.ک چنانچه تصمیم دادگاه منتهی به صدور قرار بازداشت موقت شود این قرار طبق مقررات این قانون قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان است (حتی اگر این قرار توسط دادگاه کیفری یک صادر گردد).

۲۸۸- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۲۴۶ ق.ا.د.ک «در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده و از متهم قبلاً تأمین اخذ نشده یا تأمین قبلی منتهی شد، دادگاه، خود یا به تقاضای دادستان و با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین یا نظارت قضائی صادر می کند. چنانچه تصمیم دادگاه منتهی به صدور قرار بازداشت موقت شود، این قرار، طبق مقررات این قانون، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان است.» همچنین ر.ک ماده ۴۳۱ از همین قانون در خصوص مهلت اعتراض به آرا دادگاه ها (حسب مورد ۲۰ روز و ۲ ماه).

۲۸۹- گزینه ۲ صحیح است. به موجب ماده ۲۴۲ ق.ا.د.ک: هرگاه در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا دو ماه و در سایر جرایم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این ماده، حسب مورد، هر دو ماه یا هر یک ماه اعمال می شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرایم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرایم از یک سال تجاوز نمی کند.

۲۹۰- گزینه ۲ صحیح است. به موجب ذیل ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری در صورت ضرورت، اخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای پانزده سال امکان پذیر است. در صورت عجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه و یا در مورد جرایم پیش بینی شده در ماده (۲۳۷) این قانون، دادسرا یا دادگاه می تواند با رعایت ماده (۲۳۸) این قانون، قرار نگهداری موقت آنان را در کانون اصلاح و تربیت صادر کند.

۲۹۱- گزینه ۲ صحیح است. ماده ۲۴۶ و تبصره ۲۸۷ ق.ا.د.ک ۹۲ لازم به ذکر است که قرار نگهداری موقت تابع احکام قرار بازداشت موقت است.

۲۹۲- گزینه ۳ صحیح است.

۲۹۳- گزینه ۲ صحیح است. مطابق با تبصره ۲ ماده ۲۴۷ ق.ا.د.ک قرارهای نظارت قضایی ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده روز، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می باشد.

۲۹۴- گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۲۴۷ ق.ا.د.ک لازم به ذکر است به موجب تبصره دو این ماده قرارهای موضوع این ماده ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است (ماده ۲۷۱) و چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض در دادگاه، تجدیدنظر استان می باشد.

۲۹۵- گزینه ۱ صحیح است. ماده ۲۵۳

۲۹۶- گزینه ۱ صحیح است. ماده ۲۵۴

۳۴۱- گزینه ۲ صحیح است به موجب ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک.

۳۴۲- گزینه ۲ صحیح است. اگر دادگاه بخش وظیفه محاکمه را داشته باشد، تابع مقررات حاکم بر دادگاه هاست؛ مثلاً بازداشت صادره نیاز به موافقت مافوق ندارد. هرچند که این بازداشت قابل تجدیدنظر است.

ولی اگر دادگاه بخش در مقام جانشینی بازپرس عهده دار انجام وظیفه باشد، لازم است که تمام مقررات حاکم بر دادسرا از جمله موافقت مافوق (دادستان شهرستان) اخذ شود. صورت سوال اشاره به حالت اول دارد. پس موافقت مافوق لازم نیست؛ زیرا در دادگاه ها قرار بازداشت موقت مستلزم موافقت مافوق نیست. (مستفاد از ماده ۲۴۶)

۳۴۳- گزینه ۳ صحیح است. مستند به بند ۳ ماده ۴۶۹ و ماده ۴۰۳ ق.آ.د.ک.

رعایت نشدن اصول صلاحیت محلی، موجب نقض رأی در دیوان عالی کشور (در مقام رسیدگی فرجامی) نیست.

۳۴۴- گزینه ۱ صحیح است. مستند به تبصره ماده ۳۱۱ و ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک

اصولاً در فرض مشارکت یا معاونت افراد زیر ۱۸ سال با افراد بزرگتر، پرونده ها تفکیک شده و هر کدام در دادگاه صالح محاکمه می شوند. در فرض سوال اگر مرتکب بزرگسال از اشخاص موضوع مواد ۳۰۷ یا ۳۰۸ هم پرونده های او و فرد زیر ۱۸ سال تفکیک می شود؛ مگر اینکه جرم از مواردی باشد که مشارکت در آن ها رکن اصلی تحقق جرم باشد؛ مثل تبانی، زنا و لواط. در این موارد به اتهام همه متهمین در دادگاه مربوط به افراد زیر ۱۸ سال رسیدگی می شود.

۳۴۵- گزینه ۲ صحیح است. مستند به مفهوم مخالف ماده ۷۷ ق.آ.د.ک. در صورت مشهود بودن جرایم موضوع بندهای "الف" تا "ت" ماده ۳۰۲ (نه بند "ث")، دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدامات ضروری و اولیه را انجام می دهد. یعنی در خصوص بند ث (جرایم سیاسی و مطبوعاتی) چنین اختیاری ندارد.

این قضیه را نباید با مدلول ماده ۷۸ اشتباه گرفت. وفق این ماده در صورتی که رسیدگی به جرم داخل در صلاحیت مرجع قضایی دیگری (غیر از محل وقوع جرم) باشد و جرم مشهود باشد، دادستان در تمام جرایم و اتهامات، اقدامات اولیه و ضروری را انجام می دهد.

۳۴۶- گزینه ۲ صحیح است. تمام اتهامات مطرح در سوال درجه ۷ یا ۸ هستند که نظر به ماده ۳۴۰، این جرایم بدون کیفر خواست (به صورت مستقیم) به دادگاه ارسال می شوند.

۳۴۷- گزینه ۴ صحیح است. نظر به ماده ۸۰ ق.آ.د.ک، شرط اولیه جهت بایگانی کردن پرونده این است که «شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد». نتیجتاً این بنیاد معطوف به جرایم غیرقابل گذشت درجه ۷ و ۸ است. زیرا در جرم قابل گذشت، اگر شاکی وجود نداشته باشد یا گذشت کرده باشد، تعقیب غیرممکن است.

همین نکته در خصوص حکم معافیت از کیفر و نظام نیمه آزادی نیز وجود دارد. اعطای این دو بنیاد منوط به گذشت شاکی است. پس این بنیادها در جرایم قابل گذشت، ممکن نیستند.

۳۴۸- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۲۸۰ ق.آ.د.ک. عنوان مندرج در کیفرخواست دادگاه را ملزم به آن نمی کند؛ بلکه در صورتی که مجموع رفتار متهم به وسیله تحقیقات دادسرا مشخص بوده ولی دادگاه عنوان اتهامی را چیز دیگری بداند، کافی است که دادگاه عنوان جدید را به متهم تفهیم نموده و رسیدگی را ادامه دهد.

۳۴۹- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۵۳۵ ق.آ.د.ک. جزای نقدی در صورت فوت محکوم، ساقط می شود و لازم است قرار موقوفی اجرا صادر شود. ولی فوت متهم یا محکوم، موجب ساقط شدن دیه نمی شود. زیرا دیه دین است و در نتیجه اصولاً بر عهده ورثه قرار می گیرد.

۳۵۰- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک. و رأی وحدت رویه شماره ۷۶۸ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۹۷. مرجع اعتراض به آرای صادره در خصوص جرایم مندرج در ماده ۳۰۲، صرف نظر از اینکه در مرحله تحقیقات مقدماتی صادر شده اند یا در مرحله محاکم، دیوان عالی کشور است. فلذا تبصره ماده ۸۰ را با این دیدگاه باید تفسیر کرد.

۳۵۱- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. فلسفه اینکه قانونگذار دادستان را مختار کرده که ضمن تعلیق تعقیب متهم دستوراتی اضافه نیز خطاب به او صادر کند، در شرایطی که هنوز محکومیت قطعی حاصل نشده است و شورای نگهبان هم این مصوبه را خلاف قانون اساسی و شرع ندانسته این است که شرط اولیه تعلیق تعقیب «رضایت متهم» است.

همین طور در نظام نیمه آزادی، انجام خدمات عمومی رایگان به عنوان یکی از مصادیق جایگزین های زندان و نظارت سامانه های الکترونیک نیز رضایت متهم یا محکوم لازم است.

۳۵۲- گزینه ۱ صحیح است. مستند به تبصره ۲ ماده ۸۵ ق.آ.د.ک. عاقله، مرتکب جرم یا متهم محسوب نمی شود؛ بنابراین هیچ یک از الزامات ناظر بر متهم، شامل حال عاقله نمی شود. این است که در خصوص عاقله و همچنین نماینده حقوقی شخص حقوقی که برای دفاع از شخص حقوقی در مرجع قضایی حاضر می شود، از اصطلاح «تبیین اتهام» استفاده می شود نه «تفهیم اتهام».